



عنوان کتاب :
اطلس مهدویت
نویسنده: محمد علی رضایی
تهیه و تنظیم :
معاونت پژوهش بنیاد مهدویت و آینده پژوهی

ویراستار : حمیدرضا حبیبی
طراحی و صفحه آرایی: علی صادقیان

نوبت چاپ: اول
ناشر :
شمارگان: ۳۰۰۰
قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

اطه‌مهدوی

جلد اول

مهدویت و امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَبِّهِ الشَّرِيفُ :
در دوران امامت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام

فهرست مطالب

مقدمه

درآمدی در ضرورت ها

- ضرورت اطلس نگاری و ضرورت اطلس مهدویت ۸
- مفهوم شناسی ۹
- مبانی و پیش نیازهای اطلس مهدویت ۱۱

فصل اول

مهدویت از آموزه تا واقعیت

- درآمد ۳۰
- نگاهی به مهدویت در فرهنگ حدیثی ۳۱

فصل دوم

بسترهای انسانی و تاریخی و جغرافیایی ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

- درآمد ۵۹
- شجره شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۹
- شخصیت شناسی مادرگرامی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۶۲
- پیشینه ۶۲
- در منزل حکیمه تا تولد امام ۶۲
- از تولد امام تا رحلت ۶۳
- سامراشناسی ۶۹
- درباره شهر سامرا: ۷۰
- شیعه شناسی از آغاز تا آستانه میلاد موعود ۷۴

فصل سوم

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف

- پیش درآمد ۸۵
- یادآوری: روش شناسی فرمی و محتوایی ۸۶
- رویداد های پیش زمینه ۸۷
- جدول گاه شماری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران امامت امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف ۹۳
- جمع بندی و نتیجه گیریها..... ۹۴

کتابنامه

منابع و مآخذ



مقدمه

درآمدی در ضرورت ها:

ضرورت اطلس نگاری و ضرورت اطلس مهدویت
مبانی و پیش نیازهای اطلس مهدویت
آینده گرایی یا سلفیگرایی
تاریخ شناسی و آینده پژوهی تطبیقی
مبانی انسان شناختی ای که در اطلس شناسی باید لحاظ شود



۱. ضرورت اطلس نگاری و ضرورت نگارش اطلس مهدویت

بخش عمده ای از آگاهی بشر در کنار مفاهیم شنیداری و نوشتاری، متأثر از یافته های دیداری است. امروزه تمدن بشر [تمدن غرب] بر تصویر و عناصر دیداری بنا گذاشته شده است، بدین جهت بسیاری از دانش ها و آموزه ها برای فراگیر شدن رو به سوی تصویری شدن آورده اند. این واقعیت به واسطه پیدایش تکنولوژی های تصویری، رسانه های الکترونیک و تلویزیونی رشد فزاینده ای به خود گرفته است.

در مباحث دینی، آموزه های توحیدی بر بنیان واقعیات غیبی بنیان گذاری شده است. بدین جهت بسیاری از مفاهیم دینی قابلیت ترجمان تصویری ندارند. اگرچه در این بخش هم روشی دینی با عنوان نشانه ها و آیات وجود دارد تا انسان تصویرگرا از رهگذر دیدنی ها به نادیدنی ها رهنمون گردد، ولی در همان معارف دینی بخشی از آموزه ها هستند که با زمان و مکان پیوندی ناگسستنی دارند و آن بحث واقعیت تاریخی و زمینی انسان های کامل و معصومین است که در این بخش، امکان ترجمان تصویری آن البته به معنای خاص خودش وجود دارد.

متأسفانه امروزه برخلاف حوزه های تجربی و کاربردی دانش که موفق به ارائه روش مند، منظم و طبقه بندی شده محتوای خود گردیده و در نتیجه سهم بیشتری در واقعیت زندگی انسان به دست آورده اند، متأسفانه آن بخش از معارف دینی که شایستگی ترجمه تصویری را دارد، آنچنان که شایسته است، پردازش و تحلیل قرار نشده و در حصار بحث های تخصصی و انتزاعی که غالباً مخاطب خاص خود را دارد، باقی مانده اند و در نتیجه عموم مردم از فهم و بکارگیری این آموزه ها محروم شده اند.

این در حالی است که در تمدن امروز، همه جریان ها و مدعیان تلاش برای تصویر سازی و کاربردی سازی، نگرش های خود را از معبر تصویر دارند تا با تصویری سازی، آموزه ها را به متن زندگی مخاطبان خود وارد سازند؛

در چنین زمینه ای، تلاش برای پردازش مفاهیم دینی و تبدیل آن ها به صورتی که ملموس،

معنادار و قابل فهم برای عموم باشد و ارائه آن‌ها در قالب یک فرآورده ای دانشی امکان پذیر باشد، اهمیت ویژه ای دارد؛

و از آنجا که در میان معارف دینی دو اصل نبوت و امامت، از میان اصول دین در مکتب تشیع، با زمان و مکان پیوند خورده اند، شایسته است برای ترجمان تصویری به معنای خاص خود و با هدف فراگیرسازی معارف دینی تلاشی جدی صورت گیرد.

آموزه مهدویت، به سبب برخورداری از جایگاه کلیدی در هندسه معارف و مفاهیم دینی، از این شایستگی اساسی برخوردار است که از یک سو پیشینه و جریان تکوین هدایت دینی را توضیح داده و از سوی دیگر آینده و راهبرد دین برای زندگی بشر و تاریخ آن را تبیین کند و در نتیجه این ظرفیت طلایی آموزه های مهدویت، وضعیت امروزی مخاطب دین را معنا دهد و امکان بهره مندی بیشتر از محتوای دینی را برای او فراهم آورد.

با این دیدگاه اطلس مهدویت، محصولی است که در جریان آن، مستندات، مدارک و آثار مرتبط با آموزه مهدویت در ساختار زمانی و مکانی طبقه بندی و پردازش شده و در نهایت، با لحاظ ارتباطات معنادار میان آن‌ها و به شیوه هایی که خود مولد سطح عمیق تری از آگاهی می باشند، ارائه می گردد. بر این اساس، این محصول بیش از آنکه به آثار کلیشه ای و نمونه های متداول در هیئت اطلس نزدیک باشد، بر مفهوم کلی آن مبنی بر «مجموعه ای از اطلاعات و نشانه های معنادار» مبتنی خواهد بود؛

و از این رو، اطلس مهدویت، پژوهشی توسعه ای مبتنی بر دانش موجود و حاصل از پژوهش های مربوط به حوزه مهدویت خواهد بود.



۲. مفهوم شناسی

۲-۱ اطلس

به طور کلی اطلس (Atlas) کتابی است که دربردارنده نقشه ها و جداول و آمارها در موضوعی خاص باشد. در واقع اطلس کتابی شامل نقشه ها، جدول ها، نقاشی ها و طرح های گرافیکی است که در زمینه ای خاص تولید می گردد. عمده ترین کاربرد نگارش و تولید اطلس در زمینه جغرافیا و زیست شناسی و تاریخ است.

در اطلس تاریخی، اطلاعات گوناگون تاریخی در یک موضوع خاص در بستر زمان و مکان گردآوری و ترتیب می یابد و از آنجا که در مباحث تاریخی نوشتار جایگزین قالب های تصویری می گردد، بدین جهت اولین مرحله و قالب ترجمه اطلاعات نوشتاری تاریخی به اطلس، تبدیل آنها به فرمت گاه شماری (timeline) است، بدین جهت در اطلس های تاریخی با محوریت یک شخصیت و یا یک جریان، از قالب های نقشه، گاه شمار تاریخی، جدول های آماری، اینفوگرافی

و طراحی و عکس استفاده می شود.

۲-۲. مهدویت و امام مهدی:

«مهدی» اسم مفعول و به معنای هدایت شده است. البته گاهی نیز در معنای فاعلی به معنای «هدایت کننده» به کار می رود، کلمه «مهدوی» هم صفت نسبی است که به معنای منسوب به مهدی به کار می رود، واژه مهدویت هم از نظر لغوی مصدر جعلی است، پس مهدویت، از واژه مهدی گرفته شده است تا کارکرد مصدری بیابد. توضیح آن که هر وصفی که «یای» مشدد و «تا» (تیت) به آن اضافه شود، تبدیل به مصدر می شود، مثل عالمیت، حاکمیت. مهدویت هم همان کلمه مهدی است که یای مشدد و تا به آن اضافه شده است و به صورت مصدر جعلی به کار می رود. یعنی مهدوی بودن. تا اینجا معنای لغوی مهدویت دانسته شد و اینک نوبت فهم اصطلاحی این واژه است.

مهدویت به معنی تمامی آموزه های اسلامی مرتبط با مبحث مهدی موعود است و مهدی باوری یکی از آموزه های مشترک اسلامی است که در همه فرقه های اسلامی با شدت و ضعف نمود معرفتی و ایمانی دارد و مبنای آن در تعالیم پیامبر اسلام ﷺ بوده که از جهت آینده نگری، آینده ای درخشان را در پایان تاریخ برای اسلام بر محور شخص و قیام مهدی پیش بینی نموده است؛

مطابق این آینده نگری، پایان تاریخ با حکوت عدل جهانی مبتنی بر توحید باوری و معنویت فراگیر است که زیر پرچم حاکمیت انسانی کامل و شایسته از تبار پیامبر ﷺ جامه عمل خواهد پوشید. و در این آینده نگری، آن برگزیده با لقب مهدی شناخته می گردد، پس مهدویت که مصدر جعلی است، به معنی تمامی آموزه های مرتبط با آن مهدی موعود و آن منجی پایانی اسلامی است.

مهدویت در نگرش شیعی امتداد روزآمد اصل امامت است و در حقیقت مهدی موعود کسی نیست جز امام دوازدهم شیعیان، که در امتداد خط پیوسته امامت، متولد شده و در پس پرده غیب در انتظار اذنی آسمانی برای تحقق آن آرمان شهر پایانی است؛

بدین جهت مهدویت در نگرشی شیعی، واقعیتی کلامی-تاریخی و با پیوندی عمیق با متن زندگی روزمره دینداران است، این در حالی است که مهدویت در دیگر فرقه های اسلامی، به علت اعتقاد نداشتن به تولد مهدی و یا تنزل دادن شخصیت مهدی موعود، آموزه ای فرعی و در حاشیه و دور از واقعیات زندگی دینی مسلمانان به شمار می رود.

بنابراین مهدویت شیعی تنها به حوزه معارف عقلی و تحلیلی مربوط به فهم و تفسیر آموزه های اسلامی محدود نمی شود، بلکه حوزه های دانشی تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و سیاست را نیز در بر می گیرد و بر این اساس، علاوه بر «ذهنیت» نگاه اسلامی، در «عینیت» هم حضور دارد، بدین جهت آموزه های ذهنی و انتزاعی آن شایستگی تبدیل به فرمت های عینی و دیداری را دارد، از این رو، طراحی و تولید محصولی که امکان گردآوری، دسته بندی و ارائه مستندات مربوط به مهدویت در قالب اطلس را فراهم آورد، ممکن ساخته است.

۳-۲. پیشینه اطلس نگاری اسلامی- شیعی:

نگارش و تهیه اطلس های دینی در میان مسلمین که به بررسی و بیان اطلاعات مربوط به زندگی پیامبر، خلفاء و ادوار تاریخی اسلام می پردازند، غالباً در میان اهل سنت و در حوزه جغرافیایی عربستان و مصر به ظهور رسیده است^۱ و شاخص ترین اثر در این زمینه اطلس تاریخ

۱. یادآور می گردد که در این زمینه در عربستان مجموعه ای از اطلس شخصیت های صدر اسلام با نگرش وهابیت و اسلام سلفی تولید گردیده است که شامل شرح حال این شخصیت هاست: اطلس پیامبر اسلام، اطلس ابوبکر، اطلس عمر، اطلس عثمان، اطلس امام علی علیه السلام و اطلس جنگ های صلیبی و اطلس اسلام در اندلس.



اسلام اثر حسین مونس است.

در میان شیعیان هم تنها اثر تولید شده با نگاه عالمانه، «اطلس شیعه»، اثر رسول جعفریان است. در اطلس تاریخ اسلام به علت نگرش غیر شیعی مؤلف، نشانی از معارف تاریخی مرتبط با مهدویت (جز در حاشیه خلافت خلفای فاطمی و یا برخی قیام ها و حکومت ها با شعار مهدویت مثل قیام مهدی سودانی و یا ...) یافت نمی شود.

اطلس شیعه به زندگی معصومین (علیهم السلام) به صورت بسیار مجمل پرداخته و در بحث مهدویت به صورت کلی از ارائه قالب های اطلسی مرتبط با زندگانی آن حضرت دوری گزیده است، مثلاً در موضوعی مانند دوران غیبت صغری به صورت کوتاه و بدون تحلیل و یا معرفی تفصیلی نواب اربعه از جهت شخصیتی و مدیریتی و تاریخی و جغرافیایی پرداخته است؛ بدین جهت می توان ادعا کرد که نه تنها در موضوع مهدویت بلکه در زندگی تک تک معصومین با قرائت شیعی هنوز اطلسی علمی و جامع تولید نشده است.

۲-۴. امام عسکری (علیه السلام):

ابومحمد، حسن بن علی العسکری معروف به حسن عسکری، معصوم سیزدهم و امام یازدهم شیعیان است. شیعیان وی را با پدرش، امامین عسکریین می خوانند، زیرا در شهر نظامی سامراء، زیر نظر خلفای عباسی بودند. امام عسکری (علیه السلام) در سال ۲۳۲ ق در شهر مدینه زاده شد. پدرش امام هادی و مادرش کنیزی شایسته به نام حدیث بود. ایشان از سال ۲۳۴ ق در حالی که دو ساله بود همراه پدرش به سامراء تبعید شد و پس از آن که پدرش در سال ۲۵۴ به شهادت رسید، به مدت شش سال عهده دار آخرین دوره از امامت آشکار شیعیان دوازده امامی گردید و با شهادت ایشان در سال ۲۶۰ ق، دوران غیبت صغری آغاز شد.

۲-۵. مهدویت در دوران امام عسکری (علیه السلام):

این ترکیب دلالت بر تمامی آموزه ها و رویدادهای مرتبط به امام مهدی در مقطع امامت امام عسکری (علیه السلام) دارد.

البته از آنجا که از یک سونگاه به آینده پایانی، اصلی ثابت در ادیان ابراهیمی (و حتی غیر ابراهیمی) بوده است و در اسلام هم پایه گذاری مهدویت به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) باز می گردد، بدین جهت بخشی از آموزه های مهدویت به دوران پیش از این مقطع تاریخی باز می گردد، ولی تاریخ عملی شروع مهدویت در اندیشه شیعه از این مقطع تاریخی است.

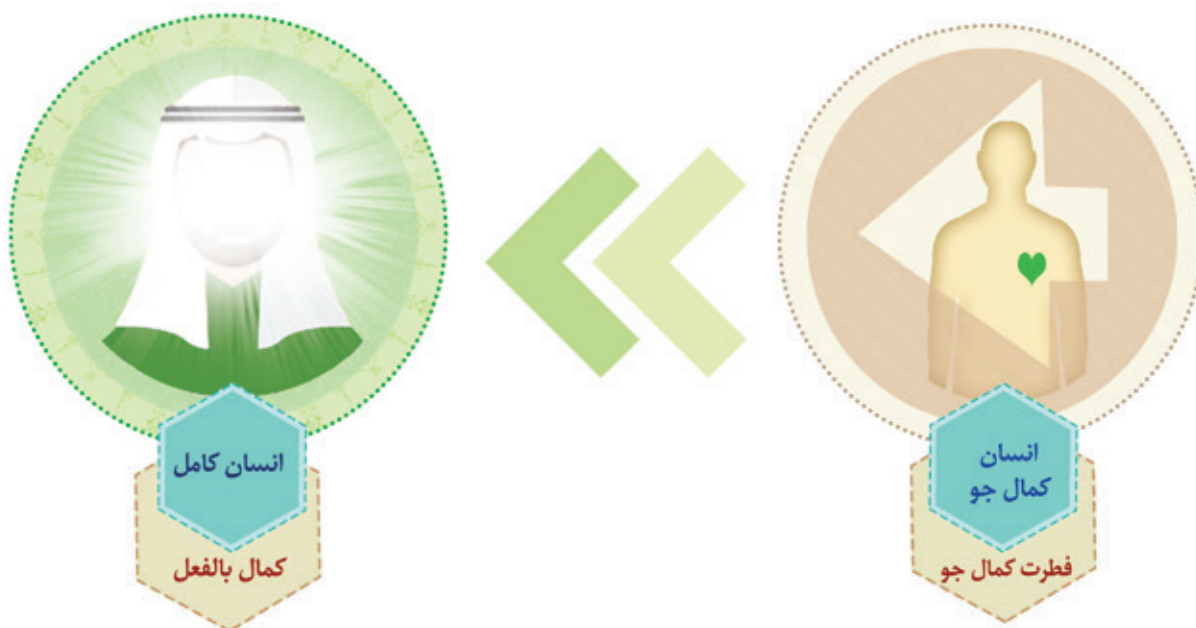
با توجه به این عنوان، در این اطلس تنها گزارشی موجز از اطلس پیشا مهدویت تاریخی ارائه می گردد و در ادامه بحث اطلس مهدویت تنها به گزارش های تاریخی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شیعیان در مقطع پیشا ولادت و ولادت تا زمان شهادت پدرش می پردازد.

۳. مبانی و پیش نیازهای اطلس مهدویت

۳-۱. مبانی انسان شناسی:

کلمه امام در فرهنگ شیعه به معنی انسان کامل بودن شخص امام است و کمال در انسان کامل به معنی «عصمت» (یعنی دوری از هر گونه نقص و عیب و آلودگی و گناه و لغزش) و «علم غیب» (دانش بیکران آسمانی و مورد نیاز به بشر برای هدایت و سعادت) است.

در این دیدگاه انسان ها یا انسان کامل هستند و یا انسان های کمال جو و در صورت وجود انسان کامل، او به ضرورت فطرت و عقل و نقل، راهبر بشر به سوی سعادت و هدایت خواهد بود.



در این دیدگاه کمال جوئی اصلی فطری است که براساس آن هرگاه آدمی انسان کاملی را یافت در صورت نبود موانع از او پیروی خواهد کرد؛ کمالی که در انسان کامل بالفعل است و در انسان کمال جو پستریهای فطری آن وجود دارد.^۱

در نگرش شیعی مبتنی بر اصل دوازده امام معصومی که پیامبر معرفی کرده است^۲، امام مهدی دوازدهمین و آخرین انسان کامل است که به لحاظ میراث داری و وراثت ظاهری و معنوی از تمامی معصومین گذشته، جایگاه و مرتبه ویژه در میان امامان دارد.^۳



بدین جهت مهمترین پیش نیاز اطللس مهدویت، در کنار تلاش برای کشف جدول انسان شناسی با دورویکرد حالت کامل و حالت کمال جویانه آن، معرفی خط سیرامامت یازده امام پیشین و پیروان آنان است، بدین معنا که تا ندانیم امامت در بستر تاریخ چه وضعیتی را طی کرده و پیروان آنها چه فراز و فرود هایی را در تاریخ پشت سر گذاشته اند، سخن گفتن از مهدویت

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: انسان شناسی و مهدویت، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).

۲. صحیح مسلم ۱۴۵۳/۳، صحیح بخاری، ج ۳، جزء نهم، ص ۱۰۱: از جابر بن سمره نقل شده که می گوید «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً - ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمْهَا! فَقُلْتُ لَأَبِي مَا قَالَ؟ فَقَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ!»

۳. الغيبة للنعماني ص ۶۷: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اخْتَارَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئًا.... وَ اخْتَارَ مِنَ النَّاسِ بَنِي هَاشِمٍ وَ اخْتَارَ مِنِّي وَ عَلِيًّا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَ اخْتَارَ مِنِّي وَ مِنْ عَلِيٍّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ يُكْمِلُهُ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ بَاطِنُهُمْ وَ هُوَ ظَاهِرُهُمْ وَ هُوَ أَفْضَلُهُمْ وَ هُوَ قَائِمُهُمْ

به صورت ناگهانی، عرضه ای بدون ریشه و اطلاع رسانی ای با کمترین کارایی است، بدین جهت پیش نیاز مهم دیگر اطلس مهدویت، انسان شناسی تاریخی شیعی و یا همان تلاش برای شناخت انسان ۲۵۰ ساله است که درباره آن به اجمال پرداخته خواهد شد.

۲-۳. آینده گرایی یا سلفی گرایی:

مهدویت فارغ از قرائت های فرقه ای به گونه ای ذاتی با بحث آینده گرایی و آینده بینی و آینده پژوهی پیوند خورده است و وجود افعال مضارع در احادیث نبوی شیعی و سنی گواه این ادعاست، ولی در برابر این واقعیت شاهد نگرشی در جهان اسلام هستیم با عنوان «سلفیت». سلفی به کسی گفته می شود که در احکام شرعی به کتاب و سنت رجوع کند و به غیر آنها رجوع نکند.^۱

اما سلفیه در معنای اصطلاحی آن، نام گرایشی فراگیر در جهان اهل سنت است که به اصطلاح خود به دین اسلام تمسک جسته، خود را پیرو سلف صالح می دانند و در اعمال، رفتار و اعتقادات خود، سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام ﷺ، صحابه و تابعین دارند. مستند آنان حدیثی منسوب به پیامبر اسلام است:

«خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ يَجِيءُ أَقْوَامٌ تَسْبُقُ شَهَادَةَ أَحَدِهِمْ يَمِينُهُ وَ يَمِينُهُ شَهَادَتُهُ»^۲

در این دیدگاه مهدویت نفی نمی گردد، ولی از هویت خود ساقط می شود. چرا که در انسان شناسی سلفی، مهدی، انسانی و بلکه خلیفه ای معمولی و مسلمان است که مأموریت او جهانی سازی اسلام موجود است، پس هم شخصیت او در مقایسه با صحابه و تابعین پایین تر است و هم مأموریتش دستاورد مهمی برای جهان اسلام جز مختصری عدالت (به معنای شرعی و سلفی آن) و نجات احتمالی (در صورت تحت سلطه غیر مسلمان بودن آنان) ندارد.

در این نگرش اصولاً گذشته گرایی جایگزین آینده گرایی شده و به جای تلاش و یا دعا برای منجی موعود، دعا برای سلف و تلاش برای بازگشت به آن دوران در جامعه ترویج می گردد و بدین گونه اسلام به عنوان دین خاتم هویتی گذشته گرا، جدای از پیشرفت و میل فطری به حرکت به سوی آینده نشان داده می شود و در حقیقت اگر مهدویت هم پذیرفته گردد، از آن تفسیری سلفی و به عنوان تلاشی جهانی برای احیای دوران سلف از آن تعبیر می شود.



۱. المعجم الوسيط (۱/ ۴۴۴)

۲. صحیح بخاری، حدیث ۲۶۵۲ و با اندکی اختلاف در شماره های ۳۶۵۱، ۳۴۲۹ و ۳۶۵۸ نیز آمده است.

۳-۳. انسان شناسی تاریخی:

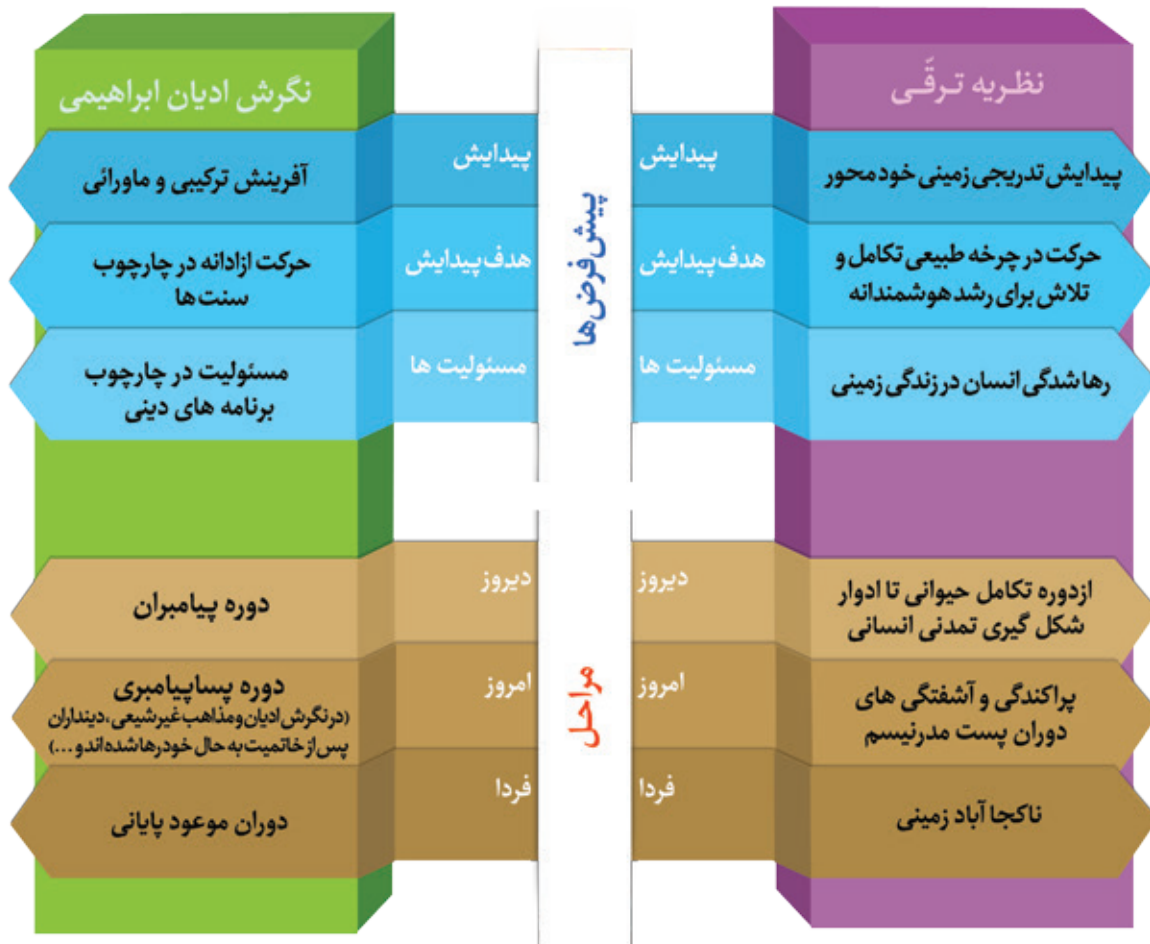
یکی از مهمترین مبانی مهدویت، بحث انسان شناسی تاریخی است. این که آدمی از کجا آمده؟ در کجاست؟ به کدامین سومی رود؟ چرا که تا تقسیم بندی دوره های تاریخی و مبانی آن دانسته نگردد، سخن گفتن از مهدویت و اطلس تاریخی مهدویت هم معنایی نخواهد داشت، زیرا هر قرائتی که از تاریخ و گذشته داشته باشیم، آینده هم امتداد طبیعی آن خواهد بود. انسان شناسی تاریخی به مراحل سه گانه زمان (دیروز، حال، آینده) در زندگانی انسانی نظر دارد و براساس آن مسائل زیر را مورد مطالعه قرار می دهد:



امروزه در زمینه انسان شناسی تاریخی، دو نگاه کلی وجود دارد، که یکی نگاه برآمده از نظریه ترقی تاریخی است و دیگری نگرش ادیان ابراهیمی به «هبوط و مدینه فاضله ظهور» است. مباحث انسان شناسی تاریخی به این دو بحث کلی تقسیم می شود. در نظریه ترقی، انسان موجودی تک ساحتی (بدون روح و هر بُعد ماورائی) بوده و در امتداد فرایند تکامل جهان مادی است؛ پس او ریشه ای مادی، نباتی، حیوانی و در نهایت میمونی دارد و مقصدش هم به ناکجا آباد نامعلومی است، آن هم تا آنجا که شرایط محیطی امکان زیستن بر روی زمین یا کُرات دیگر را به او بدهد.

ولی در دیدگاه ادیان ابراهیمی (یهود، مسیحیت، اسلام) انسان موجودی مرکب از جسم و روح است که نقطه پیدایش او در داستان آفرینش انسان، مرد وزن (آدم و حوا) و در جایی غیر از زمین (البته با بُعد مادی و زمینی) بوده است و در داستان معروف وسوسه ابلیس، آن دوه زمین هبوط می کنند. و از لحظه هبوط هویت تاریخی و سرگذشت زمینی انسان شروع می شود. پس شروع زندگی انسانی بر روی زمین از دیدگاه ادیان ابراهیمی، با پیدایش انسانی است که

پیامبر بود و در واقع با تاریخ پیامبران آغاز شده است. البته درباره این که این تاریخ پیامبری تا کی و چه زمانی استمرار یافته، بین ادیان ابراهیمی اختلاف است؛ سیمای کلی این دو نگرش در جدول زیر به صورت تطبیقی معرفی می گردد:



پس در نظریه ترقی، بشر در همیشه تاریخ موجود رها شده و خود مختار بوده است، ولی در نگاه ادیان ابراهیمی تاریخ آغازین او با تاریخ پیامبری پیوند می خورد، البته تازمانی که خاتمیت در پیامبری رخ ندهد، چرا که در این دیدگاه تاریخ بشری را می توان به دو دوره کلی دوران پیامبران و دوره پسایامبری تقسیم بندی کرد؛

در این دیدگاه پس از هبوط و بر مبنای مصاف انسان و ابلیس، آدمی باید بر روی کره زمین به کمال لازم خود برسد و برای رسیدن به سه عامل اصلی «ولی حق» و «کتاب» و «جامعه حق» نیازمند است.

در يك اجماع مشترك بين تمامی ادیان و مذاهب ابراهیمی دوران پیامبری دورانی است که در بستر تکامل تدریجی جوامع حق، نسخه های تدریجی کتاب نازل می شود و آنگاه که کتاب نهایی نازل شد و دین تکمیل گردید، جریان پیامبری هم قطع خواهد شد (خاتمیت) و پس از آن دوران پسایامبری آغاز می شود:

ظهور موعود
ابهام در مأموریت زمینی و مسئولیت
مومنان نسبت به تحقق آن دوران

دوران موعود پایانی

دوره پساخاتمیت

آموزه های مشترک:

- ☑ ختم نبوت
- ☑ کتاب پایانی و کفایت کتاب برای استمرار
- هدایت جوامع دینی و رهبری زمینی مومنان بر
- مبنای عقل و علم دینی

دوره پیامبران



مفهوم خاتمیت:

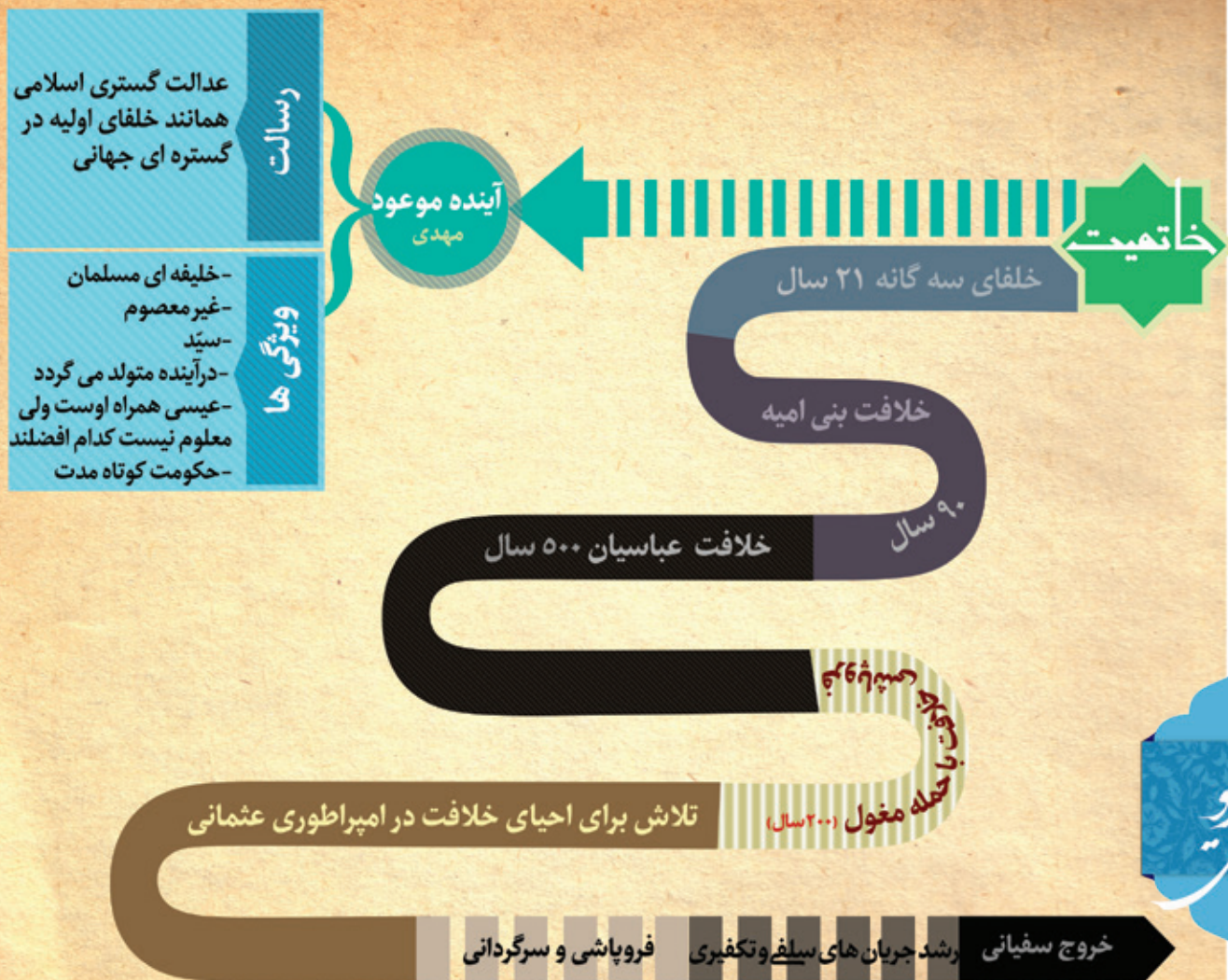
معنی خاتمیت و آغاز دوران پسا پیامبری در قرائت حداقلی از دین که شامل قرائت مشترک یهود ، مسیحیت و اهل سنت است؛ انقطاع کامل وحی و قطع ارتباط آدمی با عالم غیب از طریق فرستادگان الهی می باشد.

در قرائت فوق دوران پس از خاتمیت ، دوران رها شدگی بشر و کمال دین؛ به معنی بی نیازی به فرستادگان الهی (انسان کامل) چه به واسطه نزول وحی (نب) و چه به عنوان مبیین و مفسر و مجری وحی است.

اطه کبر

براساس اینفوگرافی زیر نگاه و باور حداقلی اهل سنت به ادوار تاریخی پسا پیامبری دیده می شود که در نهایت، آنان به خلأ تاریخی و سرگردانی می رسند.

نگاه تاریخی اهل سنت: ۱۴ قرن دوران خلافت و سرگردانی



اطلاعات

مقدمه / درآوردی در ضرورت ها

دیدگاه شیعه به گذشته و آینده تاریخ:

تنها مذهبی که قائل به استمرار حضور انسان کامل در متن جامعه است، مکتب تشیع است؛ در این مکتب، خاتمیت به معنی کمال دین و انقطاع وحی است. ولی به لحاظ بقای نیاز انسان ها و حتی خود دین در مقام اجرا و عملیاتی شدن و در تفسیر و تاویل قرآن به انسان کامل، استمرار حیات و تصرفات انسان کامل پس از خاتمیت ضروری است. پس در مکتب تشیع خاتمیت به معنی قطع ارتباط با عالم غیب و رها شدگی بشر نیست. این نگرش مبتنی بر همان اصول سه گانه [انسان کامل (امام)، دین، سازمان و جامعه (امت)] در جبهه حق است.

بر مبنای این سه گانه هدف و غایت، زمان رسیدن بشر به سوی بهشت ظهور، در پایان تاریخ است و در مسیر این هدف غائی، تاریخ دو مرحله کلی دارد: یکی مرحله نزول دین و تجربه های تکاملی جامعه سازی به موازات تکامل دین که این مرحله بر معیار و مبنای پیامبران پنج گانه (نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم) است و دیگری مرحله اجرا و تحقق دین کامل در بستر بلوغ تدریجی جوامع بشری از یکسو و جامعه دین باوران از سوی دیگر است؛ تحقق بخشیدن به مرحله دوم تاریخ در این نگرش، بر عهده امامان معصومی است که کاملاً در رتبه و مرتبه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم هستند.

در این اثر، اطلس مهدویت مبتنی بر انسان شناسی تاریخی شیعه است که زمان های سه گانه را، در خط پیوسته زمان این چنین می نگرد:

- گذشته ای که هویت و عبرت است؛
- آینده ای که حقیقت و موعودیت است؛
- و حالی که تعریف مسئولیت و رسالت است؛



و نظریه اهمیت نوع نگاه به این زمان های سه گانه در یک نگاه مقایسه ای، دانستن نگرش

تطبیقی ادیان ابراهیمی درباره زمان های سه گانه ضروری است:

حال	آینده	گذشته	تشیع
رسالت ها و مسئولیت های روز آمد در پناه استمداد از ولی زمانه برای تعالی بخشی تدریجی به تحقق عملی دین در جامعه حق و جاذبه آفرینی برای تمدن روزآمد اسلامی در گستره جهانی با هدف بستر سازی برای زمینه سازی	بهشت کیفی و کمی ظهور؛ و رجعت که برجسته ترین نقطه تاریخ است	کمال و تعالی در دین؛ و ظهور تاریخی انسان های کامل؛ و عبرت ها در جوامع تاریخی	
روزمرگی دینداری در عین رهاشدگی به حال خود و کفایت دین سنتی و تاریخی در برابر تمدن و تجدد	آینده دورانی شبیه گذشته و نه به اهمیت آن از جهت کیفی، اما قابل توجه از جهت توسعه کمی	کمال و تعالی دین و انسان کامل و جامعه حق (صحابه) و آنگاه آغاز روزمرگی تاریخی	اهل سنت
زمان حال؛ رهاشدگی و روزمرگی	آینده ای معطوف به ظهور مجدد پسر خدا با هدف نجات بخشی پایانی (و احتمال حکومت زمینی او)	کمال و تعالی دین و انسان کامل در گذشته (نوعی تعالی در قالب تجسد پسر خدا با هدف گناه شونی و بدون ماموریت زمینی)	مسیحیت
تفسیر دنیوی و زمینی از گذشته و آینده و تلاش نژاد پرستانه برای استثمار اختصاصی	تلاش برای احیای گذشته در آینده موعود	کمال و تعالی دین و انسان کامل و جامعه دینی نژادی در گذشته	یهودیت
تمدن سازی تکنولوژیک و سکولار همراه با تلاش برای به اوج رساندن آزادی های فردی و التذاذ دنیوی	برنامه ریزی برای حفظ و استمرار و جهانی سازی تمدن سکولار در آینده ای نزدیک	جستجوی نقطه اوج گذشته در تمدن یونان و روم به عنوان نقطه اوج سکولاریسم و پیشرفت تاریخی بشر	تمدن سکولار

اطلاعات

و در نگاهی اجمالی برآیند این نگرش ها به سه گانه: «ادیان ابراهیمی گذشته گرا»، «علم و تمدن حال نگر» و «تشیع آینده نگر» تقسیم می شوند، تا مشخص شود که چرا منجی گرایی در میان ادیان و مذاهب دیگر به حاشیه رفته و در نهایت در مواجهه با تمدن پرا مدعی معاصر در صحنه زندگی و تمدنی، بدان وانهاده شده است، ولی در برابر، مکتب تشیع همچنان به عنوان یک مذهب با نشاط و دارای طرح و برنامه، چه برای زمان حال و چه نسبت به آینده ای روشن، خود را به رخ مدعیان می کشاند.

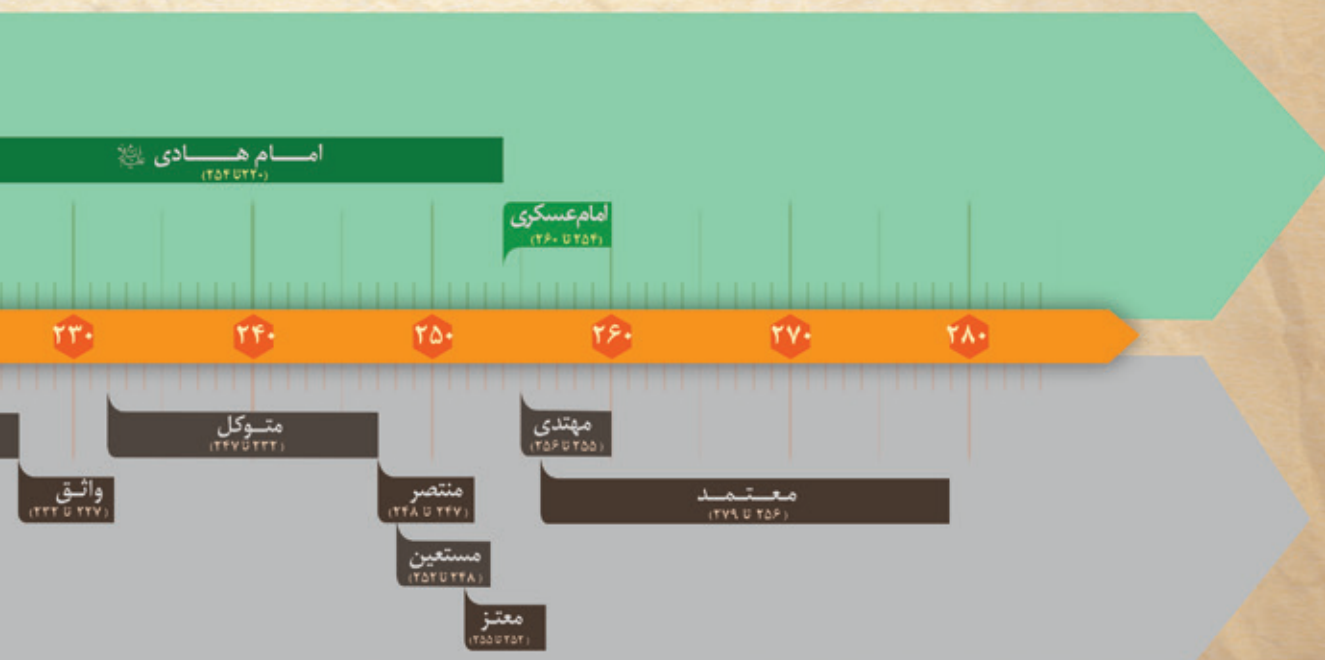
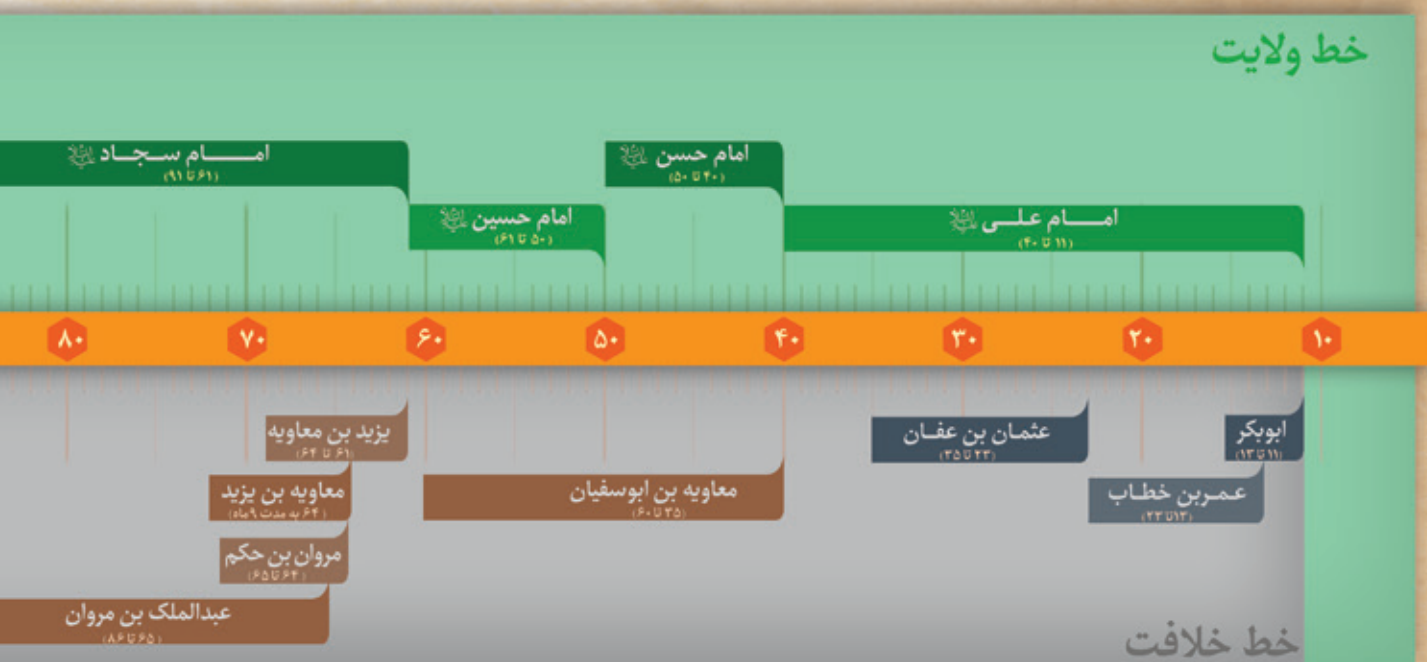
۳-۴. شیعه در دوران انسان ۲۵۰ ساله:

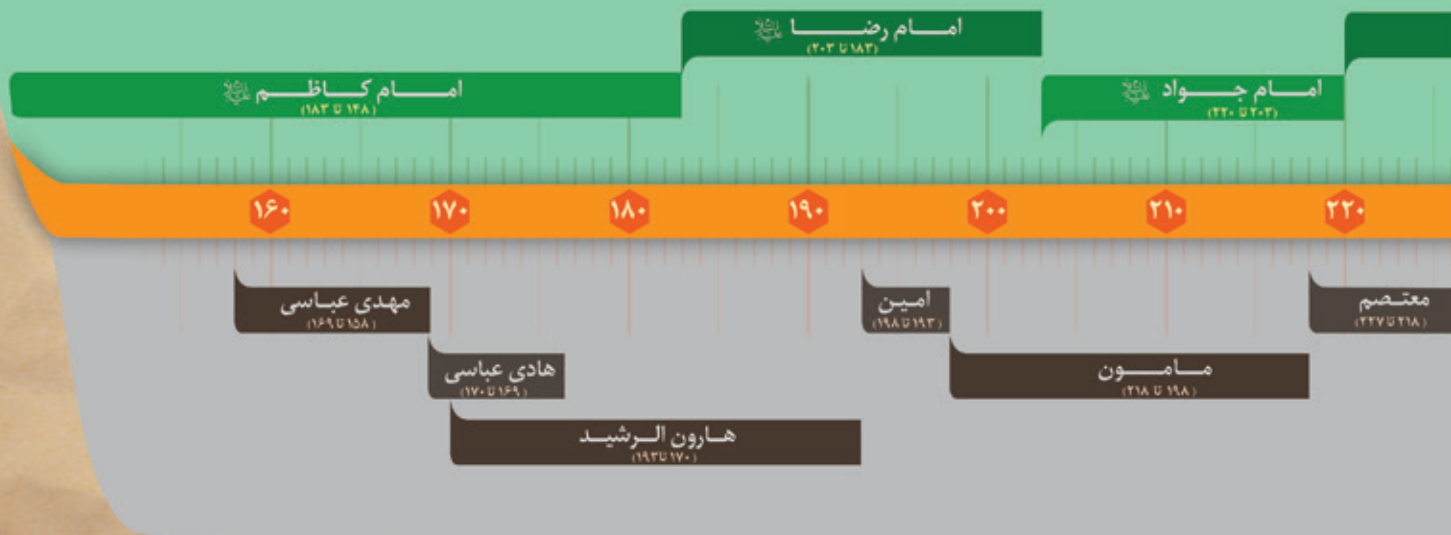
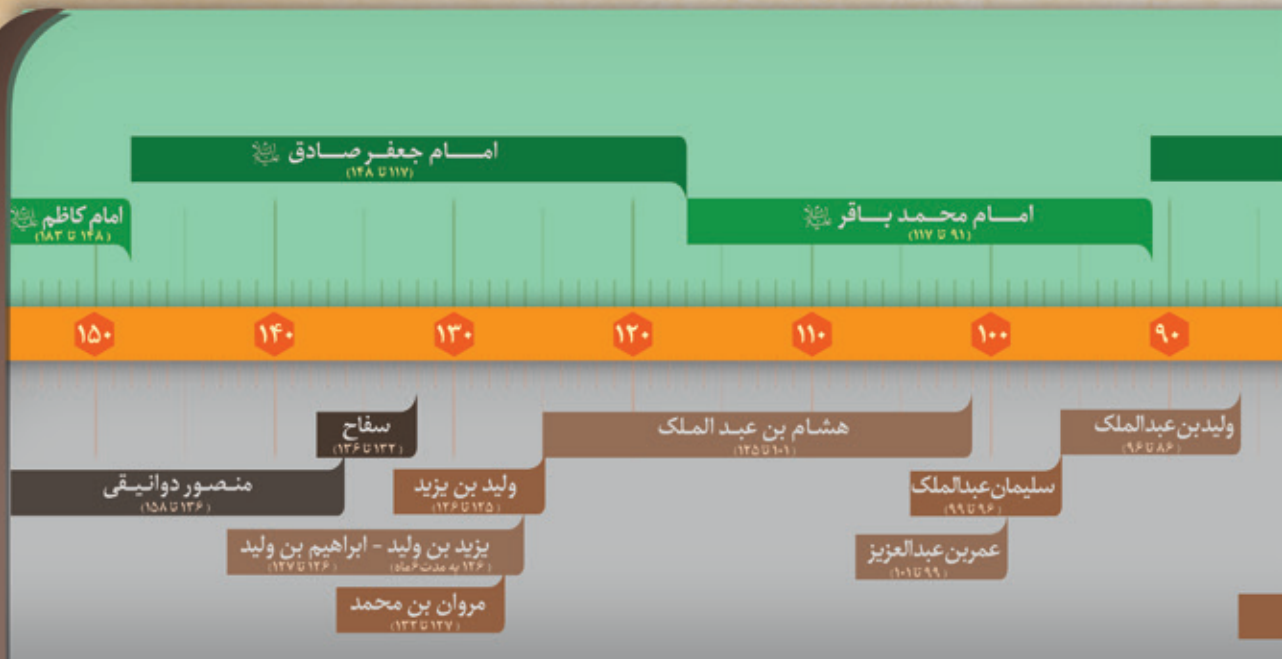
در ادامه بحث انسان شناسی تاریخی، وقتی که قرار است از مهدویت در دوران امام عسکری علیه السلام سخن گفته شود، در حقیقت قرار است در ضمن تاریخ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در دوران زندگانی پدر گرامی شان، از شیعه و جامعه شیعه در آن مقطع زمانی هم سخن گفته شود. شیعه ای که درست در پایان دوران حضور امامان و آغاز دوران غیبت صغری قرار دارد. شیعیان عصر امام حسن عسکری علیه السلام درست در پایان دوران حضور امامان معصوم علیهم السلام و در آستانه ورود به عصر غیبت قرار دارند. آن ها مدیریت انسان ۲۵۰ ساله (دوران حضور امامان معصوم) را در شرایط و حوادث گوناگون و متنوع درک کرده و به تدریج آمادگی پذیرش مهدویت و ورود به عصر غیبت را پیدا کرده اند.

گاه شمار توصیفی- اجمالی این دوران چنین است:

خاک خلافت		خاک ولایت	
زمان	دوره	زمان امامت	معصوم
سال ۱۱ ق تا ۳۵ ق	خلفای ثلاثه	سال ۱۱ تا ۴۰ ق	امام علی علیه السلام
سال ۳۵ ق تا ۶۴ ق	امویان	سال ۴۰ تا ۵۰ ق	امام حسن علیه السلام
		سال ۵۰ تا ۶۱ ق	امام حسین علیه السلام
		سال ۶۱ تا ۹۱ ق	امام سجاد علیه السلام
سال ۶۴ تا ۱۳۲ ق	مروانیان	سال ۹۱ تا ۱۱۷ ق	امام باقر علیه السلام
		سال ۱۱۷ تا ۱۴۸ ق	امام صادق علیه السلام
		سال ۱۴۸ تا ۱۸۳ ق	امام کاظم علیه السلام
سال ۱۳۲ تا ۲۷۹ ق	عباسیان	سال ۱۸۳ تا ۲۰۳ ق	امام رضا علیه السلام
		سال ۲۰۳ تا ۲۲۰ ق	امام جواد علیه السلام
		سال ۲۲۰ تا ۲۵۴ ق	امام هادی علیه السلام
		سال ۲۵۴ تا ۲۶۰ ق	امام عسکری علیه السلام

گاه‌شمار موازی خط امامت و خلافت در دوران ۲۵۰ ساله





مطابق این جدول، انسان ۲۵۰ ساله هم از جهت ستم های خط خلافت و هم در مواجهه با تحمل ولایت الهیه، فراز و نشیب های فراوانی داشته است، ولی در این میان آنچه که مهمتر است، فهم فرآیند کلی خط امامت است که گزارش تحلیلی آن چنین است:

دوران حضور امامان در جامعه، سراسر دوران امامت یازده امام، از امام علی (ع) تا امام عسکری (ع) را شامل می شود؛ این دوران ۲۵۰ سال طول کشیده است. تحلیل گران سیاسی-اجتماعی، این دوران ۲۵۰ ساله را به دوره های کوچک تری تقسیم بندی کرده اند؛ البته در فهم دوران ۲۵۰ ساله باید توجه داشت که این نگاه مبتنی بر قرائت شیعی از اسلام است. یعنی نگاهی که معتقد است اسلام پس از رحلت پیامبر (ص) تبدیل به خلافتی سکولار و غاصبانه شده است و خط امامت عملا طرحی مستقل از خط تاریخی خلافت اسلامی خود بنیاد بوده که به دست مدعیان مسلمانی ترسیم شده است؛

با این نگاه، گاه شمار تحلیلی دوران ۲۵۰ ساله چنین است^۱:



۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک به آثاری همانند: انسان ۲۵۰ ساله (سخنرانی های مقام معظم رهبری)، امام در عینیت جامعه (نوشته محمد رضا حکیمی)

اولین مرحله: احیای اسلام برای تمام مسلمانان

اولین مرحله در این نگاه پس از غصب خلافت، راهبرد احیای اسلام برای تمام مسلمانان است؛ در این مرحله تلاش خط امامت بازگرداندن مسلمانان و اسلام به مسیر درست خود است. این تلاش در ظرف زمانی پنجاه سال و با تلاش سه امام صورت می گیرد؛ این تلاش اگر چه به تجربه پنج ساله خلافت ظاهری امامان منجر می شود، ولی رخداد فتنه ها، توطئه ها، سستی ها و ریزش های فراوان خواص و عوام شاهی بر نهادهای شدن انحرافات و تحریف های خط خلافت در جهان اسلام است؛ انحراف ها و تحریف هایی که در نهایت منجر به فاجعه تاریخی عاشورا می گردد. عاشورا به مثابه اعلانی رسمی از سوی جامعه انحراف یافته برای فاصله گیری همیشه از خط اسلام راستین و از اهل بیت پیامبر ﷺ است.

دومین مرحله: دوره مکتب سازی

دومین مرحله دوره مکتب سازی است؛ علت طراحی این دوره و جدا شدن رسمی خط تشیع از اسلام ظاهری، رخ دادن عاشورا در سال ۶۱ ق است. در عاشورا اسلام اموی با قتل عام اهل بیت پیامبر ﷺ تلاش کرد اسلام راستین را برای همیشه از بین برده و قرائت تحریف شده و انحرافی از اسلام را برای همیشه در جهان اسلام نهادهای سازد. به علت مظلومیت و غربت اهل بیت پیامبر ﷺ در جامعه اسلامی، امامان شیعه پس از عاشورا تلاش کردند که برای حفظ مکتب حق به دور از جامعه منحرف شده موجود، نظام و جامعه ای جدید را بر بستر حماسه عاشورا پی ریزی کنند. مکتب جدید شیعه، مکتبی مبتنی بر شور و شعور و سبک زندگی عالمانه و شریعت محور بود. این دوران از زمان امام سجاد (ع) تا زمانه سقوط امویان در سال ۱۳۲ ق، به مدت ۷۲ سال ادامه یافت و بدین گونه در زمانه ای که خلافت اموی در سال ۱۳۲ ق (۷۵ میلادی) رو به نابودی می رفت و خلافت عباسی به تدریج جایگزین آن می شد، در کنار مکتب غنی و مستقل شیعه انسان هایی جدید به وجود آمده و بر الگوی شیعیان راستین اولیه شکل گرفتند و به توصیه امام در محیط های مناسب پراکنده شده و به تبلیغ تشیع پرداختند تا بتدریج جوامع شیعی با هویت ایمانی، علمی و فرهنگی شکل بگیرد؛

سومین مرحله: دوره جامعه سازی امامان شیعه

و بدینگونه سومین مرحله آغاز می گردد که دوره جامعه سازی امامان شیعه است. دوران نودساله ای جهت شکل گیری جوامع شیعی که پایه گذار آن در پیچ تاریخی انتقال خلافت از امویان به عباسیان امام صادق (ع) بود و در زمانه ائمه بعد به اوج شکوفایی رسید؛ در این مرحله برای اینکه این جامعه نوپای شیعه همانند دیگر جوامع اسلامی دچار رهاشدگی و سرگردانی و حیرت و گمراهی نگردد، به تدریج به توصیه امامان در هر منطقه افرادی دانشمند و مدیر و مدبر، رابط بین شیعیان و امامان شیعه قرار گرفتند که به آنان وکیل و به صورت جمع، وکلای امامان می گفتند و بدین گونه بود که سازمان وکالت مدیریت واسطه ای بین امامان شیعه و جامعه شیعه را به عهده گرفتند^۱ و به نظم بخشی و انسجام جوامع شیعه در مناطق دور و نزدیک پرداختند. از این رو در زمانی کمتر از صد سال جامعه شیعه در قالب جامعه ای علمی و فرهنگی پدیدار گشت.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: سازمان وکالت، محمد رضا جباری

۲. در صحیح مسلم از جابر بن سمره نقل شده که می گوید «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَيَّ إِنِّي عَشْرُ خَلِيفَةٍ - ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمْهَا! فَقُلْتُ لَا بِي مَا قَالَ؟ فَقَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ!» (صحیح مسلم ۱۴۵۳/۳)

همین حدیث در صحیح بخاری با عبارت مشابهی آمده است، جابر می گوید از پیامبر خدا ﷺ شنیدم می فرمود: «يَكُونُ إِنِّي عَشْرَ أَمِيرًا فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَشْعُرْهَا، فَقَالَ أَبِي إِنَّهُ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (صحیح بخاری، ج ۳، جزء نهم، ص ۱۰۱) [بعد از من دوازده امیر خواهد بود، سپس سخنی فرمود که آن را نشنیدم، پدرم گفت فرمود همه آنها از قریشند].

همین معنی در صحیح ترمذی نیز با تفاوت جزئی ذکر شده و ترمذی بعد از نقل آن می گوید «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ» [این حدیث نیکوی، صحیح است]. (صحیح ترمذی ۵۰۱/۴)

مرحله چهارم: آماده سازی برای غیبت

و سرانجام زمان مرحله چهارم رسید که مرحله آماده سازی برای غیبت است؛ از آنجا که طبق احادیث صحیح شیعه و حتی سنی، عدد جانشینان راستین پیامبر ﷺ دوازده نفر^۱ است و از جهت تاریخی هم در آغاز قرن سوم، زمان به ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک می شد، پس مسئله مهدویت خیلی زود تبدیل به مهمترین مسئله هم برای جامعه شیعه و هم برای خلافت عباسی می شود. یکی انتظار تحقق اش را می کشید و دیگری در وحشت از آن به سر می برد و این در حالی بود که جامعه اسلامی کمترین اقبال و روی خوش به اهل بیت پیامبر و جوامع شیعی نشان نمی داد؛

در بستر این واقعیت های پایانی است که فاز اول اطلس مهدویت شکل می گیرد تا به پیچیدگی های نبرد حق و باطل پرداخته و به گزارش بلوغ انسان ۲۵۰ ساله بپردازد.

۳-۵. نسبت بحث انسان شناسی تاریخی با بحث مهدویت:

در نگرش شیعه، کارکرد انسان شناسی تاریخی و یکی از رسالت های اطلس مهدویت در بلند مدت، معرفی هدفمندی تاریخ و تعریف آن هدف در کلی ترین و متعالی ترین هدفی است که شامل تمامی زندگی افراد انسانی و کلیت اجتماعی آنها می شود و کارکرد این نوع نگاه به تاریخ این است که تاریخ را در وسعت گذشته، حال و آینده، یک جریان به هم پیوسته و با هدایت متعالی و حکیمانه به تصویر بکشد و بداند که انسان در بستر تاریخ هیچ گاه به حال خود رها نشده است و زندگی متعالی و کمال مطلوب در هر زمان در پیوند پیوسته زندگی آدمی با امام هر زمان است. پس مبتنی بر نظریه اختیار و آزادی بین الامری، تک تک انسان ها در مقام تربیت و تعالی می توانند در مقام هدف گذاری کلی و کلان، تعریف طرح و برنامه عملیاتی، طراحی معیارها و ارزیابی های زندگی خود؛ تنها تعالی جوئی و کمال را از معبر تلاش برای همانندی با امام زمانه ی خود بجویند.

در این دیدگاه هر انسانی سعی می کند بر اساس فهم طرح کلی خداوند در تاریخ و جایگاهی که برای اراده تک تک انسان ها در آن قرار داده است، نسبت خود و زندگی اش را با آن طرح کلی و کلان سنجیده و ارتباطی تنگاتنگ بین آنها بیابد و بداند زندگی ۷۰ تا ۱۰۰ سال او قطعه ای و جزئی و یا مرحله ای از آن طرح کلی است که ایفای هر گونه نقش سفید و سیاه و خاکستری در مرتبه حداقلی و یا حداکثری به طور مستقیم و غیر مستقیم در این خط سیر کلی می تواند اثر گذار باشد. کارکرد این نوع نگرش این است که هر آدمی در مقطع تاریخی خود می تواند با زمان شناسی بر مبنای نگاه به استعدادها و ضعف ها در خود و قوت ها و ضعف ها در جبهه حق برای مراحل سه گانه زندگی خودش؛ یک طرحواره جمعی بنویسد؛^۱ طرح واره ای که در اولین گام آن، داشتن هدفی بسیار کلی و کلان برای زندگی فردی و در محدوده کلی تاریخ، ولی شناسی زمانو نیاز شناسی زمانمند ولی و جبهه حق، در مرحله زمانی زندگی سالک به دست خواهد آمد.

درست همانگونه که در هر مرحله از اطلس مهدویت در معرفی شخصیت های سفید می توان این واقعیت را مشاهده کرد.

۱. منیرالدین هاشمی در این زمینه چنین نظر دارد: ابتلاءات انسان از بدو خلقت بسته به رشد فکری جامعه انواع مختلفی داشت: ابتلاءات انسان از بدو خلقت و خلال زمان حضور انبیاء تا زمان بعثت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین: ابتلاءاتی حسی و معجزات حسی بود.

ابتلاءات انسان از بعثت خاتم الانبیاء ﷺ و خصوص ما بعد غیبت حضرت بقیه الله اعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف تا ظهور آن حضرت: ابتلاءاتی استدلالی عقلانی است و در حوزه فکر و اندیشه قرار دارد و ابتلاءات ما بعد ظهور حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف: ابتلاءاتی شهودی است. زیرا که در این دوران مرزهایی از عوالم غیب در عالم ملک شهود می شود و ما فعلاً در مرحله دوم از ابتلاءات انسانی قرار داریم که حوزه اندیشه و فکرات انسانی مورد هدف و هجوم افکار ضد و نقیض و مختلف است بطوری که شناخت حق از باطل نیاز به بصیرتی عمیق و صحیح می باشد.

اسلام‌شناسی

دوره پیشوایان

دوره رجعت

دوره ظهور

دوره غیبت کبری

دوره
غیبت صغری

دوران حضور

دوره پیامبران

« خداوند برای تاریخ و زندگی کلی انسان ها هدف کلان و نهایی دارد .

« آن هدف نهایی باید در بستر تاریخ و با تلاش تاریخی و تدریجی تک تک انسان ها محقق شود.

« زندگی هر انسان در هر دوران باید با ولی زمان همان دوران هماهنگ باشد.

« زندگی حداکثر صد ساله هر انسانی، جزئی از پازل تاریخ است .

« حضرت علی علیه السلام : رحم الله امرء علم من أين و فی أين و الی أين
خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده و در کجاست و به کجا می رود.

تربیت و زندگی منتظرانه : هماهنگی اهداف و طراحی زندگی های فردی با تنها
و بهترین و جامع ترین طرح کلی آسمانی



فصل اول

مهدویت از آموزه تا واقعیت

در سه قرن اول هجری قمری

درآمد

فهم چيستی مهدویت و چگونگی واقعیات تاریخی آن، وابسته به دانستن فرایندی است که در برزخ بین آموزه بودن و واقعیت بودن طی کرده است، زیرا مهدویت حقیقتی پیچیده است که یک سرش در آموزه‌های مفهومی و انتزاعی است و سوی دیگرش در واقعیت‌هایی است که بخشی حق و بخشی از آن باطل است.

اینکه گام اول اطلس مهدویت به جستجوی اولین مرحله از مهدویت می‌پردازد، نمی‌تواند خود را در نگاهی سطحی به دوران پنج سال زندگانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم و یا دوران شش ساله امام عسگری علیه السلام متوقف کند تا گزارش‌هایش از این دوران سطحی و شعاری شود، بلکه باید پیشینه آن از اولین آموزه‌ها تا فرایند تبدیل این آموزه‌ها به واقعیات حق و باطل و ترجمه‌گری‌های تاریخی حق و باطل دانسته شود، تا در نهایت عمق پیچیدگی‌های مسئله مهدویت در این پنج سال دانسته شود. (ناظر به این ضرورت است که در جدول گاه‌شماری پیش رو دانستن سال مرگ امام بخاری محدث بزرگ اهل سنت در این دوران تعریف پیدا می‌کند که ذکر شود یا نه؟)

اگر اطلس مهدویت تنها به گزاره‌های مستقیم شیعی به مهدویت در نگاهی سطحی بپردازد، در این صورت همانند بسیاری از گزارش‌های شیعی از زندگانی امام عسگری علیه السلام و یا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم، دیگر جای اشاره به مرگ بخاری باقی نمی‌ماند، ولی اگر نگاه تحلیلی تاریخی به مسئله مهدویت باشد، بخاری نماینده خیل عظیم محدثان عامه‌ای می‌شود که در بستریک و نیم قرن حدیث نگاری، تلاش کرده‌اند تا صورت مسئله مهدویت را از جهان اسلام پاک کنند و در آستانه میلاد مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الکریم با تمامی پیشگوئی‌هایش، اهل بیت علیهم السلام را در عجیب‌ترین غربت تاریخی قرار دهند؛ پس این فصل در گزارشی اجمالی و اطلس گونه به واقعیات‌گذار مهدویت از آموزه ناب به قرائت‌های گونه‌گون تاریخی تا آستانه میلاد موعود در دو گرایش سنی و سپس شیعی می‌پردازد.

۱-۱. نگاهی به مهدویت در فرهنگ حدیثی

۱-۱-۱. فرهنگ حدیثی اهل سنت

احادیث مهدویت در منابع اهل سنت حداقل از دوزاویه می‌تواند مطالعه شود؛ یکی از جهت راویان و محدثان این احادیث در میان بزرگان اهل سنت در سده‌های نخستین است و دیگری از جهت محتوای شناسی و گونه‌شناسی مفهومی احادیث است؛ فایده انجام این دو نوع مطالعه، یکی اثبات تواتر و حجیت اصل مهدویت حتی در فرهنگ حدیثی اسلامی و دیگری اثبات بسیاری از جزئیات مشترک بین شیعه و سنی در بحث مهدویت است؛ در ضمن از دیگر فوائد مفهوم شناسی احادیث مهدوی اهل سنت، امکان مطالعه و بررسی دامنه و دائره سوء استفاده از مهدویت در سال‌های بعد در جهان اسلام غیر شیعی است. چرا که انحرافات مهدوی جهان شیعی و جهان سنی، دارای تفاوت‌های ماهوی هستند و یکی از علل و ریشه‌های این تفاوت به تفاوت بُن‌مایه‌ها و مفاهیم مهدوی در دو دستگاه حدیثی و فکری باز می‌گردد.

پس در بحث اطلس حدیثی اهل سنت در موضوع مهدویت، به سه موضوع اشاره می‌شود:



۱-۱-۱-۱. طبقه‌شناسی محدثان:

منشأ احادیث مهدویت در فرهنگ حدیثی اهل سنت پیامبر اسلام ﷺ است که بیشترین احادیث را در دوران ده‌ساله اسلام مکی به تدریج برای صحابه بیان شده است؛ البته به قرائن و شواهد عمومی و تاریخی و با تکیه به برخی قرائن درون متنی^۱ این احادیث، بیشتر آنها در دو سه ساله پایانی از زندگانی پیامبر اسلام ﷺ صادر شده‌اند؛ نکته دیگر اینکه در میان احادیث مهدوی، در بخش مفاهیم آخرالزمانی و یا نشانه‌های ظهور، با اخباری از صحابه بدون بیان منبع و یا اخباری از اهل کتاب تازه مسلمان شده در صدر اسلام، همانند کعب الاحبار برخورد می‌کنیم که در این بین بدیهی است احادیث دست دوم شایستگی استناد ندارند؛ بدین جهت تلاش می‌شود تا سلسله سند احادیث مستند به پیامبر ﷺ و اکاوی شود؛

در این زمینه آنچه باید مورد توجه گیرد، تلاش برای اثبات فراوانی احادیث مهدوی و استناد داشتن و متواتر بودن این احادیث تا زمانه نگارش متون حدیثی اهل سنت است و برای همین در دو جدول زیر به گونه‌ای اجمالی فرایند احادیث مهدوی در فرهنگ عامه ابتدا از جهت وضعیت شناسی صدور در زمان پیامبر ﷺ و سپس براساس طبقه‌شناسی^۲ از آغاز زمان روایت‌گری تا زمان نگارش متون حدیثی اهل سنت بررسی می‌شود:

۱. به قرینه راوی که مثل ابوهیره از صحابه دوره پایانی است و یا به قرینه ذکر زمان و مکان و یا رویداد به صورت غیر مستقیم و دیگر قرائن.

۲. یکی از اصطلاحات رایج در علم رجال، اصطلاح طبقات است. طبقه در لغت یعنی گروه متشابه و مانند هم ولی در اصطلاح علم رجال یعنی گروهی از افراد در یک دانش خاص که از نظر سنی تقارب داشته و یا آنکه در یک فاصله زمانی می‌زیسته‌اند. با توجه به آنچه گفته شد تعریف طبقه را می‌توان این‌گونه بیان داشت: طبقه در اصطلاح حدیثی عبارت است از گروهی که در سن و مشایخ مشترک هستند؛ همانند طبقات ساختمان که بر روی یکدیگر قرار می‌گیرند. (تنقیح المقال، مامقانی، ج ۳، ص ۴۸). برای شناسایی طبقه راوی این موارد باید مشخص شود: این‌که او از چه کسی نقل حدیث کرده و چه کسی از او نقل حدیث نموده، او شاگرد چه کسی بوده و چه کسانی شاگرد وی بوده‌اند و اسم پدرش چه بوده است. تا در نهایت طبقه یک راوی مشخص شود.

نکته دیگر اینکه معیار تفکیک هر طبقه از طبقه پیشین، بر معیار عمر طبیعی فعالیت علمی یک محدث است. میانگین این عمر سی سال است. یعنی طول عمر هر طبقه تقریباً سی سال است و پس از هرسی سال شاهد نسل جدیدی از علمای بارز و فعال هستیم. (مقاله: فصلی در تاریخ نگاری اسلامی طبقات، منبع: ماهنامه تاریخ اسلام، شماره ۴، صفری فروشانی، نعمت الله، تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۹/۱)

مفهوم شناسی احادیث مهدوی در سلسله احادیث اهل سنت



۱. از نمونه احادیث مهدوی که در سال های کودکی حسنین از پیامبر در منابع اهل سنت صادر شده است این حدیث است: إحقاق الحق، الشوشتري ج ۲۹ ۱۴۱ منها حدیث عبد الله بن مسعود ص: ۱۲۴

عبد الله بن مسعود قال: أتينا رسول الله ﷺ فخرج إلينا مستبشرا يعرف السرور في وجهه، فما سألناه عن شيء إلا أخبرنا به، ولا سكتنا إلا ابتداءنا حتى مرت فتية من بني هاشم فيهم الحسن والحسين عليهما السلام، فلما راهم التزمهم وانهملت عيناه، فقلنا: يا رسول الله ما نزال نرى في وجهك شيئا نكرهه. فقال: إنا أهل بيت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا، وإنه سيلقى أهل بيتي من بعدي تطريدا وتشريدا في البلاد، حتى ترتفع رايات سود من المشرق، فيسألون الحق فلا يعطونه ثم يسألونه فلا يعطونه، فيقاتلون فينصرون، فمن أدركه منكم أو من أعقابكم فليأت امام أهل بيتي ولو حبوا على الثلج، فإنها رايات هدى يدفعونها إلى رجل يواطئ اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي فيملك الأرض فيملأها قسطا وعدلا كما ملئت جورا وظلما.

وقال في ص ۳۰:

وخرج ابن عساکر، عن ابن مسعود أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: المهدي يواطئ اسمه اسمي، واسم أبيه اسم أبي.

وخرج أبو نعیم في «أخبار المهدي» عن ابن مسعود قال: قال رسول الله صلى الله

ادوار و طبقه‌شناسی محدثان مهدوی اهل سنت

از صحابه تا زمان مؤلفین و مصنفین حدیث^۱

طبقه ^۲	طبقه‌شناسی محدثان عامه تا زمانه مصنفان حدیث به همراه آمار احادیث مهدوی هر یک	جمع افراد و احادیث
اول (صحابه) نیمه اول قرن اول	ابو هریره (۳۱) انس بن مالک (۲) ثوبان هاشمی (۵) جابر بن سمرة بن جناده سوائی (۱۴) جابر بن عبد الله انصاری (۱۸) جابر بن ماجد صدقی (۳) حجاج بن عمرو بن غزیه (۲) حذیفه بن الیمان (۲) حسن بن علی بن ابی طالب (۱) حفصه (۲) ابویوب انصاری خالد بن زید بن کلیب (۱) ام حبیبه (۱) ابو سعید خدری سعد بن مالک (۶۰) ابوامامه باهلی صدی بن عجلان (۱) صفیه، ام المؤمنین (۵) طلحة بن عبید الله تیمی (۱) ابوالطفیل عامر بن واثله (۴) عایشه، (۳) عبد الرحمن بن عوف (۱) عبد الله بن حارث بن جزء زبیدی (۲) عبد الله بن عباس بن عبد المطلب هاشمی (۱) عبد الله بن عمرو بن خطاب عدوی (۲) عبد الله بن عمرو بن عاص (۳) عبد الله بن مسعود (۵۷) عثمان بن ابی العاص ثقفی (۲) امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (۲۱) علی هلالی (۱) عمران بن حصین (۱) عوف بن مالک اشجعی (۱) قرة بن ایاس (۴) ماجد صدقی (۳) وهب بن عبد الله سوائی - ابو جحیفه (۱) هند ام سلمه، ام المؤمنین (۲۱)	۳۳ نفر و ۲۷۷ حدیث
دوم (تابعین) میانۀ قرن اول	اسود بن یزید بن قیس نخعی (۱) جابر صدقی - قیس بن جابر صدقی (۱) جبیر بن نفیر حضرمی حمصی (۱) ربعی بن حراش (۱) زر بن حبیش (۵۱) سعید بن مسیب ابن مسیب (۸) ابو وائل شقیق بن سلمه (۲) عبد الحمید بن واصل - ابو واصل باهلی (۱) عبد الله بن حارث بن نوفل - صاحب صالح ابو الخلیل (۷) عبد الله بن زبیر غافقی (۳) عبیده بن عمرو سلمانی (۲) عروة بن زبیر بن عوام (۱) علقمة بن قیس نخعی (۵) علی بن علی هلالی (۱) قبیصة بن ذویب خزاعی (۴) جابر بن ماجد صدقی (۳) کثیر بن مره حضرمی (۲) محمد بن حنفیه (۲۰) مطرف بن عبد الله شخیر (۱)	۲۰ نفر و ۱۱۴ حدیث
سوم (تابعی تابعین) پایان قرن اول	بکر بن عمرو = ابوالصدیق ناجی (۳۲) سعید بن سمعان (۸) عامر بن شراحیل = شعبی (۷) عبد الله بن زید = ابوقلابه رقاشی (۵) عمرو بن مرثد = ابواسماء رحبی (۴) مجاهد بن جبر (۴) علی بن الحسین زین العابدین (۲) معاویه بن قره بن ایاس (۵) منذر بن مالک = ابونضره (۲۷) نافع مولی ابی قتاده = نافع بن عباس (۸)	۳۵ نفر و ۱۶۰ حدیث

۱. این جدول در حقیقت چکیده سازی ای است از کتاب: طبقات روایان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت، عبدالکریم عبداللہی، ۳۲ و ۵۷۰.
۲. اگر هر طبقه را میانگین ۳۰ سال حساب کنیم، ۱۰ طبقه تا پایان سال ۳۰۰ هـ - ق را شامل می شود.



چهارم آغاز قرن دوم	سعيد بن يزيد بن مسلمة ازدی (۵) سماک بن حرب (۴) علی بن زید بن جدعان (۵) عماره بن جوین = ابوهارون (۴) ابوزرعه عمرو بن جابر حضرمی (۴) عمرو بن دینار مکی (۵) قتاده بن دعامة = ابوالخطاب (۲۱) امام محمد بن علی بن الحسین (علیه السلام) = ابوجعفر الباقر (۲) محمد بن مسلم بن تدرس = ابوالزبیر (۶) محمد بن مسلم بن عبیدالله = ابن شهاب = زهري (۲۷)	۲۷ نفر ۸۷ حدیث
پنجم میانه قرن دوم	ابراهیم بن محمد حنفیه = ابراهیم بن محمد بن علی بن ابی طالب (۲۰) ابراهیم نخعی = ابراهیم بن یزید بن قیس (۶) داود بن ابی هند (۱۳) زید ابوالحواری (۱۰) سعید بن ایاس = جریری (۶) سلیمان بن مهران = اعمش (۶) فطربن خلیفه (۱۰) قاسم بن ابی بزه (۶) یزید بن ابی زیاد هاشمی (۵)	۲۲ نفر ۹۰ حدیث
ششم پایان قرن دوم	جریر بن عبدالحمید بن قرط (۳) امام جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) (۱) زیاد بن بیان رقی (۸) صالح بن ابی مریم ضبعی = ابوالخلیل (۸) عاصم بن بهدله = ابن ابی النجود (۶۴) عبدالملک بن عبدالعزیز = ابن جریح (۵) علاء بن بشیر مزنی (۳) علی بن نفیل (۸) عماره بن ابی حفصه (۵) عمرو بن قیس ملائی (۳) عوف بن جمیله = اعرابی (۶) عیاش بن عباس قتبانی (۳) مطربن طهمان وراق (۷)	۲۹ نفر ۱۲۷ حدیث
هفتم آغاز قرن سوم	اسماعیل بن رافع بن عویمرائصاری (۴) رشدین بن سعد مهری، ابوالحجاج (۹) زائده بن قدامه ثقفی (۶) سفیان ثوری (۱۵) شعبه بن حجاج (۴) عبدالرحمن بن عمرو = اوزاعی (۴) عبدالله بن لهیعه = ابن لهیعه (۱۰) عمران بن داود = عمران قطان = ابوالعوام قطان (۷) محمد بن ابراهیم ابوشهاب کنانی (۳) محمد بن عبدالرحمن بن مغیره = ابن ابی ذئب (۱۰) معلبین زیاد قردوسی (۳) معمر بن راشد بصری (۱۰) هشام بن ابی عبدالله دستوائی (۵) یاسین عجلی = یاسین بن شیبان = یاسین بن سیاریا ابن سنان (۹) یونس بن یزید ایلی (۶)	۵۷ نفر ۱۵۰ حدیث
هشتم میانه قرن سوم	اسماعیل بن ابراهیم بن مقسم اسدی = ابن علی (۵) اسماعیل بن عیاش حمصی (۳) حارث بن نبهان جرمی (۴) حسن بن عمر، ابوالملیح الرقی (۸) حماد بن سلمه بن دینار بصری (۸) عبدالوارث بن سعید (۵) عبدالوهاب بن عبدالمجید ثقفی (۳) عمر بن عبید طنافسی (۵) محبر بن قحذم (۴) محمد بن ابراهیم بن ... عباس بن عبد المطلب (۱) محمد بن مروان بن قدامه عقیلی (۷) ولید بن مسلم دمشقی (۱۵) یوسف بن حوشب شیبانی (۴)	۵۰ نفر ۱۲۲ حدیث
نهم پایان قرن سوم	اسحاق بن سلیمان رازی (۳) حجاج بن محمد مصیصی (۶) داود بن محبر (۴) زید بن حباب اکللی (۳) عبدالرزاق صنعانی (۱۰) عبدالصمد بن عبدالوارث بن سعید (۱۲) عبدالله بن نمیر همدانی = ابن نمیر (۳) عبدالله بن وهب مصری (۵) عبیدالله بن موسی عبسی (۳) عمر بن سعد، ابوداود الحفزی (۳) فضل بن دکین، ابونعیم (۱۵) محمد بن جعفر هذلی بصری (۳) محمد بن خازم، ابومعاویه ضریر (۶) مسلم بن حجاج نیشابوری (۱۲) هاشم بن قاسم بن مسلم لیثی، ابوالنضر (۴) یحیی بن سعید بن فروخ = یحیی قطان (۵) یزید بن هارون بن زاذان (۳)	۸۰ نفر ۱۷۵ حدیث
دهم آغاز قرن چهارم	احمد بن ابراهیم دورقی (۳) احمد بن حنبل شیبانی مروزی (۵۲) احمد بن علیمثنی = ابویعلی موصلی (۱۳) زهیر بن حرب، ابوخثیمه نسائی (۱۱) سوید بن سعید هروی (۴) عبدالله بن عمر مشکدانه (۳) عبدالله بن محمد بن ابراهیم، ابوبکر بن ابی شیبه (۱۲) عثمان بن محمد بن ابراهیم = عثمان بن ابی شیبه (۵) عفان بن مسلم (۴) علی بن سعید رازی (۶) علی بن عمرو بن فلاس (۳) قتیبه بن سعید بغلانی (۴) محمد بن بشار بن دار (۳) محمد بن مثنی، ابوموسی (۳) مسدد بن مسرهد بصری (۶) نصر بن علی جهضمی (۵) نعیم بن حماد مروزی (۳۴)	۹۷ نفر ۲۵۰ حدیث

۷۰ نفر	حسین بن اسحاق تستری (۶) سلیمان بن اشعث، ابوداود سجستانی (۱۴) محمد بن اسحاق صغانی یا صاغانی (۳) محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره = بخاری (۴) ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم (۵) یعقوب بن اسحاق، ابوعوانه اسفراینی (۶) یوسف بن سعید بن مسلم (۲) معاذ بن مثنی (۲) موسی بن هارون (۲) محمد بن یحیی ازدی (۲) محمد بن مخلد عطار (۲) محمد بن اسماعیل صائغ (۲) علی بن حمشاذ نیشابوری (۲) عمرو بن یزید جرمی بصری (۲) ربیع بن سلیمان مرادی (۲)	یازدهم
۳۵ نفر	سلیمان بن احمد، ابوالقاسم طبرانی (۵۳) عبدالله بن احمد بن محمد حنبل (۴۵) عبدالله بن عدی = ابن عدی = ابن قطان (۱۱) محمد بن حبان = ابن حبان = بستی (۱۳) محمد بن عیسی بن سوره = ابوعیسی ترمذی (۵) محمد بن یزید = ابن ماجه قزوینی (۷) اسحاق بن ابراهیم بن یونس بن منجینی (۲)	دوازدهم
۱۷ نفر	احمد بن عبدالله بن احمد، ابونعیم اصفهانی (۱۶) محمد بن عبدالله، حاکم نیشابوری، ابوعبدالله بن البیع (۲۳) احمد بن حسین بن علی - بیهقی (۵) احمد بن علی = خطیب بغدادی (۶) علی بن حسن بن هبه الله = ابن عساکر (۲) ابوطالب حسین بن محمد بن علی زینی (۱)	سیزدهم و پس از آن

در پایان این بخش برای نشان دادن امکان انتقال احادیث مهدویت از زمان پیامبر به دوران پیدایش کاتبان حدیث^۱، فهرست صحابی محدث مهدوی همراه تاریخ وفاتشان در سه دهه پایانی قرن اول ارائه می شود تا دانسته گردد که معمرین از صحابه می توانسته اند احادیث مهدوی را تا زمان پایان ممنوعیت کتابت و به صورت مستقیم به نسل سوم (تابعی تابعین) رسانده باشند:

عبدالله بن عمر (م ۶۵ هـ) ۲۸. عبدالله بن عمرو عاص (م ۶۵ هـ) ۲۹. عبدالله بن عباس (م ۶۸ هـ) ۳۰. زید بن أرقم (م ۷۴ هـ) ۳۱. عوف بن مالک (م ۷۳ هـ) ۳۲. ابوسعید خدری (م ۷۴ هـ) ۳۳. جابر بن سمره (م ۷۴ هـ) ۳۴. جابر بن عبدالله انصاری (م ۷۸ هـ) ۳۵. عبدالله بن جعفر طیار (م ۸۰ هـ) ۳۶. ابوامامه باهلی (م ۸۱ هـ) ۳۷. بشر بن منذر بن جارود (م ۸۳ هـ) ۳۸. عبدالله بن حارث (م ۸۶ هـ) ۳۹. سهل به سعد ساعدی (م ۹۱ هـ) ۴۰. انس ابن مالک (م ۹۳ هـ) ۴۱. ابوالطفیل (م ۱۰۰ هـ)

پس از آشنایی با محدثان و طبقه رجالی آنان، سیرگاه شماری کتاب های حدیثی اهل سنت اعم از اختصاصی در موضوع مهدویت و یا عمومی که در یک یا چند فصل خود به احادیث مهدویت پرداخته اند چنین است:^۲

۱. دوران کتابت حدیث از سال ۹۱ ق با دستور عمر بن عبدالعزیز به مالک بن انس برای کتابت احادیث پیامبر آغاز می گردد.
۲. یاد آوری: اولین کتاب حدیثی اهل سنت «الموطأ» نوشته مالک بن انس (متوفی ۱۷۹) است که نگارش آن را از سال ۱۳۲ ق به دستور منصور عباسی شروع کرد، ولی چون این کتاب رویکردی فقهی داشت در آن از مباحث تاریخی-کلامی کمتری مطلبی وارد شد و بدین جهت نشانی از مهدویت در آن نیست.

مصنفان اهل حدیث عامه در سه قرن نخست

المصنف فی الاحادیث والآثار

کتاب در فصل ۳۷، بخشی را با عنوان «الفتن» قرار داده است. و از حدیث ۳۷۶۳۷ تا حدیث ۳۷۶۵۳، شامل ۱۶ حدیث در موضوع مهدویت است که به نام حضرت مهدی علیه السلام، ویژگی‌های نسبی و اخلاقی مهدی علیه السلام، مدت حکومت و عمر آن حضرت، شرایط پیش از ظهور، نشانه‌های ظهور و ویژگی‌های دوران ظهور ایشان اشاره دارد.

المصنف عمومی

فصلی با عنوان «باب المهدی» که در آن بیش از ده حدیث از شماره ۲۰۷۶۹ تا شماره ۲۰۷۷۹ دارد. پس از آن باب، بابی با عنوان «اشراف الساعة» به برخی موضوعات دیگر اشاره کرده است.

احمد بن حنبل ابوعبدالله الشیبانی متوفای ۲۴۱ ق

حافظ عبدالله بن محمد بن ابی شیبه الکوفی متوفای ۲۲۵ ق

نعیم بن حماد مروری متوفای ۲۲۹ ق

ابوبکر بن عبدالرزاق بن همام صنعانی متوفای ۲۱۱ ق

محمد بن راشد ازدی متوفای ۱۵۱ ق

المسند

در این کتاب ۱۳۶ حدیث مرتبط با موضوع مهدویت است که در مجموعه‌ای با نام احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل به چاپ رسیده است؛ این احادیث در موضوعاتی چند تنظیم شده است: ۳۵ حدیث با عنوان «الخلفاء الاثنا عشر»؛ ۳۵ حدیث در بیان «علامات الظهور»؛ ۲۶ حدیث با عنوان «ظهور المهدی»؛ شش حدیث با عنوان «المهدی من عتره رسول الله»؛ چهار حدیث با عنوان «یواطیء اسمه اسم رسول الله»؛ چهارده حدیث با عنوان «نزول عیسی و الامام هو المهدی» و چهل حدیث هم با عنوان «لا تزال طائفة یقاتلون علی الحق الی ان یاتی امر الله».

در میان کتاب‌های نخستین حدیثی، مسند احمد بیشترین حدیث را در این موضوع ذکر کرده است

الفتن

الفتن در ۱۰ باب مرتبط با مهدویت مشتمل بر ۲۴۴ حدیث است. این کتاب مهم‌ترین کتاب جامع احادیث فتنه‌های آخرالزمانی و نشانه‌های پایان و بعضاً مهدویت در حدیث اهل سنت تا پیش از تولد امام مهدی، این کتاب است.

کتاب الجامع

در آخر المصنف صنعانی، چاپ شده است که شامل ۱۶۱۱ حدیث، در ۲۸۳ باب است. باب ۲۴۱ آن به احادیث حضرت مهدی علیه السلام اختصاص دارد، در این باب ۱۱ حدیث وجود دارد.

۱. یادآوری: رویکرد احادیث مهدویت در حدیث شیعه به مهدی شناسی و ظهور و رجعت و پایان تاریخ روشن و امید بخش است. ولی در حدیث سنی به علت غلبه نگرش سلفی گری و صحابه پرستی، نگرش به آخرالزمان با رویکرد ملاحم و فتن است. بدین جهت بیشتر کتاب‌ها و یا ابواب حدیثی مهدوی، به جای مهدویت از عنوان ملاحم و فتن و اشراف الساعة و عناوین مشابه استفاده می‌کنند. (مهدیان دروغین، رسول جعفریان، پاورقی، ص ۲۵)
۲. از پیشوایان چهار گانه اهل سنت (حنابله)



سنن ابن ماجه

در کتاب الفتن سنن خود بخشی را به بیان احادیث مهدی با عنوان «باب خروج المهدی» اختصاص داده است. نسب حضرت مهدی علیه السلام، شرایط قبل از ظهور، زمینه سازان ظهور، یاران وی، مدت حکومت او و بالاخره ویژگی های اقتصادی و اجتماعی حکومت مهدی علیه السلام، از جمله موضوعات این روایات است. نکته چشم گیر اینکه در شش حدیث از مجموع هفت حدیث، به نام امام مهدی علیه السلام تصریح شده است.

الجامع الصحيح

از صحاح شش گانه اهل سنت است که در فصل «ما جاء فی المهدی»، سه حدیث به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است.

محمّد بن عیسیٰ رمّی سلمی
متوفای ۲۷۹ ق

سلیمان بن الأشعث ابو داود
السجستانی متوفای ۲۷۵ ق

محمّد بن یزید ابو عبدالله
القزوینی متوفای ۲۷۵ ق

محمد بن اسماعیل بخاری م ۲۵۶ ق
مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری
م ۲۶۱ ق

سنن ابن داود

بخشی را با عنوان «کتاب المهدی» به صورت مستقل ذکر کرده که با حدیث ۴۲۷۹ آغاز می شود و شامل موضوعات: حضرت مهدی از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله، ویژگی ها ی نسبی و جسمی ایشان، شرایط قبل از ظهور، حتمی بودن ظهور، اوضاع اجتماعی و اقتصادی عصر ظهور و جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام، است.

صحیح بخاری و مسلم

متأسفانه مولفان صحیح بخاری و صحیح مسلم با اینکه در آستانه میلاد آن حضرت بوده و به حجاز و عراق هم سفر داشته اند، ضمن انحراف از اهل بیت و امامان، با موضع گیری در موضوع مهدویت سعی در خود سانسوری احادیث مهدویت داشته اند، ولی در خصوص موضوعات مرتبطی همانند دجال احادیثی آورده اند که غیر مستقیم به مهدویت می پردازد؛ البته در این بیان، خود سانسوری بخاری بیشتر است. یکی از آن موضوعات نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان و اقتدای ایشان در نماز به امیر مسلمانان است «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَيَكُمُ وَ أَمَّاكُمْ مِنْكُمْ»^۱

۱. صحیح البخاری، کتاب البدء والخلق، باب نزول عیسی بن مریم علیهما السلام، ج ۴، ص ۱۴۴، دارالفکر، صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب نزول عیسی ابن مریم خاکماً بشریعة نبینا محمد - صلی الله علیه وسلم، ج ۱، ص ۹۴، ح ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۱۰، ۴۰۹، دارالجیل.

جغرافیای صدور روایات مهدوی از پیامبر اکرم



جغرافیای حضور محدثین اهل سنت:

محدثین اهل سنت در قرن دوم و سوم از جهت جغرافیایی چنین ویژگی‌هایی داشتند:

- مدارس علمی آنان در محدوده حجاز (شهرهای مکه و مدینه)، عراق (با محوریت سه شهر بغداد، کوفه و بصره)، شام (شهرهای دمشق و بیت المقدس) و حتی مصر بود و در خراسان هم شهر نیشابور مرکز علمی بود و مرو و بخارا و سمرقند هم در مراتب بعدی بودند، البته برای کسانی که خراسانی بوده و یا در خراسان سکونت داشتند.

- محدثان اهل سنت در آغاز بیشتر از جغرافیای کشورهای عربی بودند، مانند: صنعانی که از صنعای یمن و ابن ابی شیبہ که از کوفه بود، ولی نسل بعدی بیشتر از جغرافیای ایران و بویژه خراسان بودند، مانند: ابن ماجه قزوینی، ترمذی، بخاری، مسلم نیشابوری و ابن حماد مروزی؛

- همه این محدثین برای حدیث‌آموزی به حجاز و عراق سفر می‌کردند؛ یعنی در مسیر حدیث‌آموزی خود هم می‌توانسته‌اند امامان شیعه را در مدینه دیدار کرده باشند و هم در کوفه

اطاعت

و بغداد و مدینه شاگردان نیز آنان را دیده باشند. بویژه در سفرها و اقامت‌های طولانی‌ای که بخاری به مدینه داشته است، ولی متأسفانه نگاه متعصبانه و ضدولایتی بیشتر آنان بویژه بخاری و مسلم باعث فاصله‌گیری شدید آنان از امامان شیعه و محدثین شیعه می‌گردد و فاصله‌گیری مغرضانه آنان به حذف احادیث مهدوی صحیح روایت شده از رجال اهل سنت هم می‌شود.



۱-۱-۲. گونه شناسی احادیث مهدوی اهل سنت:

از جهت گونه شناسی در منابع حدیث اهل سنت شاهد تنوع مباحث مهدوی هستیم؛ البته این تنوع به اندازه و گستره معارف مهدوی در حدیث شیعه نیست؛ این امر می‌تواند به چند دلیل باشد:

- محدود بودن فرصت پیامبر اسلام ﷺ برای بیان احادیث
 - دستور خلفای سه گانه و پس از آن امویان تا سال ۹۰ ق برای منع کتابت و روایت احادیث؛
 - خود سانسوری صحابه وابسته به جریان خلافت در بیان احادیث مهدوی و اصرار داشتن بر بیان نکردن احادیثی که به نفع امامان و مکتب شیعه تمام شود؛
 - خود سانسوری حدیث نگاران اهل سنت بویژه کسانی مثل بخاری، صاحب صحیح بخاری تا بدان حد که در صحیح او هیچ حدیث مستقیم و صریحی در موضوع مهدویت وجود ندارد، با اینکه در موضوع مهدویت احادیث صحیح السند و متواتر فراوان است.
- گزارشی از گونه شناسی مفهومی احادیث مهدوی اهل سنت و آمار احادیث هر بخش چنین است:^۱

۱. طبقات روایان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت، عبدالکریم عبداللہی، ص ۵۶۷.



گونه شناسی احادیث اهل سنت در موضوع مهدویت

تعداد حدیث	موضوع حدیث	
۱۰۳	مهدی موعود علیه السلام از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است.	۱
۹	مهدی علیه السلام از تبار فاطمه زهراء علیها السلام است.	۲
۱	مهدی علیه السلام از تبار علی بن ابی طالب علیه السلام است.	۳
۵۲	مهدی علیه السلام همانام پیامبر صلی الله علیه و آله است.	۴
۲	مهدی علیه السلام دارای خلق و خوی پیامبر صلی الله علیه و آله است.	۵
۲	مهدی علیه السلام از سروران بهشت است.	۶
۲	مهدی علیه السلام یکی از خلفای دوازده گانه پیامبر صلی الله علیه و آله است.	۷
۳۰	ظهور مهدی موعود علیه السلام ، قطعی است.	۸
۲۷	نوید حکومت مهدی علیه السلام .	۹
۱۰	نوید اصلاح يك شبهه .	۱۰
۳۴	فراگیری عدل جهانی همچون فراگیری ظلم جهانی.	۱۱
۱۳	فراگیری عدل جهانی پس از فراگیری ظلم جهانی.	۱۲
۶	خروج پرچم های سیاه از خراسان و نصب آن در بیت المقدس.	۱۳
۱۱	خروج پرچم های سیاه از خراسان	۱۴
۱۱	لزوم یاری کردن برای استقرار دولت آل محمد صلی الله علیه و آله .	۱۵
۲	نشانه های پیش از ظهور.	۱۶
۲۲	خروج سفیانی و خسف در بیداء مدینه.	۱۷



گونه شناسی احادیث اهل سنت در موضوع مهدویت

موضوع حدیث	تعداد حدیث
ندای آسمانی در معرفی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و لزوم پیروی از او.	۳
شمار یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف : (از مردان و زنان).	۱
شمار بیعت کنندگان نخستین با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که برابر با اصحاب بدر است	۵
مسجد الحرام، محل بیعت مردم با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	۲۱
فرود آمدن عیسی بن مریم علیه السلام و نماز خواندن آن حضرت پشت سر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	۱۷
مهدی موعود، احیاگر سنت پیامبر و شریعت اسلام.	۹
بخشش خلیفه آخر الزمان به مردم.	۳۱
فراوانی انواع نعمتهای آسمانی و زمینی و زندگی نمونه در زمان ظهور.	۱۵
وفور نعمت بی مانند در زمان ظهور.	۴
روزگار خشنودی و بی نیازی در عصر ظهور.	۹
روزگار الفت و مهربانی و رهایی از شرک و گمراهی در عصر حضور مردم	۳
روزگار عظمت امت اسلامی در دوران ظهور.	۱
استقرار اسلام در سطح جهان در دوران ظهور.	۹
سکونت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بیت المقدس.	۱
اینکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خوابیده‌ای را بیدار نمی‌کند و خونی نمی‌ریزد.	۱
مقام والای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	۱
مدت حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	۳۷

همانگونه که مشاهده می‌شود این احادیث به سه موضوع «تبار» و «نشانه‌های ظهور» و «قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف» اشاره دارند؛ پس هم از جهت آماری و هم از جهت مفهومی نوعی از خود سانسوری به دیده می‌شود، چرا که در بحث تبار به ذکر کلیات اشاره شده و تبار تفصیلی ایشان از حضرت فاطمه عیال و امام علی عیال بدین سودر هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود. در بحث انتظار و غیبت بین رحلت پیامبر ﷺ تا زمان قیام، سکوت مطلق حدیثی و خبری وجود دارد. در شخصیت شناسی حضرت مهدی عیال به صورت کلی و یا در زمان ظهور تلاش شده تا مبادا بزرگنمایی آشکاری از شخصیت ایشان فراتر از صحابه یا حضرت عیسی عیال صورت نگیرد؛^۱ بدین جهت در این احادیث به جای پرداختن به شخصیت و شخص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، بیشتر به موضوعات پیرامونی همانند: فتنه‌های آخرالزمان، دجال، نشانه‌های ظهور، شورش سفیانی، نزول حضرت عیسی و توجه شده است.

۱-۱-۳. مدل شناسی آسیب‌های مهدوی در جامعه اهل سنت (با تمرکز بر دوره صدر اسلام):

در مکتب شیعه به علت تمرکز گسترده بر شخص و شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ادعای مهدویت به شدت کمرنگ بوده و در برابر آن ادعای نیابت و وکالت از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نمود بیشتری دارد؛ ولی در مکتب فکری عامه به علت مشخص نبودن شخص و شخصیت مهدی، مدعیان و سوء استفاده کنندگان از این عنوان بر ادعای مهدویت تمرکز کرده اند. این وضعیت حتی در جریان‌هایی که از تشیع هم ریزش کرده اند، به چشم می‌خورد؛ جریان‌هایی همانند کیسانیه و یا واقفیه، پس از انشعاب برای اثبات حقانیت خود بدون درنگ به سراغ روایات مهدویت رفته و برای خود شخصی از گذشته یا موجود در زمان حال یا موهوم را مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف اعلان کرده و برای حقانیت خود بدان تمسک می‌کردند. پس در تاریخ تسنن به طور کلی و در تاریخ فرق انحرافی تشیع تا پیش از تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف (که شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف همچنان دارای نوعی ابهام بود)، انحراف‌ها و تحریف‌هایی دیده می‌شود که در حوزه مهدویت و در قالب ادعای مهدی بودن و مصادره کامل مهدویت بوده است.

گونه ای دیگر از ادعاهای انحرافی در مکتب اهل سنت، مصادره تمامی نشانه‌ها و شخصیت‌های روایات ملاحم و فتن است، بدین معنا که چون در روایات نشانه شناسی اهل سنت درباره شخص خراسانی و یا نهضت یمانی روایتی نیست، ولی درباره پرچم‌های مشرق و خراسان و جریان سفیانی روایت هست، از این دو مورد هم سوء استفاده متعددی شده است. بویژه که در روایات اهل سنت، سفیانی (همانند نظریه عدالت صحابه برای همه صحابه) چندان شخصیت تاریکی نیست، پس امکان منجی و یا زمینه ساز منجی با عنوان سفیانی وجود دارد.

گزارشی از مدعیان انحرافی مهدویت از صدر اسلام تا آستانه تولد آن حضرت که بیشتر بر روایات اهل سنت تکیه دارد، از این قرار است:^۲

۱. اگر چه در: (الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۳) و (الفتن و الملاحم نعیم بن حماد، ص ۲۰۰) و (المصنف ابن ابی شیبہ، ج ۸، ص ۶۷۹) و (الکامل ابن عدی، ج ۶، ص ۴۴۰) روایتی از ابوهریره از پیامبر اسلام نقل شده که مهدی حتی از عمرو ابوبکر و حتی از برخی از پیامبران افضل است. (طبقات روایان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت، ص ۴۳۴)
۲. مهدیان دروغین، جعفریان، ص ۵۱ به بعد.



مدعیان انحراف مهدویت

از صدر اسلام تا آستانه تولد آن حضرت

عبدالرحمان بن اشعث

او چون از یمنی‌های قحطانی بود، به هنگام قیامش چنین تبلیغ می‌شد که قحطانی یکی از نشانه‌های ظهور است.

حارث بن سریج

او در ماوراء النهر و خراسان بر ضدّ ظلم‌های فزاینده مروانیان قیام کرد و اولین کسی بود که شعار پرچم‌های سیاه خراسانی را برای قیامش صادر کرد.

عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر

در اواخر خلافت مروانی (۱۲۷ ق) قیام کرد و در سال ۱۲۸ کشته شد

او در قیامش قصد نابودی مروانیان را داشت، ولی شکست خورد و به ابومسلم خراسانی دعوتگر عباسیان در خراسان پناهنده شد، ولی به دست ابومسلم که او را رقیب جدی عباسیان می‌دید کشته شد و قیامش به نفع عباسیان صادره شد؛ او خود ادعای مهدویت نداشت، ولی پس از مرگش برخی یارانش مدعی مهدویت و غیبت او شدند.

نفس زکیه محمد بن عبدالله بن حسن

در سال ۱۴۵ ق قیام کرد و به شهادت رسید.

پدرش در اواخر خلافت امویان تلاش می‌کرد او را به عنوان مهدی امت معرفی کرده و بهترین نامزد برای خلافت جدید معرفی کند؛ بدینگونه او اولین علوی بود که به صورت رسمی و به صورت گسترده؛ در جامعه اهل سنت مدعی مهدویت شد، ولی عباسیان نقشه‌های آنان را خنثی کردند. به قدرت رسیدن عباسیان و آغاز ظلم‌های آنان همانند مروانیان، سرانجام باعث قیام نفس زکیه با همراهی گسترده مردم و علمای اهل سنت عراق و حجاز، همانند مالک بن انس شد، ولی منصور با کمک لشکر خراسانی خود آنان را به شدت سرکوب کرد.

محمد حنفیه و فرقه کیسانیه

حدفاصل قیام مختار (۶۷ ق) تا رحلت محمد حنفیه (۸۱ ق)

ادعای مهدی بودن محمد حنفیه در زمان مختار پدیدار شد، اگرچه او خود ادعایی مستقیم نداشت، ولی پس از رحلتش برخی یارانش به غیبت و رجعت او معتقد شدند.

عمر بن عبدالعزیز

۱۰۱ تا ۹۹ هجری قمری

تنها خلیفه مروانی که سعی کرد در جامعه به نیکی خلافت کند، پس عده‌ای از محدثان و علمای درباری اهل سنت در تمجید او، از احادیث مهدویت استفاده می‌کردند.

تبلیغات بنی عباس در خراسان

۱۲۰ تا ۱۳۲ ق

بنی عباس در طول دوران دعوت و سپس علنی سازی قیام خود، با مصادره قیام‌های زید و عبدالله بن معاویه و حارث بن سریج؛ به سوء استفاده از دو دسته روایات پرچم‌های سیاه از مشرق و خراسان و روایات پیش گویانه سقوط امویان پرداخته و به جعل روایات درباره نجات بخشی بنی عباس پرداختند

ابو مسلم خراسانی

او با کشتارهای فراوان، پایه گذار خلافت عباسی بود، ولی توسط منصور عباسی کشته شد؛ پس از مرگش برخی از طرفداران ایرانی او، با استفاده از برخی روایات مهدویت مدعی رجعت او و یا مهدویت نواده‌های دختری او شدند و این ادعا در فتنه بابک خرم دین در قرن سوم به اوج خود رسید.

مهدی عباسی سومین خلیفه بنی عباس

او فرزند منصور دومین خلیفه عباسی بود. منصور نام فرزندش را محمد و لقبش را مهدی گذاشت و خود بر مردم سخت گرفت و به پسرش توصیه کرد که در آغاز خلافت بر مردم گشایش دهد تا زمینه برای باور پذیری مهدویت او فراهم شود. در زمان خلافتش هم برخی درباریان برای مهدی بودن او تبلیغ می‌کردند.

علی بن عبدالله ابوالمعیطر سفیانی

او از تبار یزید بن معاویه بود و در اوج درگیری امین و مأمون عباسی و اوضاع آشفته خراسان و عراق و غلبه تدریجی خراسانی‌ها بر بغداد، با شعار سفیانی بودن در دمشق قیام کرد و چون مصادف با قیامش محمد بن جعفر صادق ع علوی در مکه و مدینه قیام کرد، گمان به سفیانی بودنش قوت گرفت، تبلیغ سفیانی بودن برای او با هدف گردآوری شامیان و احیای خلافت اموی صورت گرفت.

۶۷

۸۳

۹۹

۱۱۶

۱۲۰

۱۲۷

۱۳۰

۱۴۵

۱۵۸

۱۹۵

۱. بازتاب این برنامه فرهنگی حدیثی، پیدایش بخشی از روایات نشانه‌های ظهور با عنوان ابن عباس است که به احتمال قوی برآمده از تحولات این دوران باشد. (مهدیان دورغین، جعفریان، ص ۵۹).
۲. منشأ این اقدام وجود احادیث زیادی بود که به این مطلب اشاره داشتند که ظهور مهدی بعد از پیروزی سپاهیان خراسان، صاحبان پرچم‌های سیاه است؛ شکی نیست که حداقل بخشی از این احادیث را عباسیان (در آستانه قیامشان) جعل کرده‌اند. پس از پیروزی آنان، عصرایی العباس سفاح اولین خلیفه

نکته جالبی که از این گزارش می‌توان استخراج نمود، فزونی مدعیان در فاصله سال‌های ۱۰۰ تا ۱۵۰ ق است، یعنی در آستانه نابودی امویان تا سال‌های آغازین خلافت عباسی، که نشان گرزونی بسترهای ادعا در زمانه آشوب و بحران و یا تحولات فراگیر اجتماعی و تمدنی است؛ در این میان نکته جالب توجه تصرف و تحریف در روایات مهدوی به دست برخی از گروه‌ها در بستر همین مقطع زمانی است که در این جدول به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.^۱



عباسی کوتاه بود و چنین ادعایی برایش فراهم نشد، هم چنان که مردم در مورد منصور دومین خلیفه عباسی که دوره‌اش با قیام‌های متعدد زیدیه با شعار مهدویت همراه بود، و سیاست‌های خشنی را دنبال می‌کرد، چنین نمی‌اندیشیدند و او را مهدی منتظر نمی‌پنداشتند، بلکه برعکس، جماعت زیادی به محمد نفس زکیه از علویان که اندیشه‌ای زیدی داشت یعنی معتقد به قیام با شمشیر بود و مدعی مهدویت، پیوستند به امید این که او همان مهدی منتظر و نجات بخشی باشد که انتظارش به درازا کشیده است. بدین جهت منصور متوجه مسئله مهدویت شده و تهاجم تبلیغاتی گسترده‌ای را برای پسرش مبنی بر این که او مهدی منتظر است، به راه انداخت. ابوالفرج اصفهانی در این مورد می‌گوید: «منصور عباسی از مطیع بن ایاس خواست که حدیثی را درباره مهدی بودن فرزندش جعل کند، از این رو آن گاه که منصور برای پسرش به عنوان ولیعهد از مردم بیعت می‌گرفت، مطیع برخاست و گفت: فلائی از پیامبر روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «مهدی از ماست، او محمد بن عبدالله است و مادرش از ما نمی‌باشد؛ اوست که زمین را بعد از ظلم و جور پراز عدل و داد خواهد کرد. در این هنگام مطیع برای تأیید سخنش ربه عباس بن محمد که در مجلس بود، نمود و به او گفت: تو را به خدا سوگند، آیا این حدیث را شنیده‌ای؟ او نیز به سبب ترس از منصور گفت: آری. علویان نیز با همین ادعاها مقابله می‌کردند و آن گاه که منصور شنید محمد نفس زکیه ادعای مهدویت می‌کند، گفت: دشمن خدا دروغ می‌گوید، مهدی پسر من است. (ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۶۶)

در زمینه تلاش عباسیان و خصوصاً منصور عباسی دومین خلیفه عباسی در زمینه تبلیغ مهدویت برای پسرش مهدی عباسی نک به: (فرهنگ مهدویت در القاب خلفای عباسی، تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۲/۲۵، مجله، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱، فاروق عمر / غلام حسن محزومی) ۱. مقدمه طبقات راویان احادیث مهدوی از طریق اهل سنت، ص ۴۱.

بدیهی است بازتاب تحریف‌های گسترده مفهومی، در کنار تکثر مصادیق مدعیان دروغین در قرن دوم (و سپس روند کاهشی آن در قرن سوم) در آستانه تولد امام موعود با وجود تمامی پیشگوئی‌هایی که براساس تحقق عدد یازده معصوم از پدران موعود رخ داده بود، در متن جامعه اسلامی جز شیعیان (و خلافت عباسی به جهت تلاش برای جلوگیری از آن) کسی به انتظار میلاد موعود از نسل امام یازدهم نبود و بیشتر عوام و بلکه خواص از علما و بویژه محدثین عامل، با بی اعتنایی و غفلت از کنار این مسئله مهم در آن مقطع تاریخی گذشتند.^۱

جغرافیای سوء استفاده از مهدویت در قرن دوم هجری قمری در جهان



۱. موضوع دانائی محدثین امام تلاش برای تحریف و یا بی اعتنایی و سانسور، همانند وضعیت علمای اهل کتاب و نشانه‌های ولادت و بعثت پیامبر اسلام است؛ آنان ایشان را کاملاً می‌شناختند، ولی به تحریف و کتمان گسترده آن پرداختند. این واقعیتی است که قرآن بدان به صورت گسترده می‌پردازد.

۱-۱-۲. فرهنگ حدیثی شیعه

در مکتب شیعه احادیث مهدویت را حداقل از دو هزار تا سه هزار حدیث^۱ و حداکثر تا شش هزار حدیث صحیح و ضعیف و مسند و مرسل و متواتر و مجهول برشمرده اند؛ بدین جهت پالایش سندی و تلاش برای کشف نظام زبانی و کنائی (انواع دلالت های موجود احادیث مهدوی) این روایات و کشف هندسه و روابط موضوعات و نشانه های مختلف با همدیگر، یکی از ضرورت های مهدی پژوهی نقلی- حدیثی است؛ در این اثربه جهت ارتقای آگاهی مخاطبان، تنها به ارائه گزارش های آماری مفید و کاربردی در این زمینه اکتفا می گردد و بدین جهت در این مرحله مباحث زیر ارائه می گردد:



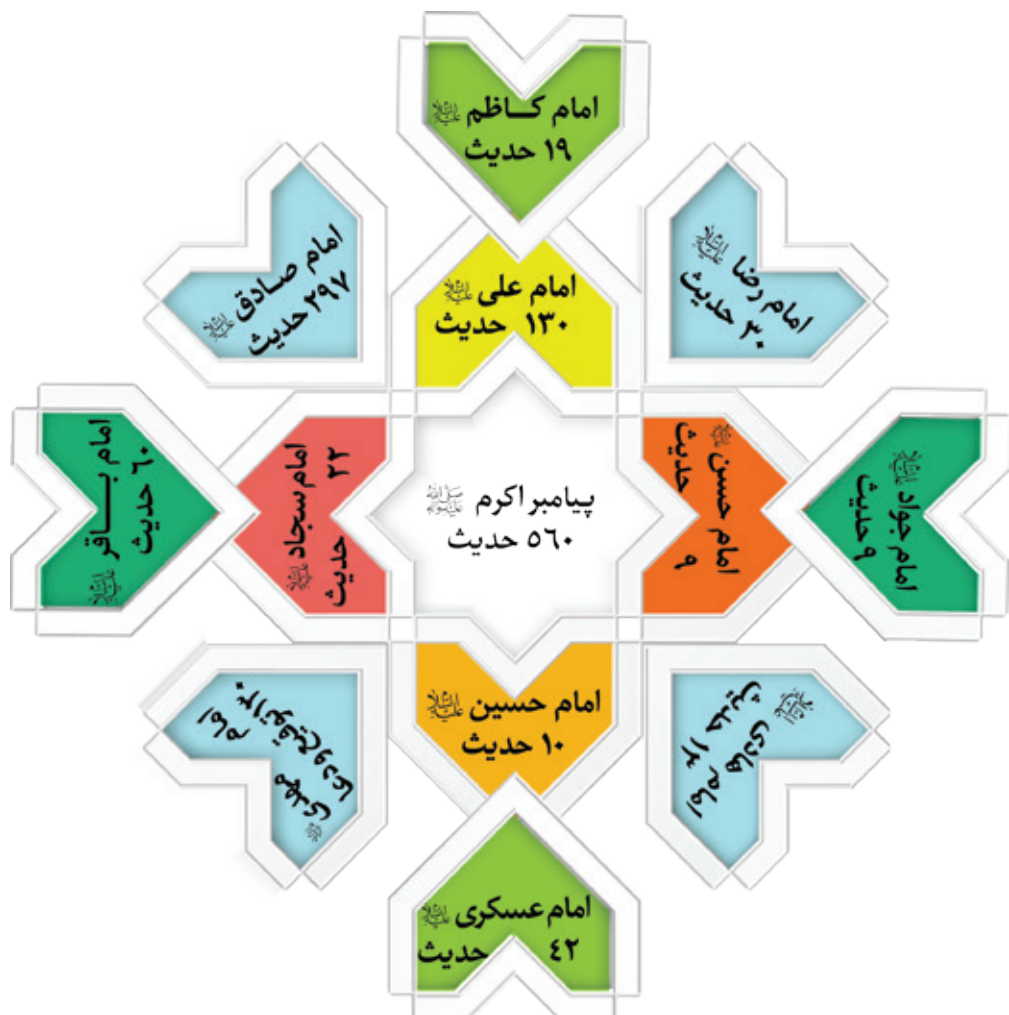
۱-۱-۲-۱. فرایند صدور احادیث مهدوی

تفاوت ماهوی احادیث مهدوی شیعه با احادیث مهدوی اهل سنت، در تولید پیوسته احادیث مهدوی در بستر انسان ۲۵۰ ساله است؛ بدین جهت تا زمانی که دوران غیبت به صورت رسمی اعلان نگردید، علما و محدثان شیعه پیوسته به جستجوی احادیث جدید مهدوی از امامان معصوم و یا به طرح پرسش ها و اطلاعات جدید می پرداختند؛ بنابراین در پیشینه شناسی احادیث شیعه مهدوی، بحث سیر و فرایند و تطور صدور احادیث و وضعیت مانور بر مفاهیم و موضوعات مهدوی در بستر ۲۵۰ ساله از بحث های مستقل در احادیث مهدوی شیعه است. به عنوان نمونه به فهرست پیش رو دقت کنید تا ضمن یادآوری جدول های پیشین گاه شمار تاریخی در دوره های امامت، با اوج و فرود احادیث مهدوی معصومین آشنا شویم:

معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه که ارزنده ترین مجموعه های حدیثی در قرن معاصر است، ۱۹۴۱ روایت را بدون تکرار، ذکر می کند؛ گزارش سیر تاریخی این احادیث بر اساس دوره ترتیب معصومین و تعداد احادیث هر معصوم در این مجموعه چنین است:

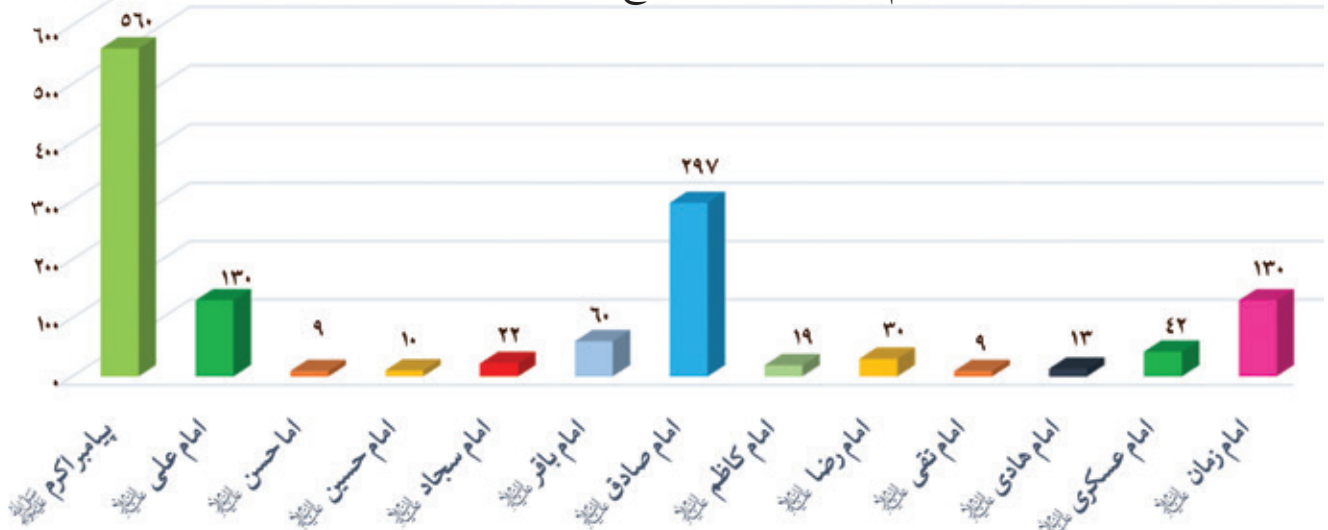


۱. معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه ۱۹۴۱ روایت را بدون تکرار آورده است.
 ۲. ۳۶۶۶ روایت، فقط در کتاب منتخب الأثر، آیت الله العظمی صافی گلپایگانی آمده است.



و البته پس از آن ۱۳۰ مورد توقیع و دعا از امام زمان (عج) و بیش از پانصد حدیث را در جلد پنجم در ذیل آیاتی که به امام مهدی (عج) و ویژگی‌های آن حضرت تأویل شده، ذکر می‌کند. همانگونه که مشاهده می‌شود در آمار، پیامبر اسلام (ص) به عنوان پایه گذار مهدویت اسلامی، بیشترین احادیث مهدوی را بیان کرده‌اند؛ البته در این زمینه انجام مقایسه‌ای آماری و مفهومی بین احادیث نبوی در دو قرائت شیعی و سنی لازم است تا نحوه روایت مهدوی از زبان پیامبر (ص) در هر دو گروه و اشتراکات و افتراقات آن دانسته شود و معلوم گردد دستگاه خلافت در ظرف ۲۵۰ سال به سانسور و یا تحریف کدام معارف پرداخته و در برابر اهلبیت (ع) بر چه مواردی تأکید بیشتر داشته است.

در مرتبه بعد از پیامبر هم، فزونی احادیث از امام صادق (ع) در مقام پایه گذاری مکتب و فزونی نسبی احادیث امام عسکری (ع) در مقطع پایانی، شایان توجه است.



۱-۲-۲. گزارشی موضوعی از احادیث مهدوی

در موضوع شناسی احادیث شیعی، دو مسئله وجود دارد: یکی گستردگی فراوان مباحث مفهومی در موضوعات تاریخی و تفسیری و کلامی و مسئله دیگر که به جهت خنثی سازی تبلیغات و یا تجاهل اهل سنت و فرق انحرافی است، تأکید بر شجره طوبه و سلسله نسب امام موعود است؛ بدین جهت بخش چشم گیری از احادیث مهدوی شیعه، در مواجهه با سانسور احادیث اهل سنت در موضوع نسب، مانور فراوان بر مسئله نسب از پیامبر تا پدر گرامی ایشان، تک به تک و به صورت پیوسته است. در این مرحله تنها به گزارشی در این زمینه اکتفا می شود:

به نوشته مؤلف کتاب «منتخب الاثر»، فراوانی و گستردگی روایات مربوط به مهدی موعود علیه السلام و ویژگی های آن حضرت و اینکه او از دیده ها پنهان می شود، بدین شرح است:

در ۵۸ روایت آمده که امامان دوازده نفرند و اول آنان علی علیه السلام و آخر آنان مهدی علیه السلام است؛

در ۶۵۷ روایت به ظهور حضرت مهدی بشارت داده شده است؛

در ۴۸ روایت آمده نام و کنیه حضرت مهدی علیه السلام، همان نام و کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله است؛

در ۲۱۴ روایت آمده امام مهدی علیه السلام از فرزندان امیرمؤمنان علی علیه السلام است؛

در ۱۹۲ روایت آمده حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان حضرت زهرا علیه السلام است؛

در ۱۸۵ روایت آمده مهدی موعود علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است؛

در ۱۴۸ روایت آمده مهدی موعود علیه السلام نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است؛

در ۱۸۵ روایت آمده حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام است؛

در ۱۰۳ روایت آمده امام مهدی علیه السلام از فرزندان امام محمد باقر علیه السلام معرفی شده است؛

در ۱۰۳ روایت آمده امام مهدی علیه السلام از فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام معرفی شده است؛

در ۱۰۱ روایت، آمده امام مهدی علیه السلام از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام است؛

در ۹۵ روایت، آمده امام مهدی علیه السلام چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام است؛

در ۹۰ روایت، آمده حضرت مهدی علیه السلام سومین فرزند امام جواد علیه السلام است؛

در ۹۰ روایت، آمده مهدی موعود علیه السلام از فرزندان امام هادی علیه السلام است؛

در ۱۴۶ روایت، آمده امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است؛

در ۱۴۷ روایت، آمده نام پدر امام مهدی علیه السلام حسن است؛

در ۱۲۳ روایت آمده امام مهدی علیه السلام جهان را پر از عدل و داد می کند؛

در ۹۱ روایت، آمده غیبت امام مهدی علیه السلام طولانی است؛

در ۳۱۸ روایت، آمده عمر امام مهدی علیه السلام طولانی است؛

در ۴۷ روایت، آمده اسلام به وسیله امام مهدی علیه السلام جهانی می شود و وعده استخلاف صالحان تحقق می یابد؛

در ۱۳۶ روایت، آمده امام مهدی علیه السلام دوازدهمین و آخرین امام است؛

در ۱۰ روایت، آمده امام مهدی علیه السلام دو غیبت دارد: غیبت صغرا و غیبت کبرا؛

در ۱۴ روایت آمده ولادتش مخفی است؛

در دو روایت آمده اگر از فرزندان پیامبر نام های "محمد"، "علی"، "حسن" پیوسته بیایند، چهارمین آن قائم و مهدی

موعود علیه السلام است.^۱

منتخب الاثر، ص ۲۳ تا ۲۶.

اهمیت این حدیث آخرین از این جهت است که خلفای عباسی ای که در واپسین سال‌های دوران ۲۵۰ ساله قرار داشتند، با آگاهی از مثل چنین حدیثی بروحشت‌شان افزوده شده و بر شدت ظلم‌ها و مواجهه‌های خود می‌افزودند.



۱-۲-۳. گزارشی از مولفان احادیث مهدی شیعی (در سه قرن صدر اسلام)

در جمع بین این دوگانه مطالعاتی جهت صدور روایات و گستره معنایی و مفهومی روایات شیعی، تلاش‌ها و زحمات تاریخی محدثین شیعی در گردآوری و پالایش و دسته‌بندی این احادیث در ظرف زمانی ۲۵۰ ساله از دیگر محورها و ضرورت‌های اطلال احادیث مهدوی است، البته به علت وجود اختناق شدید علیه شیعه در بیشترین دوران، متأسفانه بسیاری از آثار مکتوب در این دوره از بین رفته است و تنها بخش اندکی از میراث حدیثی این دوران به ما رسیده است. اما بخش چشم‌گیری از این میراث در قرن چهارم به قلم نویسندگان کتب اربعه و دیگر کتب حدیثی بویژه "کمال الدین" صدوق و "الغیبه" نعمانی و "الغیبه" طوسی از نابودی نجات یافته و به ما رسیده است؛ بدین جهت گزارش نوشته‌های شیعه در دوران ۲۵۰ ساله به علت همان شرایط ویژه گزارشی محدود و به شرح زیر است:^۱

مؤلفان شیعی مهدوی از آغاز تا میلاد موعود

حسین بن سعید اهوازی

او از بزرگان شیعه در دوره پایانی حضور امامان بوده که به نشر معارف اهل بیت علیهم السلام در اهواز و خوزستان و قم پرداخته است. او در اثرش، کتاب الزهد سه حدیث مهدوی ذکر کرده است.

محمد بن ابی عمیر

او از بزرگان شیعه در اواخر دوران امام کاظم علیه السلام، دوران امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بوده است و کتاب‌های حدیثی متعددی نوشته بود که در هجوم سربازان عباسی به منزلش بسیاری از آن آثار از جمله کتاب مهدوی او به نام «الملاحم» از بین رفت.

امام سجاد علیه السلام

این کتاب شامل دعا‌های امام سجاد علیه السلام است که از طریق فرزندش زید به ما رسیده که در برخی از دعاها، مستقیم و یا غیر مستقیم به مهدویت می‌پردازد.

اهواز
قمر

سال ۲۵۴

کوفه
مدینه

سال ۲۱۹

بغداد

سال ۲۱۷

کوفه
مدینه

قرن دوم

کوفه

سال ۹۰

کوفه

سال ۸۰

عباس بن هشام ناشری اسدی

او از اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و نویسنده کتاب «الغیبة» بوده است.

جعفر بن محمد بن شریح حضرمی

او از اصحاب امام صادق علیه السلام است و کتابش با عنوان اصل جعفر بن محمد بن شریح حضرمی یکی از اصول اربعه است. در این اصل یکصد و بیست و چهار روایت ذکر شده که موضوع اکثر آنها ولایت و اهل بیت است، هفت حدیث آن مهدوی است.

سلیم بن قیس هلالی

کتاب سلیم: در این اثر یازده روایت مهدوی وجود دارد که هفت روایت آن نبوی و مابقی علوی است و مشخص می‌شود در قرن نخست، مهدویت بیان شده است.

۱. اصول اربعه یا اصول چهارصدگانه، چهارصد کتاب حدیث شیعه امامیه بوده‌اند که مستقیماً از امامان معصوم نقل حدیث کرده‌اند، و نویسندگان آن از رجال کاملاً موثق بوده‌اند و کتاب صرفاً بیان تدوین (مرتب نشده و موضوع بندی) نشده احادیث است. به نوشته دائرة المعارف بزرگ اسلامی «اصل اصطلاحی در علم حدیث به معنی هر یک از نوشته‌های آغازین [است] که مستقیماً از کتابت شنیده‌ها پدید آمده بودند... در نوشتن یک اصل، نویسنده بدون کوششی در جهت مدون سازی احادیث، مسموع خود را تنها با کتابت ضبط می‌کرده است.» لذا هر کتاب حدیث، اصل نیست و مثلاً کتاب حدیثی که به یک موضوع خاص فقهی مثل صلاة می‌پردازد اصل خوانده نمی‌شود. (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۹، ص ۲۱۸) این اصول بیشتر از زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام پدیدار یافته و تا آستانه دوران غیبت نگارش آن به دست اصحاب برجسته امامان ادامه داشته است. بعدها کتب اربعه از پالایش این چهارصد اصل به وجود آمدند.



**ابوجعفر محمد بن حسن بن
فروخ صفار قمیابوجعفر محمد
بن حسن بن فروخ صفار قمی**

از یاران امام عسکری علیه السلام و
مؤلف کتاب بصائر الدرجات، که
در آن سی روایت مهدوی از
امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام
آورده است.

ابراهیم بن اسحاق نهاوندی

او از اصحاب امام هادی علیه السلام و
امام عسکری علیه السلام بوده و نویسنده
کتاب "الغیبة" است.

فضل بن شاذان نیشابوری

از اصحاب امام هادی علیه السلام و عسکری علیه السلام
است که کتب متعدد مهدوی داشته
مانند: "القائم"، "الملاحم"، "اثبات
الرجعه"، "الغیبة" و امروزه تنها ۲۰ حدیث از
کتاب مختصر "اخبار الرجعة" او موجود
است.

سال ۲۹۰ قمری

سال ۲۷۴ قمری

سال ۲۶۹ نهاوند

سال ۲۶۲ قمری

سال ۲۶۰ نیشابور

احمد بن ابو عبدالله برقی قمی

در کتاب معروفش المحاسن، ۱۶ حدیث
مهدوی آورده است.

**ابو العباس عبد الله بن جعفر
حمیری قمی**

از اصحاب امام هادی علیه السلام و
امام عسکری علیه السلام و نویسنده
کتاب "قرب الاسناد" است و در
این کتاب سیزده حدیث
مهدوی را روایت کرده است.

یادآوری: در مقایسه تاریخ حدیث نگاری شیعه و سنی، حدیث نگاری های مفصل و دائره المعارف گونه و یا تخصصی شیعی از حدیث نگاری سنی یکی دو قرن متاخرتر است. چرا که صحاح سته اهل سنت در قرن های سوم و چهارم نوشته شده است ولی کتب اربعه شیعه در قرن های چهارم و پنجم. دلیل این امر جریان پیوسته حدیث در دوران ۲۵۰ ساله و ضرورت انتظار برای اعلان زمان پایان دوره صدور حدیث از سوی امامان شیعه بود. خصوصا در موضوع مهدویت که بخشی از احادیث ولادتش، ادله امامت او برای شیعه در زمان حیاتش و اداله امامت تاریخی اش که همانند احادیث ولادتش، ادله امامت او برای شیعه در زمان حیاتش و اداله امامت تاریخی اش که همه بر بستر واقعیت ها شکل می گرفت. پس دلیل کمی آثار مهدوی در کنار از بین رفتن، تاخیر زمانی در نگارش است.



۱-۲-۴. گزارشی از چالش های ۲۵۰ ساله جامعه شیعی در مسئله مهدویت:

یکی از الزامات کلام و سبک زندگی شیعی، مسئله انتظار است، البته انتظار بر معیار و مبنای زمانی ولادت موعود، دو تفسیر و دو مرحله تاریخی می یابد؛ تا پیش از تولد، انتظار به معنی انتظار ولادت است و پس از میلاد، انتظار به معنی انتظار قیام است. پس لازمه انتظار زیستی در دوران ۲۵۰ ساله، انتظار میلاد موعود بوده است؛

ولی این انتظار نیازمند سپری شدن دوران امامت یازده امام با فراز و نشیب های فراوان بود و این در حالی بود که در آن زمانه سخت، بسیاری از اخبار مهدوی موجود هم، به صورت کامل و جامع در اختیار شیعیان نبود؛ بدین جهت جامعه شیعه در این دوران ۲۵۰ ساله، گاه با بحران ها، مطالبات نابهنگام و گاه با افراط های منجر به بدرفتاری و یا ریزش ها مواجه بوده است. گزارشی از بازتاب های مواجهه افراطی و یا انحرافی در جامعه شیعه ۲۵۰ ساله از مهدویت چنین است:



چالش‌های شیعه ۲۵۰ ساله در مسئله مهدویت

امام	زمینه‌ها	چالش	واکنش
امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام	جریان‌های سطحی و خود رأی	تحریف‌ها و تطبیق‌های غالیان: با شروع بازنشر احادیث مهدوی در دوران باقرین علیه السلام برخی از شیعه نمایان سطحی‌نگر، که بهره محدودی هم از مدرسه علمی امامان داشتند، در محیط‌های دور از مرکز امامت، به تطبیق‌های انحرافی و بزرگنمایی غلط از مهدویت پرداخته و با شیوة افراطی خود به ریزش از جریان حق و ایجاد فرقه‌های غالی دامن می‌زدند؛ فرقه‌هایی مانند منصوریه و ناووسیه و نصیریّه و مغیریّه و ... از این گروه بودند.	امامان شیعه در مواجهه با غالیان (بویژه در موضوع مهدویت) ضمن فعال‌سازی روایان علمی و بازنشر احادیث مهدوی و بیان مغالطه‌های منحرفان، بلافاصله درباره سران منحرف هشدار می‌دادند و در صورت عناد آنان، با نفرین (و دعای غیبی) زمینه نابودی سریع آنان را از جامعه حق فراهم می‌ساختند.
امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام	دوره تغییر خلافت و رخداد قیام‌های پیاپی زیدی	انتظار قیام از امامان شیعه: در ترکیب برداشت سطحی از روایات مهدویت و گمان امکان‌پذیری قیام با همراهی مدعیان دروغین دینداری و تزلزل ارکان خلافت، جمعی از شیعیان با تعجیل و پیشنهاد قیام به امامان، از ایشان انتظار قیام داشتند.	امامان و تبیین این که: اولاً مهدویت مأموریتی خطر و بزرگ است که نمی‌توان با یک قیام احساسی به بسترسازی برای آن پرداخت و حکومت جهانی مهدویت به زمینه‌سازی‌های فراوان نیاز دارد و ثانیاً طبق پیش‌گویی‌های نبوی، امام قائم امام دوازدهم است و ثالثاً خیلی از نشانه‌ها رخ نداده و بسیاری از مردم در بوته امتحان قرار نگرفته‌اند.
امام رضا علیه السلام	سنگین‌های پذیری‌های دوران مسئولیت‌پذیری و کالت‌سازمان	جریان واقفیه و تحریف مهدویت: جمعی از وکلای عالم نما و با سابقه که تجربه تحمل مدیریت اقتصادی در سطح کلان را نداشته و فریفته انباشت مقدار فراوانی از وجوّهات نزد خود شدند، برای مصادرة آن اموال پس از شهادت امام کاظم علیه السلام ، به صورت ناگهانی مدعی توقف خط امامت شدند و سپس برای توجیه این ادعای توقف ناگهانی، تنها چاره خویش را در تمسک به روایات مهدویت و غیبت و تطبیق آن بر امام کاظم علیه السلام دیدند.	امام رضا علیه السلام و بازنشر احادیث مهدویت بویژه از جهت ضرورت استمرار خط امامت تا یازده امام، و تأکید بر نصوص امامت خود و نشان دادن آثار امامت (علم غیب و معجزه) به جهت اتمام حجت.



امام جواد علیه السلام	مسئله امامت در کودکی	دشواری های تحمل معارف امامت خاصه: امام باوری به معنای باور انسان کامل است که لازمه اش گذر از محدودیت ها و حجاب ها در زندگی انسان های متعارف و کمال جو و آمادگی عقلی و ایمانی برای پذیرش حقایق متعالی و آسمانی انسان کامل به واسطه ارتباط های غیبی است. در این صورت مسئله امامت در کودکی امری باور پذیر خواهد بود، ولی این باور هنوز در جامعه شیعه و حتی برخی از بزرگان آنان شکل نگرفته و یا نهادینه نشده بود؛ بدین جهت با امامت در کودکی و ادامه یافتن این وضعیت در موعود مشکل داشتند.	امامان، و تبیین تفاوت های انسان شناختی معصوم و غیر معصوم بر مبنای عقل و نقل و فطرت.
------------------------------	-----------------------------	---	--

بنا بر تحلیل گاه شماری از جدول فوق، دوران ۲۵۰ ساله از جهت ریزش ها و چالش ها در موضوع مهدویت شاهد سه مرحله است:

اول: دوران پیشامکتب سازی: در این دوران چون هنوز ارکان اندیشه مهدویت شیعی شکل نگرفته و هنوز جامعه ای ایمانی حول محور امامان ایجاد نشده است، چندان شاهد ریزش دورن شیعی نیستیم. البته در این مقطع شاهد پیدایش کیسانیه و یا قیام زید و مختار هستیم. ولی این جریان ها در بطن جامعه شیعی شکل نمی گیرد و هسته اجتماعی بیشتر این جریان ها، جریان شیعه عراقی (سنی های متمایل به مکتب اهل بیت علیهم السلام) هستند.

دوم: اوج زمانه ریزش ها و چالش های انحرافی در جامعه شیعه در قرن دوم، از زمان امام صادق علیه السلام تا زمان امام رضا علیه السلام است؛ در این دوران جامعه شیعه از جهت ادوار تاریخی در حال گذر از مکتب سازی به جامعه سازی است، پس گاه ریزش ها جهت گیری فکری دارد و گاه عوامل اقتصادی و اجتماعی در آن نقش دارند، ولی انحراف هرچه باشد و دلیل انحراف از هر کجا و هر کس ناشی شده باشد، امامان معصوم علیهم السلام هر بحران و چالش را به فرصتی برای باز نشر معارف مهدوی و یا عرضه معارف نوین تکمیلی و یا آسیب زدائی از معارف و فرهنگ تبدیل می کردند؛ بدین جهت در این مقطع احادیث مهدوی رشدی فزاینده داشت.

سوم: در دوره پایانی یعنی نیمه اول قرن سوم، جریان انحراف ها و ریزش ها آفت می کند، ولی مسئله ارتقا بخشی معرفتی و رفتاری، چالش دیگری است. مسئله امامت در کودکی با تکرارهای سه گانه اش (امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام زمان علیه السلام) زمینه ای برای ارتقای معرفتی شیعه است و مسئله تبعید امامان به سامرا و محدودیت ارتباط با امامان، جز از طریق سازمان وکالت، تلاشی برای تمرین و ارتقای رفتاری مهدی زیستی در دوران غیبت است. و بدین گونه این دوره های سه گانه منجر به پیدایش نظام حدیثی جامع مهدوی شیعه می گردد.

۱-۲. نبرد نرم-سخت در مسئله مهدویت:

دوران امامت امام عسکری علیه السلام، کوتاه ترین دوران امامت در میان امامان شیعه است و این امر برآمده از شدیدترین هجوم ها و مواجهه خلافت عباسی با خط امامت است و علت این امر چیزی نیست جز مسئله مهدویت و این مواجهه سخت و صریح، ناشی از یک قرن ناکامی

عباسیان در مسیر مصادره و یا مقابله با مسئله مهدویت است.
گزارش یک سده از نقشه‌ها و طرح و برنامه‌های عباسیان در زمینه مهدویت چنین است:



به دلیل اجرای همین راهبردهای پیاپی است که هر چه زمانه به دوران پایانی امامت نزدیک می‌گردد، امامان متحمل آزارها و سختی‌های بیشتری می‌گردند؛ شاهد این مدّعا دوران ولادت امام جواد علیه السلام در سال ۱۹۵ ق تا زمانه به امامت رسیدن امام زمان علیه السلام در سال ۲۶۰ ق است . این دوران تنها ۶۵ سال است که حداقل سن عمر طبیعی است؛ ولی این زمان کوتاه شاهد تولد و امامت چهار امام شیعه است، امامانی که تمامی عددهای آماری زندگی انسانی آنان، همگی روندی کاهشی و غیر طبیعی دارد؛ واقعیتی که بیانگر جدیت عباسیان در مقابله با مهدویت از معبر قتل و حذف فیزیکی امامان است تا شاید با این شیوه بتوانند سدّ راه تولد امام موعود شوند. جدول آماری امامان پایانی چنین است:

امام	مدت عمر	سن پدر در زمان ولادت	سن در آغاز امامت
امام جواد علیه السلام	۲۵ سال	۴۷ سالگی پدر	۷ سالگی
امام هادی علیه السلام	۴۳ سال	۱۷-۱۸ سالگی پدر	۸ سالگی
امام عسکری علیه السلام	۲۸ سال	۲۰ سالگی پدر	۲۲ سالگی
امام زمان علیه السلام		۲۳ سالگی پدر	۵ سالگی

شاهد فزونی و پیچیدگی نبرد نرم عباسیان در سال‌های پایانی دوران امامت، تلاش آنان برای راه یابی به داخل منزل و سیستم امامت با فریب یکی از نزدیکان امامان پایانی است؛ بدین جهت در تلاشی طولانی سرانجام آنان موفق می‌شوند با راهبرد ایجاد انحراف اخلاقی برای جعفر؛ فرزند امام هادی علیه السلام برای تمامی دوران امامت امام عسکری علیه السلام عنصری نفوذی برای خود در متن منزل امام بیابند؛ بدین جهت یکی از صحنه‌های مدیریت پیچیده امام عسکری علیه السلام در دوران امامتش، مسئله مدیریت جعفر از جهت رفت و آمدها و یا میزان دانائی‌اش از منزل امام و جامعه شیعه است. گزارش تفصیلی این مدیریت در متن جدول‌های گاه‌شماری آتی دانسته خواهد شد.

جمع بندی پایانی:

از آنچه در این فصل ارائه شد، دانسته می‌شود که مهدویت در دو قرن و نیم پیشینه خود، شاهد سه جریان موازی پیوسته بوده است. «جریان محدثان کتمان‌گر عامه»، «جریان مصادره‌کنندگان سیاسی رقیب» و «جریان رشد‌یابنده مفهومی و بستر ساز عینی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله»؛ واقعیت‌های این جریان‌ها در آستانه میلاد در متن جدول گاه‌شماری ارائه خواهد شد.





فصل دوم

بسترهای انسانی و تاریخی و جغرافیایی
ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

درآمد:

در این فصل برای آشنایی بیشتر و بهتر با اطلس امام مهدی (عج) در آستانه تولد آن حضرت، زمینه‌های نسبی و جغرافیایی زندگی و وضعیت تاریخی آن زمان ولادت موعود، بویژه در جامعه شیعه معرفی می‌گردد تا گزارش‌ها و جدول‌های گاه‌شماری فصل بعد بر بستر این واقعیات، مجال تفسیر و رمزگشایی بیشتر و بهتر را بیابد.

۱-۲. شجره شناسی امام مهدی (عج) :

همگان بر انتساب حضرت مهدی (عج) به شجره طیبه پیامبر (صلی الله علیه و آله) اتفاق نظر دارند و سلسله پدران آن حضرت، خط عصمت و ولایت از امام عسکری (عج) تا امام علی (عج) است. آنچه که در این اثر شایسته توجه ویژه است، معرفی مادران شایسته آن حضرت در امتداد تاریخی خط امامت است. بانوانی از سرزمین‌های گوناگون که به اگر چه معصوم نبودند و یا حتی بیشتر آنان گمنام بودند، ولی به علت پاک‌زیستی و تلاش برای رشد و تعالی، پس از ورود به خانه‌های نور و طهارت امامان معصوم، شایستگی دو ساحت همسری و مادری معصومین را یافتند. بنابراین در جدول زیر دوگانه پدران و مادران امام موعود در کنار همدیگر ارائه می‌گردد:

درختواره نسب امام زمان (عج) چنین است:



درختواره نسب امام زمان عليه السلام



فصل دوم /

بستنه های انسانی و تاریخی و جغرافیایی ولادت امام مهدی

معرفی مادران ائمه



در مقام جمع‌بندی شایسته است که دانسته شود از مادران دوازده امام، شش نفر بانوان آزاد و شش نفر بانوان کنیز بودن تا همه بانوان عالم از هر فرهنگ و نژادی بدانند که در کمال زنانه فرهنگ و نژاد و سابقه خانوادگی و آزاد بودن و ... شرط نیست، آنچه مهم است تصمیم برای تعالی جوئی زنانه برالگوی شخصیت و زندگانی معصومانه حضرت زهرا است.^۱

۱. نک: انسان‌شناسی و مهدویت، فصل انسان‌شناسی جنسیتی.

۲-۲. شخصیت‌شناسی مادر گرامی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از نقاط ضعف تاریخ‌نگاری، کم‌توجهی به تاریخ‌نگاری مادران امامان معصوم علیهم‌السلام است. درباره مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به علت شخصیت ویژه امام موعود، معضل کمی اطلاعات با پراکندگی و آشفتگی اطلاعات گره خورده است، چرا که درباره ملیت و نسب مادر و چگونگی ورود ایشان به منزل اهل بیت علیهم‌السلام گاه شاهد روایات متعارض هستیم و روایتی که از همه مشهور تر است نیز متهم به ضعف سند یا اسطوره پردازی شده است؛^۱ در این اثربه اقتضای گزارش اطلس‌گونه تنها چکیده‌ای از روایت‌ها ارائه شده و گزارش تصویری، آماری روایت مشهور مورد توجه قرار می‌گیرد:

گزارشی اجمالی و تقریباً مورد اتفاق زندگی آن بانوی بزرگوار چنین است:

پیشینه

او کنیزی بود که در یک جنگ بزرگ یا کوچک در یکی از مناطق مرزی به اسارت درآمده بود؛ دست تقدیر او را به بازار برده‌فروشان آورده و به علت پاکی و شایستگی‌های ایشان، توسط یکی از خادمان و یا شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام خریداری شده و به سامرا آورده شد و چون مورد توجه امام هادی علیه‌السلام قرار گرفت، برای تربیت و تعالی و کسب آمادگی برای مسئولیت‌های بزرگ، به خانه حکیمه خاتون منتقل شد.

در منزل حکیمه تا تولد امام

آن کنیز بزرگوار، حداقل ۴ تا ۵ سال کنیز حکیمه خاتون و شایسته‌ترین کنیز او بود و بیشترین بهره‌های ایمانی، اخلاقی و علمی و عبادی را از حکیمه خاتون می‌برد و در این مدت با تاریخ و مقام امامت آشنا شد.

در خلال رفت و آمدهای اندک امام عسکری علیه‌السلام در سال ۲۵۴ ق، و چند ماهی پیش از شهادت امام هادی علیه‌السلام، آن حضرت که در سن ۲۲ سالگی قرار دارد به آن کنیز ابراز علاقه نموده و از عمه‌اش حکیمه خاتون می‌خواهد که نزد پدرش امام هادی علیه‌السلام اجازه پیوند آنان را بگیرد و امام هادی علیه‌السلام موافقت می‌فرماید.

به علت حاکمیت شرایط تقیه فراوان و حساسیت حاکمیت به مسئله ولادت موعود، مجلس زفاف مختصر و بی‌سروصدایی در قالب انتقال ملکیت کنیز به امام عسکری علیه‌السلام، صورت می‌گیرد و از همان آغاز سه شخصیت امام هادی علیه‌السلام، امام عسکری علیه‌السلام و حکیمه خاتون می‌دانند که او مادر موعود خواهد بود؛ پس از مدتی آن بانو با عنوان کنیزی به منزل امام هادی علیه‌السلام منتقل شده، ولی امام هادی علیه‌السلام مسموم شده و به شهادت می‌رسد و راهبری جهان تشیع به امام عسکری علیه‌السلام می‌رسد.

در ماه‌های پایانی سال ۲۵۴ ق، آن بانو پس از توفیق باردار شدن به امام موعود، تنها کسی است که باید در خلوت خود این راز را با خود تا نه ماه پنهان دارد، ولی کمی بعد همراه روزهای تنهائی‌اش، جنین معصومش می‌شود.

سال ۲۵۵ ق فرا می‌رسد؛ موجی از انتظار برای ولادت موعود نزد دوست و دشمن ایجاد شده و بدین جهت امام عسکری علیه‌السلام به زندان می‌افتد و در ماه‌های پایانی حمل مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تنها مونس ایشان همان جنین در آستانه تولد است.



۱. نک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم حسین و: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت صغری، محمد صادق صدر، و: پژوهشی نودر مورد مادر امام زمان، ناهید طیبی، و: دانشنامه مهدویت، دارالحدیث.

در نیمه‌های ماه رجب شایعه قتل قریب‌الوقوع امام عسکری علیه السلام در زندان معتز، دوست و دشمن را نگران کرده، ولی مادر آرامشی عجیب دارد، چون همسر و فرزندش رازی پنهان را به او گفته‌اند، پس در اول ماه شعبان پس از قتل خلیفه و آشفته شدن موقت اوضاع سامرا، زمانه ولادت موعود نزدیک می‌گردد و مادر تنهاتراز همیشه است؛ تا اینکه ماه شعبان به شب با برکت و نورانی نیمه شعبان می‌رسد که پا به پای شب قدر است؛ حضور ناگهانی حکیمه در آستانه شب نیمه، بهترین خبر برای نرجس خاتون و امام عسکری علیه السلام است و امام برای اولین بار راز مولود را به حکیمه می‌گوید و حکیمه شگفت زده به عنوان مهمان آن شب را در منزل امام می‌ماند تا مونس خلوت نرجس و اولین شاهد سیمای نورانی موعود باشد و چنین است که شب نیمه فرامی‌رسد و عجیب است که در این شب هر چه حکیمه به اقتضای نگرانی‌های زنانه بی‌قرار است، نرجس خاتون در آرامشی عجیب به سر می‌برد و اینجاست که او (با وجود کسب فضیلت دختری امام) به عظمت متانت مادر امام پی می‌برد. سحرگاه فرامی‌رسد و رویداد ولادت در چنان فضایی نورانی و آسان رخ می‌دهد که حتی حکیمه هم باورش نمی‌شود و فقط وقتی به خود می‌آید که نوزاد نورانی در آغوشش ذکر آفریدگارش را می‌گوید و امامی که عمه‌اش را می‌خواند که نوزاد را نزدش ببرد و مادری که پس از حملی آسان و نورانی و سریع و بی سروصدا (به علت حاکمیت شرایط تقیه) در آرامش به سر می‌برد.

کمی پس از لحظه تولد، مادرش متوجه می‌شود که نوزادش حضوری پیوسته نزد او نخواهد داشت و در بیشتر اوقات باید از نظرگاه دیگران پنهان باشد، پس به حکم غریزه مادری بیقرار فرزند می‌شود و امام عسکری علیه السلام وعده‌اش می‌دهد که او فرزند توست و به جز از توشیر نخواهد نوشید و بیشترین انس را با تو خواهد داشت؛ البته با لحاظ شرایط تقیه و لزوم پنهان زیستی موعود که با زندگی عزیزش پیوندی همیشگی خورده است.

از تولد امام تا رحلت

سرگذشت آن کنیز و بانوی شایسته پس از گذشت دوسه سال از ولادت، دوباره مورد تردید است؛ گزارشی از رحلت زود هنگامش پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام وارد شده است، چرا که او چون حامل رازهای پنهانی بود و از مصائب دوران غیبت خبر داشت، می‌خواست زودتر از همسر معصومش، مهمان عالم ملکوت باشد.

ولی گزارش‌های دیگری هم هست که خبر از زندگانی او تا سال‌ها پس از شهادت امام عسکری علیه السلام می‌دهد و البته با نام و عنوان جدید (صقیل) برای رد گم کردن تا بتوان در آستانه غیبت ذهن دشمنان را از فرزند غریبش دور گرداند.^۱

در این روایت، در زمانه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، حکیمه خاتون مسئولیت روایتگری ولادت را به عهده می‌گیرد و مادر امام عسکری علیه السلام مسئولیت خنثی سازی فتنه‌های جعفر و

۱. به شهادت روایاتی که نام مادر حضرت را صقیل دانسته و معتقد به زنده بودن ایشان در این مقطع زمانی است:

کمال الدین و تمام النعمة، الشيخ الصدوق ج ۲ ص ۴۳۲، باب ما روي في ميلاد القائم صاحب الزمان: روایت اول: عَنْ غِيَاثِ بْنِ أَسِيدٍ قَالَ وَلِدَ الْخَلْفَ الْمَهْدِيُّ ع يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَأُمُّهُ رُحْبَانَةُ وَيُقَالُ لَهَا نَرْجِسٌ وَيُقَالُ صَقِيلٌ وَيُقَالُ سَوْسَنٌ إِلَّا أَنَّهُ قِيلَ لِسَبَبِ الْحَمْلِ صَقِيلٌ

روایت دوم: مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبَّادٍ أَنَّهُ قَالَ مَاتَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ع يَوْمَ جُمُعَةٍ مَعَ صَلَاةِ الْعَدَاةِ وَكَانَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ قَدْ كَتَبَ بِيَدِهِ كُتُبًا كَثِيرَةً إِلَى الْمَدِينَةِ وَذَلِكَ فِي شَهْرِ رَجَبِ الْأَوَّلِ لِثَمَانِ خَلْفٍ مِنْهُ سَنَةٌ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ مِنَ الْهَجْرَةِ وَلَمْ يَحْضَرْهُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ إِلَّا صَقِيلُ الْجَارِيَةِ وَعَقِيدُ الْخَادِمِ وَمَنْ عَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ غَيْرُهُمَا قَالَ عَقِيدٌ قَدْ عَا بِمَاءٍ قَدْ أَغْلَى بِالْمُصْطَلَكِ فِجْنًا بِهِ إِلَيْهِ فَقَالَ أَيْدَا بِالصَّلَاةِ هَيَّئُونِي فِجْنًا بِهِ وَبَسَطْنَا فِي حَجَرِهِ الْمُنْدِيلَ فَأَخَذَ مِنْ صَقِيلِ الْمَاءِ فَعَسَلَ بِهِ وَجْهَهُ وَذَرَعْنَاهُ مَرَّةً مَرَّةً وَمَسَحَ عَلَى رَأْسِهِ وَقَدَمَيْهِ مَسْحًا وَصَلَّى صَلَاةَ الصُّبْحِ عَلَى فِرَاشِهِ وَأَخَذَ الْقَدَحَ لِيَشْرِبَ فَأَقْبَلَ الْقَدَحَ يَضْرِبُ ثَنَائِيَّاهُ وَيَدُهُ تَرْتَعِدُ فَأَخَذَتْ صَقِيلُ الْقَدَحَ مِنْ يَدِهِ وَمَضَى مِنْ مَسَاعِيهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَدُفِنَ فِي دَارِهِ بِسَرْمَنْ رَأَى إِلَى جَانِبِ أَبِيهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَصَارَ إِلَى كَرَامَةِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ وَقَدْ كَمَلَ عُمُرُهُ تِسْعًا وَعَشْرِينَ سَنَةً قَالَ وَقَالَ لِي عَبَّادٌ فِي هَذَا الْحَدِيثِ قَدِمْتُ أُمُّ أَبِي مُحَمَّدٍ ع مِنَ الْمَدِينَةِ وَأَسْمُهَا حَدِيثٌ حِينَ اتَّصَلَ بِهَا الْخَبَرُ

باز نگهداشتن درب منزل امامت و مسئولیت سخت او، ادعای حملی احتمالی است تا در اوج فشارها بر امام و جامعه شیعه، موجب انحراف در جستجوها و تلاش‌های امنیتی و اطلاعاتی حاکمیت گردد؛ پس سختی دو سال زندگی کردن در خانه‌های پرفساد و تاریک عباسیان را به جان می‌خورد و پس از آزادی از آن وضعیت سخت، ساکن منزل امام گشته و دوباره تنها مونس گاهگاهش یعنی فرزند غریب و غایبش می‌شود تا آنگاه که دارفانی را وداع می‌گوید.

نظریه‌های گوناگون درباره نسب و ملیت مادر موعود چنین است:



در یک مقایسه بین نظریه‌ها و مرجحات تاریخی، می‌توان ادعا کرد نظریه رومی بودن مادر آن حضرت قوی‌تر باشد.^۳

۱. «إلى سُرْمَنْ رَأَى فَكَانَتْ لَهَا أَفَاصِيصُ يَطُولُ شَرْجُهَا مَعَ أَخِيهِ جَعْفَرٍ وَطَالَ بَيْتُهُ إِتَاهَا بِمِيرَاثِهِ وَ سَعَايَتُهُ بِهَا إِلَى السُّلْطَانِ وَ كَشَفُهُ مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِسِتْرِهِ فَأَدْعَتْ عِنْدَ ذَلِكَ صَقِيلَ أَنَّهَا حَامِلٌ فَحَمِلَتْ إِلَى دَارِ الْمُعْتَمِدِ فَجَعَلَ نِسَاءُ الْمُعْتَمِدِ وَ خَدَمُهُ وَ نِسَاءُ الْمُؤَقَّي وَ خَدَمُهُ وَ نِسَاءُ الْقَاضِي ابْنِ أَبِي السَّوَارِبِ يَتَعَاهَدْنَ أَمْرَهَا فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ يُزَاعُونَ إِلَى أَنْ دَهَمَهُمْ أَمْرُ الصَّغَارِ وَ مَوْتُ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى بْنِ خَاقَانَ بَغْتَةً وَ خُرُوجَهُمْ مِنْ سُرْمَنْ رَأَى وَ أَمْرُ صَاحِبِ الزُّنْجِ بِالْبَصْرَةِ وَ غَيْرُ ذَلِكَ فَسَعَلَهُمْ ذَلِكَ عَنْهَا.

۲. در کافی روایتی است درباره «امه نوبیه» که درباره مادر گرامی امام جواد علیه السلام است و برخی پژوهشگران آن را بر مادر امام زمان علیه السلام تطبیق داده‌اند.

۳. این قول را در میان اقوال مختلف ذکر کرده ولی خود بدان توجه نمی‌کند.

نک: پژوهشی نودر مادر امام زمان، طیبی

یادآوری این نکته نیز بجاست که در تاریخ ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم برخی اختلاف‌ها در نظریه‌ها دیده می‌شود که گزارش آن چنین است:

نظریات پیرامون تاریخ ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف			
سال	ماه	روز	منبع
۲۵۴ ق	رمضان	اول	کمال الدین، ج ۲
۲۵۵ ق	شعبان	هشتم یا پانزدهم	تاریخ قم، کافی، کمال الدین، الغیبه طوسی
۲۵۶ ق	شعبان	هشتم	کمال الدین، الغیبه، کافی
۲۵۷ ق	شعبان	هشتم یا پانزدهم	دلائل الامامه، هدایه الکبری،
۲۵۸ ق	ربیع الاول	نهم	تاریخ میافارقین، تاریخ اهل البیت، هدایه الکبری

البته در بیان این نظریه‌ها، نظریه سال ۲۵۵ ق پذیرفته می‌شود، چرا که هم در میان علماء و مورخین شیعه مشهورتر است و هم از جهت گاه‌شماری تاریخی تطابق بیشتری دارد بویژه از جهت حاکمیت حکومت وقت و حساسیت خلیفه عباسی نسبت به ولادت موعود. المهدی بالله در سال ۲۵۵ ق به خلافت رسید و در سال ۲۵۶ ق به دست ترکان کشته شد؛ پس ولادت حضرت در بهترین وضعیت در بحران سیاسی این خلافت کوتاه مدّت می‌تواند باشد؛ با این حساب قرار داشتن تولّد آن حضرت قبل از ۲۵۵ ق و بعد از ۲۵۶ ق از نشانه‌ها و تحلیل‌های تاریخی به دور است؛ ضمن این که نزدیک‌ترین نظریه رویداد تولّد کتاب «اثبات الرجعه» از فضل بن شاذان نیشابوری است؛ وی از محمّد بن علی بن حمزه علوی از امام حسن عسکری علیه السلام تولّد امام را نصف شب پانزدهم شعبان و به هنگام طلوع فجر سال ۲۵۵ ق ذکر می‌کند.

اینک با گزارش‌هایی که درباره مادر و تولّد امام موعود داده شد، گاه‌شمار اجمالی زندگانی حضرت نرجس خاتون، مبتنی بر قرائت مشهور چنین خواهد بود:

گاه شمار زندگانی مادر حضرت حجت^ع عجل الله تعالی فرجه الشریف



اطاعت محسوس

فصل دوم

بسترهای انسانی و تاریخی و جغرافیایی ولادت امام مهدی^ع

۱. نک: پژوهشی نو درباره مادر امام زمان^ع، ناهید طیبی
۲. به دلیل آن که آزادی او پس از مرگ ابن ابی الشوارب در سال ۶۱، جنگ خلیفه با یعقوب لیث صفاری در سال ۶۲، مرگ عبیدالله بن فتح بن خاقان در سال ۶۳ و اوج گیری فتنه صاحب الزنج در همان سال، صورت گرفت، پس آزادی او در اوائل سال ۶۲۳ ق بوده است.

نقشه سفرهای مادر حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف



جغرافیا و گاه‌شمار احتمالی اسارت مادر امام موعود در جنگ‌های مسلمانان و رومیان

سال نبرد	مکان نبرد ^۱	روایت کننده نبرد
۲۴۷ ق	سرقوسه	ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۱۰۶.
۲۴۸ ق	فتح قلعه فرووریه	ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۱۱۱.
۲۴۹ ق		ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۱۰۸.
۲۵۱ ق	فتح مظموره	ابن اثیر، الکامل، ص ۱۶۵.
۲۵۳ ق	سواحل جنوا و سرکونه (ظاهرا همان سرقوسه)	شکیب ارسلان، تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا، ترجمه علی دوانی، ص ۳۸۲ و ۳۸۳.

۱. یادآوری: بیشترین مناطق، در ترکیه امروزی قرار داشته و به صورت خطی مورب از سمت مرزهای شمال غربی سوریه به سوی سواحل شمال شرقی دریای سیاه کشیده شده بود؛ سرزمین‌هایی که در این سال‌ها بین مسلمانان و رومیان بارها دست به دست گردید.

۲-۳. سامراشناسی:

پیدایش اسلام باعث پی‌ریزی تمدن جدیدی در منطقه خاورمیانه گردید و بازتاب تمدن اسلامی نقل و انتقال‌های جمعیتی به اقتضای تعریف اماکن مقدس و یا ایجاد مراکز سیاسی و یا نظامی و یا اجتماعی جدید بود؛

بدین جهت در سه قرن اول هجری قمری که حد فاصل پیدایش اسلام تا تولد امام موعود است، شاهد پیدایش شهرهای اسلامی گوناگونی هستیم که اولین آنان مدینه‌النبی و آخرینش شهر سامراست؛ در این مرحله با زمانه و جغرافیای پیدایش، چرایی پیدایش، تحولات تاریخی، جایگاه شیعه و... در این شهرهای جدید آشنا می‌گردیم؛ یادآور می‌گردد این آشنایی برای فصل بعدی گاه‌شماری رویدادها و شخصیت‌شناسی و وضعیت‌شناسی جهان اسلام، ضروری است:

شهرهای نوپدید اسلام و بازتاب آن‌ها بر تاریخ امامت و جامعه شیعه

قم

۹۱ سال

بنیانگذار شیعیان مهاجر اشعری

چرایی ایجاد شهری شیعی نشین

امامان شیعه

هجرت حضرت معصومه علیها السلام به قم (۲۰۱ ق)

گاه شمار

*پیدایش و رشد تدریجی شهر در اوائل قرن اول
*استقلال اداری از استان اصفهان در زمان هارون
*فشارها و تبعیض‌های شدید در اواخر خلافت مأمون با هدف تضعیف شیعه شهر

جامعه شیعه

*تنها شهر شیعه نشین در جهان اسلام در قرن دوم و سوم
*پیدایش تدریجی مدرسه‌های علمی آن از اواخر دوران امام صادق علیه السلام
*فشارهای مأمون و رخداد یک سری قیام در نیمه اول قرن سوم در زمان امام جواد علیه السلام (دو قیام) و امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام (یک قیام)

واسطه

۸۴ سال

بنیانگذار حجاج ثقفی

چرایی مرکزی بین کوفه و بصره جهت اشراف بر جنوب عراق

امامان شیعه

هیچ امامی در این شهر ساکن نبوده است.

گاه شمار

*شهری برپایه عداوت اهل بیت علیهم السلام از پیدایش تا اوائل عباسیان
تعدیل جمعیتی و فکری در اواخر قرن دوم

جامعه شیعه

امام رضا علیه السلام و اسکان دادن یکی از یارانش (بشار واسطی) در این شهر و توصیه به او برای ترویج محبت اهل بیت علیهم السلام در این شهر

بصره

۱۶ سال

بنیانگذار خلیفه دوم

چرایی اسکان اعراب جنگاور فتوحات

امامان شیعه

*امام علی در بصره و شهادت آنان (۳۶ ق)
*تبعید موقت امام کاظم به بصره (۱۷۹ ق)
*امام رضا در مسیر سفر خراسان (۲۰۰ ق)

گاه شمار

رخداد جنگ جمل (۳۶ ق)

جامعه شیعه

از آغاز اقلیتی شیعی در این شهر ساکن شد ولی جنگ جمل و بعد سیاست‌های امویان، آن را به شهری غیر شیعی تبدیل کرد؛ اگر چه همواره شیعیان و حتی عده‌ای از بزرگان شیعه ساکن بصره بودند.

ساحرا
سال ۲۱۸

بنیانگذار معتصم هشتمین خلیفه عباسی

چرایی پایتختی برای اسکان لشکر عظیم عباسی

گاه شمار	امامان شیعه
* پایه گذاری در فاصله سال ۲۱۸ تا ۲۲۱ ق	اقامت اجباری امام هادی (ع) از سال ۲۳۴ ق تا زمان شهادت در سال ۲۵۴ ق
* پایتختی عباسیان در فاصله ۲۲۱ تا ۲۷۴ ق	امامت ۶ ساله امام عسکری (ع) تا ۲۶۰ ق در این شهر
	* تولد امام زمان (ع) در ۲۵۵ ق

جامعه شیعه

* سامرا به علت هویت نظامی اش هیچگاه محل سکونت شیعیان نگردد.

* اقامت عثمان بن سعید سروکیل عسکرین (ع) هم در پوشش تقيه و شغل روغن فروشی بود.

در زمان اقامت عسکرین (ع)، این شهر محل رفت و آمد پراکنده شیعه و اقامت تعداد بسیاری اندک از آنان بود.

* پس از آغاز غیبت صغری عثمان بن سعید با هجرت به بغداد مرکز رهبری شیعه را به آنجا منتقل کرد و سامرا برای شیعه تنها جایگاه زیارتی یافت.

بغداد
سال ۱۴۵



بنیانگذار سلمان فارسی به دستور خلیفه

چرایی مهاجرت و اسکان قبایل عرب فتوحات

گاه شمار	امامان شیعه
* از مراکز قیام بر علیه خلیفه سوم	* پایتخت خلافت امام علی (ع)
* مهمترین شهر عراق در تمامی تحولات قرن اول	* حادثه کربلا
* به حاشیه رفتن این شهر پس از پیدایش بغداد	* پایتختی خلافت مختار
* تبدیل شدن این شهر به یکی از مراکز پیوسته قیام های زیدیه در قرن دوم ق	* مرکز قیام زید
	* پایتختی موقت خلافت عباسی
	* به حاشیه رفتن پس از پیدایش بغداد

جامعه شیعه

* اسکان بیشترین قبایل و شخصیت های شیعه در زمان پیدایش حضور پیوسته شیعه

* فشارها و یحران های شیعه در فاصله خلافت معاویه تا حجاج ثقفی

* ایجاد مدرسه علمی شیعه از سال ۸۰ تا ۱۵۰ ق

* پیدایش شهرهای بغداد و نجف و کمرنگ شدن نقش شیعه کوفه

کوفه
سال ۱۷

مدینه
سال اول

بنیانگذار پیامبر (ص)

چرایی پایه گذاری شهر و تمدن اسلامی

گاه شمار	امامان شیعه
* پایتخت اسلامی تا سال ۳۶ ق	امامان شیعه تا زمان امام هادی (ع) در این شهر ساکن بودند.
* شهری مذهبی در تاریخ اسلام	
* اسکان پیوسته امامان در آن تا زمان تبعید امام هادی در سال ۲۳۴ ق	

جامعه شیعه

با وجود رفت و آمد گسترده شیعیان با هدف دیدار امامان و با وجود مدرسه علمی باقرین، این شهر هیچ گاه گرایش اهلیتی پیدا نکرد.



درباره شهر سامرا:

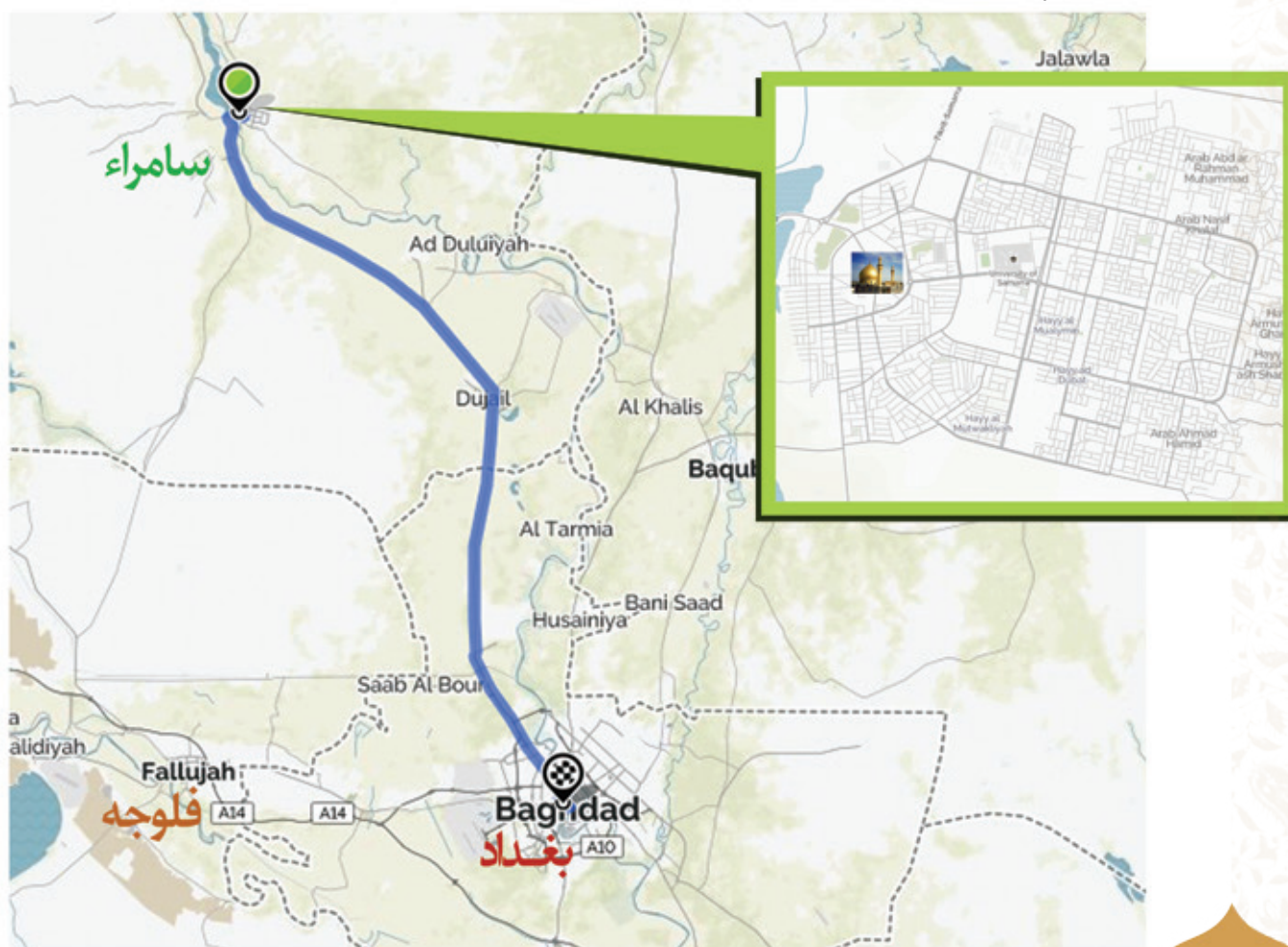
سامرا (به عربی: سامراء) یکی از شهرهای بزرگ استان صلاح الدین در عراق است که در بخش شرقی رود دجله در فاصله ۱۲۵ کیلومتری شمال بغداد واقع است. سامرا برای مسلمانان شیعه اهمیت مذهبی دارد؛ این شهر یکی از شهرهای مذهبی عراق به شمار می‌رود؛ مدفن دوتن از امامان شیعه یعنی امام حسن عسکری علیه السلام و امام علی النقی علیه السلام در آنجا قرار دارد و علاوه بر آن مهدی موعود علیه السلام نیز در این شهرزاده شده است.



اطهرت کربلا

فصل دوم /
بسترهای انسانی و تاریخی و جغرافیایی ولایت امام مهدی

حرم مطهر عسکریین امروزه در بخشی غربی و در اول مسیر ورودی شهر از سمت راه بغداد قرار دارد.



البته وسعت حرم مطهر کنونی و فاصله سرداب مقدس از مدفن عسکریین، می‌تواند ناشی از وسعت منزل و یا تعدد منازل باشد، چرا که در زندگانی امام عسکری علیه السلام تصریح شده است که پس از شهادت امام هادی علیه السلام، پیکر ایشان از منزل محل سکونت به یکی دیگر از منازل ایشان جهت تدفین منتقل شده است.

پس اگر در زمان امام هادی علیه السلام هم یک منزل برای اهل بیت علیهم السلام در سامرا بوده، ولی در زمان امام عسکری علیه السلام امکان اثبات دو منزل وجود دارد. این واقعیت امروزه خود را در وسعت حرم مطهر نشان داده است:



اطلاعات محسوس

فصل دوم

بسترهای انسانی و تاریخی و جغرافیایی ولادت امام مهدی علیه السلام

نکته دیگری که درباره منزل عسکریین علیهم السلام باید دانست موقعیت جغرافیایی آن در شهر سامرای تاریخی است. چرا که شهر کنونی سامرا در جنوب شهر تاریخی سامرا قرار دارد:



از این جهت می‌توان حدس زد که محل اقامت امامان در آن زمان در حومه شهر بوده است. بویژه که در منطقه تاریخی سامرا شهرک متوکلیه بود که متوکل عباسی آن را ساخت و مناره متوکل امروزه در شمال شهر کنونی بازمانده آن است.

البته در منابع تاریخی آمده است که امام هادی علیه السلام در روز ورودش به سامرا به دستور متوکل در محله و کاروانسرای درماندگان (خان صعالیک) اقامت داده شد و پس از آن، امام را در خانه‌ای مناسب اسکان دادند. می‌توان حدس زد که منزلی که پس از خان صعالیک انتخاب شد در کنار شهر و مکانی برای مراقبت بیشتر انتخاب شده باشد. شاهد این مدعا گزارش‌هایی است که در زندگی امام عسکری علیه السلام وجود دارد و تقریباً تمامی موارد رفت و آمد امام به قصر خلفای عباسی (از جهت الزام حضور در روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه) سوار بر مرکب صورت می‌گرفت؛ گویا امام برای رفتن به قصر خلیفه باید عرض شهر را عبور می‌کرده است.

از دیگر شواهد قرار داشتن منزل در حومه شهر، ادعای وجود شکل هندسی خانه در خانه و یا سرداب‌های تودرتو و بعضاً مخفی در برخی از گزارش‌هاست.^۱ بویژه که در برخی از حکایات از سهولت دسترسی امام به بیابان‌های اطراف شهر گزارش شده است.^۲ بدین جهت منزل امام از سمت غرب در نزدیکی رود دجله و از سمت شمال به شهر متصل و از سمت جنوب و یا شرق به بیابان راه داشته است.

البته دور سازی امام از محدوده مرکزی شهر وضعیتی ایده آل برای دستگاه خلافت بود تا دامنه اثرگذاری امام بر مردم کاهش یافته و یا رفت و آمدها به منزل امام به صورت بهتری زیر نظر گرفته شود.

۱. ترجمه الإرشاد ص ۶۴۸: روز ورود آن حضرت خود را مخفی ساخته حضرت ناچار در کاروانسرائی که محل بی‌کسان بود و خان الصعالیک نامیده می‌شد نزول فرمود و یک روز آنجا بسربرد متوکل روز بعد، شرمند شده دستور داد منزلی برای آن حضرت مقرر کرده و حضرت آنجا تشریف برد.

۲. موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، الخزعلي ج ۲ ص ۱۳، از هدایه الکبری، الخصیبي، ... مضیت مع الخادم، و أنا خائف حتی انتهى بی إلى باب عظیم، و دخل من دهليز إلى دهليز، و من دار إلى دار حتى تخيل لي أنها الجنة. ثم انتهيت إلى شخص جالس و: موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، الخزعلي ج ۲ ص ۱۴: رشيق حاجب المادرائي، قال: بعث إلينا المعتضد ... وقال: ألحقوا بسامراء، و اکبسوا دار الحسن بن عليّ عليهما السلام ... فكبسنا الدار كما أمرنا، فوجدنا داراً سرية ... وإذا سرداب في الدار الأخرى . موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، الخزعلي ج ۲ ص ۱۷: قال أبو هاشم: إن أبا محمد عليه السلام ركب يوماً إلى الصحراء، فركبت معه، فبينما نسير وهو قدامي وأنا خلفه ...

۲-۴. شیعه شناسی از آغاز تا آستانه میلاد موعود:

سخن گفتن از اطلس مهدویت در نیمه قرن سوم هجری، بدون آگاهی از پیشینه تشیع در بستر رویدادهای تاریخی و اجتماعی امری ناقص و ابتر است، چرا که نیمی از مباحث مهدویت در این زمان سنجش میزان انتظار ولادت و یا فرایند انتقال اخبار و یا میزان استقبال از مسئله ولادت و امامت و... است، بدین جهت در این مرحله به صورت اجمال با گاه‌شمار شیعه در سه قرن اول آشنا می‌شویم:

شیعه به معنی پیرو است و در اصطلاح تاریخی به معنی معتقدان به امامت امام علی علیه السلام است، این اعتقاد در آغاز، ریشه در دعوت و تبلیغات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مدینه و پذیرش آن از سوی برخی از صحابه داشت. پس نقطه پیدایش تشیع در مدینه و زمانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و در طبقه صحابه است. برای آگاهی از فرایند ۲۵۰ ساله تاریخ تشیع به جدول زیر توجه فرمایید:^۱

گاه شمار تاریخی شیعه

زمانه	وضعیت فکری	وضعیت اجتماعی	جریان‌های همسو و یا ریزش‌ها
دوران خلافت ۲۵ ساله خلفای سه‌گانه	در این زمان جمعی از صحابه که تربیت یافتگان خاص پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، هسته تشیع اعتقادی خالصانه را تشکیل می‌دادند، ولی در یمن و برخی قبایل دیگر هم زمینه‌های محبت به اهل بیت علیهم السلام وجود داشت.	هسته اجتماعی صحابی شیعی مدینه بود و آنان در دوران خلافت از مناصب سیاسی محروم بودند، ولی شروع گسترده فتوحات، حاکمیت را ناچار به همکاری با آنان کرد و هجرت آنان به مناطق دیگر و بویژه کوفه زمینه‌ساز ترویج محبت عمومی نسبت به امام در جامعه شد.	ترکیب اجتماعی اقامت قبایل غیر متعصب و برخی از خواص شیعه در شهرهایی همانند کوفه و یا خواص شیعه با گروه موالیان، بستر ساز جریان شیعه عراقی شد: یعنی مسلمانان سنی محب اهل بیت علیهم السلام و طالب عدالتی که اهل بیت علیهم السلام پیامبر صلی الله علیه و آله تعریف می‌کردند و خواهان حاکمیت سیاسی آنان به عنوان خلیفه بودند.
خلافت پنج ساله امام علی علیه السلام	در این زمان ترکیب تشیع اعتقادی و تشیع عراقی، بستر ساز خلافت امام بود ولی عدم آمادگی و تحمل شیعه عراقی برای شرایط تکلیف‌گرایی پیوسته زمینه بحران‌ها و ریزش‌ها را فراهم آورد.	هسته اجتماعی شیعه در این زمان شهر کوفه بود و اگر جنگ طولانی مدت و سخت صفین رخ نمی‌داد، زمینه برای توسعه جریان اجتماعی شیعی و نهادینه شدن تدریجی فرهنگ شیعی آماده می‌شد ولی شهادت بسیاری از خواص و عوام و سست شدن کوفیان، موجب گسست و شکاف اجتماعی پایانی گردید.	در پایان این دوران شیعه عراقی دور افتاده از راهبری خواص با بصیرت، خود را ناکارآمد و سست عنصر نشان داد تا در نتیجه، زمینه‌های تشیع ناب در این جریان روندی تضعیفی داشته باشد.



دوران امامت حسین علیه السلام و خلافت معاویه	دوره اختناق و تبلیغات ضد علوی؛ معاویه بیشترین ضربه را به تشیع نوپا در کوفه زد.	سیاست‌های کشتار خواص و کوچاندن اجباری برخی قبایل شیعی و ریاست دادن به سران دنیاپرست در قبایل شیعه و ... نظام قبایل شیعی را در کوفه سست و پراکنده ساخت.	در این مقطع با به حاشیه و انزوا رفتن تشیع عراقی و غلبه فرهنگ اموی و خارجی‌گری و یا سکوت و قعود، کمتر جریان اجتماعی همسو با تشیع در جهان اسلام وجود ندارد.
عاشورا	اوج نقطه تقابل فکری حق و باطل	اقلیت شدید شیعه را ستین	واهمه و کناره‌گیری روسا و بدنه اجتماعی شیعه عراقی متلاشی شده
دوران امامت امام سجاد علیه السلام و دوران آشفته آغازین مدعیان خلافت و آنگاه دوره اختناق حجاج ثقفی	انحصار تشیع به اهل بیت و چند نفر اندک و تلاش امام برای احیای اندیشه و فرهنگ شیعه بر مبنای ارزش‌های حماسی و مظلومیت حادثه کربلا.	جذب تدریجی استعدادهای پاک و سرخورده از جریان‌های همسو و پی‌ریزی دوباره تشیع در عراق با محوریت کوفه توسط آنان.	جریان‌های مدّعی اما مستقل تشیع احیا شده بر بستر خونخواهی عاشورا همانند توابین و کیسانیه که از بستر ناکارآمدی و افول زود هنگام آنان برخی زمینه‌ها برای احیای تشیع فراهم شد.
دوران باقرین علیه السلام و تغییر خلافت	باز طراحی تشیع در قالب مکتبی فکری- فرهنگی و مبتنی بر سبک زندگی عالمانه و برآمده از معارف اهل بیت علیهم السلام .	طراحی مدل تبلیغی برای تشیع بر محور یاران تربیت شده و عالم و متقی و مومن، بدین جهت جامعه در حال شکل‌گیری جدید در کوفه و به تدریج در مناطق مجاور، به جای شیعه عاطفی، شیعه‌ای جامع شور و شعور و سبک زندگی دینی تعریف شده و عالمانه و مستقل بود.	اهتمام امامان شیعه بر فاصله‌گیری از مدعیان همسو و به‌مانند کیسانیه و زیدیه و غالیان و ... و تأکید بر ضرورت پالایش مکتب و جامعه شیعه از التقاط در ضمن همزیستی محترمانه با همه فرقه‌های به ظاهر اسلامی.



دوران گسترش و شکوفایی (از امام کاظم علیه السلام تا امام جواد علیه السلام)	فعال سازی یاران علمی شیعه در دو ساختار وکلا و یا علمای منطقه، جهت ترویج و نهادینه سازی ساختار سیاسی ولایت محوری	جغرافیای تشیع در این زمان به علت گستردگی یاران علمی امامان و مهاجرت آنان به سراسر جهان اسلام گسترش یافت و به سرعت از عراق وارد ایران و مناطق مجاور شد. و هر جا عالمی شیعی مستقر می شد خیلی زود بر محور دانش و اخلاق او هسته اولیه گروه شیعه شکل می گرفت.	جریان انحرافی واقفیه، بستری بود برای امامان شیعه تا نشان دهد که زمینه برای ریزش همیشه هست و در صورت رخداد بحران با استفاده از مبانی علمی و ساختار اجتماعی درست، می توان خیلی به دفع فتنه پرداخت.
دوران آمادگی برای مواجهه با مهدویت و غیبت (دوران عسکریین علیهم السلام)	مسئله امامت در کودکی و نهادینه شدن سازمان وکالت نقطه اوج بلوغ معرفتی جامعه شیعه در زمینه ولایت محوری بود و نشان داد آنان آماده ورود به دوران غیبت هستند.	در این زمان شیعه در مناطق مختلف جهان اسلام مانند عراق و ایران و مصر و قفقاز و یمن و... دارای جوامع شیعه نشین بود. و حتی در بغداد پایتخت جدید عباسیان محله های بزرگ شیعی ایجاد کرد. و تمامی این جوامع با کمک سازمان واسطه ای وکالت با امامان در ارتباط بود.	در این زمان تشیع به علت مراقبت های ۲۵۰ ساله، ضمن رشد و بلوغ، از هرگونه التقاط و انحرافی دور بود و هویت فکری و اجتماعی و فرهنگی مستقل خود را داشت.

مشاهده این جدول در کنار جدول گاه شماری ادوار تحلیلی تاریخ امامت نشان می دهد که امامان شیعه در بستر زمانی ۲۵۰ ساله چه زحمات فراوانی برای طراحی و عمق بخشی جوامع شیعی داشتند و در آغاز اگر به علت گستردگی هجوم های دستگاه خلافت و فتنه های پیاپی، مجال کافی برای طراحی هویت استقلالی جامعه شیعه را نداشتند، ولی سرانجام این مهم را در دوره پسا عاشورا و بر بستر ظرفیتهای عاشورایی محقق ساختند؛ و آنچه در این دوره یاری گرامامان در ایجاد هویت استقلالی تشیع بود، سازمان وکالت است؛ سازمانی که در مسئله ولادت و غیبت امام موعود وظایف سنگینی را به عهده گرفت و از مأموریت های محوله با سربلندی بیرون آمد؛ بدین جهت در اینجا مناسب است پیشنهاد سازمان وکالت و فرایند رشد و گسترش آن را در بستر مقطع زمانی ۱۵۰ ساله مطالعه نماییم:

گاه شمار سازمان وکالت

از آغاز تا آستانه غیبت صغری



وکلا

۱. مفضل بن عمر جعفی - مدینه
۲. عبد الرحمن بن حجاج - بغداد
۳. عبد الله بن جندب - اهواز و بصره
۴. علی بن یقطین - بغداد
۵. اسامة بن حفص - مدینه
۶. ابراهیم بن سلام نیشابوری - نیشابور
۷. یونس بن یعقوب - کوفه
۸. اعلی بن ابی حمزه بطائنی - کوفه
۹. زیاد بن مروان قندی - عراق - بغداد
۱۰. احمد بن ابی بشر سراج - عراق - بغداد
۱۱. عثمان بن عیسی رواسی - مصر
۱۲. منصور بن یونس بزرج - عراق
۱۳. حیّان سراج - کوفه

باب و سر وکیل

مفضل بن عمر جعفی (مدینه)

محمد بن سنان (مدینه)

امام کاظم

۱۳ وکیل

امام صادق

۶ وکیل

باب و سر وکیل

مفضل بن عمر - (مدینه)

محمد بن مفضل بن عمر - (مدینه)

وکلا

۱. مفضل بن عمر جعفی - مدینه
۲. عبد الرحمن بن حجاج - عراق - بغداد
۳. حمران بن اعین - عراق - کوفه
۴. معلى بن خنیس - مدینه
۵. نصرین قابوس لخمی - مدینه
۶. محمد بن سنان - کوفه

اطاعت و شکر

گاه شمار سازمان وکالت

از آغاز تا آستانه غیبت صغری

وکلا

۱. عبد الرحمن بن حجاج - بغداد
۲. زکریا بن آدم - قم
۳. صفوان بن یحیی - عراق
۴. محمد بن سنان - مدینه
۵. عبد العزیز بن مهتدی - قم
۶. علی بن مهزیار اهوازی - اهواز
۷. ابو عمرو حدّاء - بصره
۸. صالح بن محمد بن سهل - قم
۹. یحیی بن ابی عمران - قم
۱۰. ابراهیم بن محمد همدانی - همدان (ایران)
۱۱. علی بن ریان بن صلت قمی - قم
۱۲. محمد بن فرج - عراق
۱۳. ابو هاشم داوود بن قاسم جعفری - بغداد

باب و سر وکیل

- هشام بن ابراهیم عباسی - (مدینه)
- محمد بن راشد - (مدینه)
- عمر بن فرات - (مدینه)

امام جواد علیه السلام ۱۳ وکیل

باب و سر وکیل

- عمر بن فرات - (مدینه)

امام رضا علیه السلام ۱۰ وکیل

وکلا

۱. عبد الرحمن بن حجاج - بغداد
۲. صفوان بن یحیی - عراق - کوفه
۳. ابراهیم بن سلام نیشابوری - نیشابور
۴. عبد العزیز بن مهتدی - قم
۵. علی بن مهزیار اهوازی - اهواز
۶. عبد الله بن جندب - اهواز و بصره
۷. فضل بن سنان - نیشابور
۸. ابو علی حسن بن راشد - عراق
۹. علی بن ریان بن صلت قمی - قم
۱۰. هشام بن ابراهیم عباسی - مدینه

اطاعت محکوم

فصل دوم

بسترهای انسانی و تاریخی و جغرافیایی ولادت امام مهدی

وکلا

۱. عثمان بن سعید عمری - سامراء
۲. احمد بن اسحاق قمی - قم
۳. محمد بن احمد بن جعفر قمی عطار قطن - قم
۴. قاسم بن علاء آذربایجانی - آذربایجان
۵. علی بن جعفر همدانی - عراق - بغداد
۶. ابراهیم بن عبده - نیشابور
۷. ایوب بن ناب - نیشابور
۸. حسین بن نصر قمی - قم
۹. أبو صدام - قم
۱۰. ایوب بن نوح - عراق + کوفه
۱۱. عروۃ بن یحیی دهقان - بغداد و مدائن
۱۲. ابوطاهر محمد بن علی بن بلال بلالی - عراق - بغداد
۱۳. ابراهیم بن مهزیار اهوازی - اهواز
۱۴. علی بن مهزیار اهوازی - اهواز
۱۵. ابراهیم بن محمد همدانی - همدان (ایران)
۱۶. محمد بن صالح همدانی - همدان (ایران)
۱۷. ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی رازی - ری
۱۹. احمد بن هلالی کرخی عبرتائی - بغداد
۲۰. محمد بن احمد بن حماد مروزی محمودی - مدینه

باب و سر وکیل

عثمان بن سعید عمری - (سامراء)

امام عسکری
۲۱ وکیل

باب و سر وکیل

عثمان بن سعید عمری - (سامراء)

امام هادری
۱۴ وکیل

وکلا

۱. ایوب بن نوح - کوفه
۲. علی بن جعفر همدانی - سامراء
۳. فارس بن حاتم قزوینی - سامراء
۴. علی بن ریان بن صلت قمی - قم
۵. علی بن حسین بن عبد ربّه - مدائن
۶. ابو علی بن راشد - عراق - بغداد
۷. علی بن مهزیار اهوازی - اهواز
۸. ابراهیم بن مهزیار اهوازی - اهواز
۹. ابراهیم بن محمد همدانی - همدان
۱۰. محمد بن فرج - عراق
۱۱. احمد بن اسحاق قمی - قم
۱۲. عثمان بن سعید عمری - سامراء

اطهت کبر

با وضعیت رو به رشدی که از جهت جغرافیایی و آماری از سازمان وکالت مشاهده می‌گردد، می‌توان نشان و تلاش‌های ارزنده‌ای از سازمان وکالت در گستره فزاینده تشیع در مسئله مهدویت از ولادت تا امامت یافت. تفصیل گزارش‌های تحلیلی سازمان وکالت پس از گاه شمار تفصیلی ارائه می‌گردد.



جغرافیای شیعه در زمانه امامت امام عسکری علیه السلام

- مناطق پرجمعیت شیعی
- مناطق کم جمعیت شیعی

براساس گزارش‌هایی که از دیدارهای شیعه با امام در دوران امامتش صورت می‌گیرد؛ در این زمان، مناطق مرکزی عراق در مثلث کوفه - بغداد - مدائن، جمعیت قابل توجهی از شیعیان را دارد. در جنوب عراق هم محور بصره - اهواز، شیعیان قابل ذکری دارد، اگرچه فتنه صاحب الزنج باعث کم رنگی موقت آن می‌گردد. در ایران هم در کنار شهر شیعی قم، از همدان و ری و نیشابور و منطقه آذربایجان گزارش‌های فراوانی مشاهده می‌گردد، اگرچه در اکثر این مناطق تشیع در اقلیت است.

اطلاعات

فصل دوم

بسترهای انسانی و تاریخی و جغرافیایی ولادت امام مهدی



جغرافیای سازمان وکالت:

وکیل اول امام



وکلائی دیگر امام



مدینه

در این زمان وکیل اول امام در سامراست و پس از آن وکلای درجه بعد در بغداد و همدان و ری حضور دارند. وکیل ری بر وکلای خراسان اشراف دارد، وکیل همدان بروکلای آذربایجان. وکلای بغداد هم بر وکلای منطقه سواد عراق نظارت دارند.



فصل سوم

گاه شمار مهدویت
در دوران امامت امام عسکری علیه السلام

پیش در آمد:

دوران امامت امام عسکری از سال ۲۵۴ تا سال ۲۶۰ ق است که مصادف با خلافت سه خلیفه عباسی به شرح زیر است:.

سال	۲۵۴	۲۵۵	۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰
خلیفه	معز	مهدی	معز	مهدی	معز	مهدی	معز

و از آنجا که میلاد موعود در نیمه سال ۲۵۵ ق رخ داده، بدیهی است که پیش زمینه از رویدادهای مرتبط با ولادت موعود در سالهای پیش از آن رخ داده باشد، بدین جهت در جدولی به عنوان پیش زمینه‌ها به گاه شمار رویدادهای مهم در دوران امام هادی علیه السلام که مرتبط باشند، اشاره می‌گردد.

در ضمن تأکید می‌گردد که در جدول‌های گاه‌شماری ذیل، بسیاری از رویدادهای مرتبط با زندگانی امام عسکری علیه السلام مورد مطالعه قرار گرفته است، چرا که برای فهم و تحلیل رویدادهای مهدویت در این دوران هم نیاز به فهم وضعیت کلی زمانه بود و هم برای کشف چرایی و چیستی یک رفتار امام عسکری علیه السلام، نیاز به فهم بسیار از رویدادها بود؛ به عنوان نمونه سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریتی امام در مورد سازمان وکالت که عمده‌تاً در سال پایانی رخ می‌دهد، شاید هیچ ارتباطی با بحث مهدویت نداشته باشد، ولی وقتی بدانیم که قرار است راهبری شیعه در مسئله انتقال به دوران غیبت صغری به عهده این سازمان باشد، در این صورت تمام رویدادهای کلی و جزئی این سازمان مهم می‌گردد.

یادآوری: روش شناسی فرمی و محتوایی:

برای سهولت در مطالعه جدول‌های ذیل به دو نکته باید توجه داشت:

الف: نکته محتوایی:

در این اثر منبع استخراج گاه‌شماری رویدادها مستند به گزاره‌های مستقیم در احادیث و یا قرائن دال بر آن بوده است. مهمترین راه برای کشف نشانه‌ها و قرینه‌ها، تلاش برای تطبیق زمان حیات و ممات شخصیت‌ها با رویدادها و یا نسبت سنجی رویدادهای موازی و یا مشابه بوده است. به عنوان نمونه وقتی زمان خلافت خلیفه‌ای و نوع مدیریت باز و یا بسته او معلوم می‌گردد و زمان زندان و یا آزاد بودن امام هم کشف می‌شود، در این صورت زمان رفت و آمد شخصیت‌ها و رویدادهای آنان با این دو عنصر مهم سنجیده می‌گردد. بدین جهت می‌توان ادعا کرد که نزدیک به هشتاد درصد از موارد گاه‌شماری‌ها نزدیک به واقع است؛

البته به علت محدودیت‌هایی که برای پژوهش در نظر گرفته شده بود، مجال استخراج زندگینامه تفصیلی شخصیت‌های مهم سفید و سیاه و تطبیق آن با این دوران فراهم نگردید، ولی مطالعه کلیت این اثر می‌تواند مبتنی بر نگاه‌های بینارشته‌ای و با در نظر گرفتن پیش فرض‌های کلامی شیعی، بستر ساز استخراج نکات تحلیلی فراوان تاریخی و اجتماعی و مدیریتی و... باشد. از جهت محتوایی نکته‌ای دیگر که باید بدان توجه داشت مسئله منابع این گاه‌شماری است؛ در این اثر با وجود مراجعه به منابع متعدد و مرجع اولیه مهدویت شامل کمال الدین و الغیبه شیخ طوسی و الغیبه نعمانی و...، ولی در آدرس دهی‌های بیشتر بر کتاب «موسوعه الامام العسکری (علیه السلام)» منتشر شده از سوی مؤسسه ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استناد شده است، چرا که این موسوعه تلاشی ارزشمند و جامع از جهت جمع آوری اکثر قریب به اتفاق روایات مرتبط به آن حضرت از منابع پیشین است، جامعیت و استناد این اثر و موجود بودنش در نرم افزارهای اسلامی، دلیل این گزینش است. ضمن این که اکثر پاورقی‌های نقل شده از موسوعه هم از کمال الدین، الغیبه و یا هدایه الکبری است.

ب. نکته فرمی:

اطلاعات ارائه شده، گزارشی کوتاه و جامع از رویدادها به زبان فارسی است که در جدول گاه‌شماری قرار گرفته‌اند. جدول‌ها جدولی سه خانه است که به سه گونه از رویدادها می‌پردازد که عبارت از رویدادها و یا شخصیت‌های سفید و سیاه و خاکستری^۱ هستند؛ در ضمن در پاورقی تلاش شده است منبع بیشتر رویدادها به صورت مستند آورده شود. این رویداد از این جهت است که ارزش علمی-پژوهشی این اثر برای علاقمندان حوزوی-دانشگاهی فزونتر شده و بیشتر جای گذاری‌ها از جهت گاه‌شماری مستند گردد.

۱. منظور از خاکستری، جریان‌ها و یا شخصیت‌های شیعی و یا معتدل اسلامی‌ای هستند که در موقعیتی خاص دچار لغزش شده ولی در نهایت در مسیر حق بوده‌اند. همانند تمام شاگردان علمی‌ای که گاه نسبت به برخی از احکام به ائمه معترض می‌بودند و یا در آغاز امامت برخی از ائمه دچار شک و شبهه بوده ولی در نهایت به صراط مستقیم باز می‌گشته‌اند.



شرفیابی نائب

عثمان بن سعید (نائب اول امام مهدی علیه السلام) در یازده سالگی در مدینه به خدمت امام هادی علیه السلام درآمد (او در حوالی سال ۲۰۹ در قبیله بنی اسد متولد گردیده بود).

۲۲۵

هجری قمری

۲۲۶

هجری قمری

رویدادهای پیش زمینه

ولادت جعفر

حضرت امام هادی علیه السلام از تولد فرزندش جعفر، خوش حال نبود و نسبت به سرنوشت وی، نظر مثبتی نداشت و هنگامی که علت این امر را از ایشان جویا شدند آنچنان که در روایت کشف الغمّه اربلی آمده به زنی که نگاه و حرکت او را می پایید فرمود: او باعث ننگ تو می شود و خلق بسیاری را گمراه می سازد.^۱

ولادت امام عسکری علیه السلام

آن حضرت در ربیع الثانی - روز دهم^۲ یا هشتم^۳ یا چهارم^۴ - سال ۲۳۲ به نقل خطیب^۵ - ۲۳۱ چشم به جهان گشود و ۲۸ سال زندگی کرد.^۶

۲۳۲

هجری قمری

شروع خلافت متوکل

متوکل عباسی در آغاز این سال به خلافت رسید و تا سال ۲۴۷ ق بر این مسند تکیه زد.

۲۳۳

هجری قمری

نامه نگاری والی مدینه و امام جماعت حرمین علیه امام هادی

این نامه نگاری که توسط عبدالله بن محمد والی مدینه انجام شد علت احضار امام هادی علیه السلام به سامرا گردید.^۷

۲۳۳

هجری قمری

احضار امام هادی علیه السلام به سامرا

در این سفر امام عسکری علیه السلام نیز به همراه پدر وارد سامرا شد.

۲۳۴

هجری قمری

خلافت منتصر

ابوجعفر محمد بن جعفر المتوکل - یازدهمین خلیفه عباسی که پس از کشتن پدر، شش ماه پیش خلافت نکرد و در ابتدای سال ۲۴۸ ه. ق وفات نمود.

۲۴۷

هجری قمری

خلافت مستعین

پس از درگذشت منتصر، ابوالعباس احمد ملقب به مستعین از نواده های معتصم خلیفه پیشین عباسی با دستگیری ترکان بر تخت خلافت نشست. او یازدهای در دست ترکان بود. دوران خلافت مستعین تا سوم محرم سال ۲۵۲ ق ادامه یافت.

۲۴۸

هجری قمری

حضور ملیکا در منزل حکیمه

نرجس خاتون به منزل حکیمه؛ دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام عسکری جهت کسب معارف دینی وارد می شود.

۲۴۹

هجری قمری

ادامه

۱. زندگانی دوازده امام علیهم السلام ج ۲، ص ۵۵۹. (برخورد جعفر بن علی با برادرزاده خود حضرت مهدی (عج) ص: ۵۵۹)

۲. مسار الشیعة، ص ۳۰

۳. اعلام الوری، ص ۳۶۷

۴. مصباح کفعمی، ص ۵۳۰

۵. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۷

۶. کافی، ج ۱، ص ۵۰۳

۷. الإرشاد، المفید ج ۲ ۳۱۰ فصل فی دخول الإمام علي الهادي ع إلى سامراء بدعوة من المتوکل العباسي واستشهاده فیها ص: ۳۰۹



رویدادهای پیش زمینه

۲۵۲
هجری قمری

رحلت محمد بن علی علیه السلام در سن ۲۳ سالگی

سید محمد در سال (۲۵۲ هـ.ق) برای زیارت خانه خدا، قصد سفر کرد، هنگامی که به قریه بلد (نزدیکی سامرای عراق) رسید، مریض شده و در ۲۹ جمادی الثانی در گذشت. شیعیان او را در همانجا دفن کردند. علت بیماری او و اینکه آیا خلفای عباسی وی را مسموم کرده اند معلوم نیست!

۲۵۲
هجری قمری

ادعای امامت و غیبت سید محمد برادر امام عسکری

این ادعا، توسط جریانی انحرافی از غالیان و گروهی از یاران فارس بن حاتم قزوینی^۱، و فرقه‌ای که به اعتبار رهبرشان به نصیریّه معروف شدند، مطرح گردید.

۲۵۲
هجری قمری

خلافت معتز عباسی

ابو عبدالله ملقب به مُعْتَز بالله با خلع مستعین و با کمک ترکان به خلافت رسید. وی به مدت ۴ سال و اندی خلافت کرد.

۲۵۲
هجری قمری

انتصاب ابن ابی الشوارب به منصب قاضی القضاة

او از علمای عثمانی مسلک در دربار عباسی بود که در ماجرای شهادت امام عسکری علیه السلام و مراقبت منزل ایشان نقش فعال داشت.^۲ انتصاب توسط معتز عباسی

۱. قرشی زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۲۰.

۲. فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی از وکلای منحرف امامان بود که پس از انحرافش او و طرفدارانش خود را به جناب «سید محمد» نزدیک ساختند، و حتی «فارس» خود را جزو وابستگان و ملازمان آن جناب نموده بود. البته فارس خیلی زود و پیش از رحلت سید محمد کشته شده است. ولی با هلاکت «فارس بن حاتم»، فتنه وی به طور کلی خاموش نگشت. و یارانش پس از شهادت امام هادی علیه السلام، این فکر را مطرح نمودند که جناب «سید محمد»، که به زعم آنان قبلاً توسط پدر به جانشینی انتخاب شده بود، برادر کوچک خود، «جعفر»، را به جانشینی برگزیده، و بنابراین، اکنون امام واقعی، «جعفر» است نه امام عسکری علیه السلام! آنان ادعا می‌کردند که جناب «سید محمد» در زمان نصب به جانشینی، و ادایع امامت را از پدر دریافت داشته بود؛ و سپس در بستروفاات، آن را به خدمت‌کار خود، «نفیس» سپرده بود که به برادرش، «جعفر»، برساند (سازمان وکالت ج ۲ ص ۶۵۶).

۳. تاریخ الإسلام، الذهبی ج ۱۹ ص ۸: [ولاية ابن أبي الشوارب قضاء القضاة] و فیها ولی قضاء القضاة الحسن بن محمد بن عبد الملک بن أبي الشوارب: در این سال حسن بن ابی الشوارب قاضی القضاة شد و چنان بود که محمد بن - عمران ضبی، ادب آموز معتز، کسانی را برای کار قضاوت به نزد معتز نام برده بود، نزدیک به هشت کس، از آن جمله خلنجی، و خصاف، و نامه‌های آنها را نوشت. اما شفیع خادم و محمد بن ابراهیم و عبد السمیع بن هارون جعفری در میان افتادند و گفتند: «اینان از یاران ابن ابی دود بوده‌اند و رافضیند و قدریند و زیدیند و جهمیند.» که معتز بگفت تا آنها را برانند و سوی بغداد فرستند. و ابن ابی الشوارب قاضی شد.

رویدادهای سال ۲۵۴ ق، از آغاز تا ماه رجب

ورود نرجس به منزل امام

نرجس خاتون مادر امام زمان علیه السلام از منزل حکیمه به منزل امام عسکری علیه السلام در اوایل این سال و پیش از شهادت امام هادی علیه السلام وارد می شود. امام هادی علیه السلام به حکیمه از ثمره این پیوند و تولد امام موعود خبر می دهد.^۱

۲۵۴

هجری قمری

خبر دادن از امتداد نسل امامت توسط امام هادی علیه السلام

امام چهار ماه پیش از شهادت (اوایل ربیع الاول) در جلسه ای که برخی یارانش از شیعیان عرب و عجم حضور داشتند،^۲ بروصایت فرزندش امام عسکری علیه السلام تاکید نمود و از آنان گواهی و بیعت گرفت.

۲۵۴

هجری قمری

شهادت امام هادی علیه السلام

امام سوم رجب توسط معتز عباسی به شهادت می رسد. پس از تشییع پیکر مطهر امام، سه روز عزاداری در منزل امام حسن عسکری علیه السلام برگزار می گردد.^۳

۲۵۴

هجری قمری

سرکوب دومین قیام مردم قم بر علیه والی عباسی شهر

این قیام توسط مفلح ترک و به دستور معتز سرکوب می شود.^۴

۲۵۴

هجری قمری

تلاش جعفر برای جانشینی امام هادی علیه السلام

جعفر همراه با تکبر و تجمل در مراسم تشییع پدر، با هدف اثبات صلاحیت خود برای امامت حاضر می شود.

۲۵۴

هجری قمری

۱. در برخی از گزارش ها که در این زمینه وجود دارد، امام عسکری به منزل حکیمه آمده و کنیز خاصی را دیده و شیفته او شده و چون عمه در این زمینه از او می پرسد، از عمه می خواهد که از پدرش امام هادی اجازه وصلت اش را بگیرد:

... فقال علیه السلام: سيخرج منها ولد كريم على الله عز وجل، الذي يملأ الله به الأرض عدلا وقسطا، كما ملئت جورا وظلما.

فقلت: فأرسلها إليك يا سيدي؟!

فقال: استأذني في ذلك أبي عليه السلام.

قال: فلبست ثيابي، وأتيت منزل أبي الحسن عليه السلام... موسوعه ج ۱ ص ۵۱،

۲. در تمامی ۳-۴ خبری که در این زمینه وجود دارد، امام هادی و امام عسکری به این که آن کنیز مادر امام موعود خواهد بود خبر می دهند. پس حکیمه در تقیه و در تنهایی خود و کنیز و امام عسکری به تدارک زفاف می پردازد (حکیمه: فرزینتها و بعثت بها إلى أبي محمد عليه السلام) البته در گزارش دیگری جهت رعایت مسائل تقیه و حساسیت زدائی از این پیوند، این رویداد در آغاز در منزل حکیمه رخ داده و انتقال کنیز به منزل امام عسکری بعدتر صورت گرفته است: (قالت حكيمه: فلم ألبث أن رجعت إلى منزلي وزينتها ووهبتها لأبي محمد عليه السلام، و جمعت بينه وبينها في منزلي، فأقام عندي أياما، ثم مضى إلى والده عليهما السلام، ووجهت بها معه)

۳. عن يحيى بن يسار القنبري قال: أوصى أبو الحسن عليه السلام إلى ابنه الحسن عليه السلام قبل مضيه بأربعة أشهر، وأشهدني على ذلك، و جماعة من الموالى

۴. الحاضنين رحمه الله: حدثني أبو الحسن بن يحيى الخرقى...، وعبد الحميد بن محمد السراج جميعا في مجالس شتى، أنهم حضروا وقت وفاة أبي الحسن بن محمد ابن علي بن موسى بن جعفر الصادق صلوات الله عليهم، بسر من رأى... خرج أبو محمد حافي القدم،... مشقوق الجيب...، فدفن في داره، وبقي الإمام أبو محمد الحسن بن علي عليهما السلام ثلاثة أيام مردود الأبواب، يسمع من داره القراءة والتسبيح والبكاء، ولا يؤكل في الدار إلا خبز الخشكار والملح...، موسوعه الامام العسكري ج ۲ ص ۶۸

۵. پس از قیام اول قمری ها در اوایل خلافت معتز، مفلح ترک فرمانده عملیات، محمد بن عیسی بادغیسی را از سوی خود به حکومت قم گماشته و خود به بغداد بازگشت. حاکم جدید سیاست نرمش و مدارا را در پیش گرفت. این آرامش تا سال ۲۵۴ هـ. ق برقرار بود، اما با فوت محمد بن عیسی، والی جدید دوباره برآنان سخت گرفت و همین عامل قیام شد.

اطهت کبر

رویدادهای سال ۲۵۴ ق، از ماه رجب تا پایان سال

۲۵۴
هجری قمری

مقابله با جعفر و طرفدارانش

امام با طرفداران جعفر کذاب مقابله می کند. با متواری شدن بزرگان آنان از سامرا، جعفر تضعیف می گردد.^۲

۲۵۴
هجری قمری۲۵۴
هجری قمری

نامه نگاری برای ابقاء وکلای پدر

امام عسکری علیه السلام در آغاز امامتش با وکلای پدر نامه نگاری کرده و به آنان را امامت خود و ابقاء وکالتشان آگاه می کند.^۴

۲۵۴
هجری قمری۲۵۴
هجری قمریدیدار فرستاده فضل بن شاذان نیشابوری با امام^۱

ابومحمد فضل بن شاذان بن خلیل ازدی فقیه دانشمند و صاحب نظر شیعه در عصر امام جواد علیه السلام تا امام عسکری علیه السلام است که در زمینه تفسیر و علم کلام نیز تبحر دارد.

۲۵۴
هجری قمری۲۵۴
هجری قمری

آغاز امامت امام عسکری علیه السلام

پس از شهادت امام هادی علیه السلام امامت امام حسن عسکری علیه السلام در سوم ماه رجب این سال آغاز گردید و ۶ سال بطول انجامید.

تثبیت امامت امام عسکری علیه السلام

به علت فضای حزن اجتماعی ناشی از شهادت امام هادی علیه السلام و ناکامی جعفر در ادعای امامت، در نهایت دستگاه خلافت ناچار به پذیرش خلافت امام عسکری علیه السلام شد و موقتاً مانع خاصی در برابر امام ایجاد نکرد.^۳

بیعت ابوهاشم جعفری با امام

وی از بزرگان شیعه و نماینده و نقیب علویان در عراق است که در سامرا با امام عسکری علیه السلام بیعت می کند.^۵

نامه نگاری شیعیان با امام

برخی از شیعیان با امام عسکری علیه السلام در زمینه مدعیان انحرافی امامت، نامه نگاری کرده و پاسخ خود را از امام دریافت می کنند.^۷

ادامه

اطهت کبر

فصل سوم /

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری علیه السلام

۱. وَ كَانَ فَارِسُ بْنُ مَاهُوَيْهٍ يَدْعِي أَنَّهُ بَابُ أَبِي جَعْفَرٍ بِأَمْرِ سَيِّدِنَا أَبُو أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ وَقَعَتِ الشُّبُهَةُ عِنْدَ الْمُقَصِّرَةِ وَالْمُرْتَابِينَ مِنَ الشَّيْعَةِ وَ كَانَ الْأَمْرُ الْحَقُّ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَدْعَى جَعْفَرُ أَنَّهُ بَابُ أَبِي جَعْفَرٍ بَعْدَ فَارِسِ بْنِ حَاتِمٍ بْنِ مَاهُوَيْهٍ وَ ذَلِكَ مِنْ سَيِّدِنَا أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَثْقَاةَ الرَّجُلِينَ [الرَّجُلَانِ قَبْلَ ذَلِكَ عَنْهُ وَ دَعَا النَّاسَ إِلَيْهِ فَأَمَرَ سَيِّدِنَا بِطَلْبِهِمَا فَهَرَبَا إِلَى الْكُوفَةِ وَ أَقَامَا بِهَا إِلَى أَنْ مَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... (الهداية الكبرى، الخصبی ص ۳۸۵)

۲. سازمان وکالت، جباری، ج ۲، ص ۶۵۷: آنان در مورد علم حضرت عسکری علیه السلام به احکام شریعت، سخنان نادرست می گفتند و هواداران آن امام را بی شرمانه، «حماریه» «لقب» می دادند. و برخی تا آن جا پیش رفتند که امام معصوم و هواداران آن حضرت را کافر می خواندند! رهبر این گروه نابه کار، خواهر «فارس بن حاتم» بود که هرگز در طول امامت حضرت عسکری علیه السلام به آن حضرت ایمان نیاورده و پس از رحلت ایشان نیز از پشتیبانان و هواداران اصلی و فعال «جعفر» و از مبلغان امامت او بود!

۳. أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ وَ جَمَاعَةٌ مِنْ إِيَّاهُمْ أَنَّهُ لَمَّا كَانَ فِي الْيَوْمِ الرَّابِعِ مِنْ زِيَارَةِ سَيِّدِنَا أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَ الْمُعْتَرِبِينَ أَنْ يَتَقَدَّ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ بَشَّرَكُمْ إِلَى الْمُعْتَرِبِ لِيُعَزِّيَهُ وَيُسَلِّتَهُ فَرَكِبَ أَبُو مُحَمَّدٍ إِلَى الْمُعْتَرِبِ فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ رَحِبَ بِهِ وَ عَزَّاهُ وَ أَمَرَ فَرَّتَبَ بِمَرْتَبَةِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اثْبَتَ لَهُ رِزْقَهُ وَ زَادَ فِيهِ فَكَانَ الَّذِي تَرَاهُ لَا يَشْكُ إِلَّا أَنَّهُ فِي صُورَةِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اجْتَمَعَتِ الشَّيْعَةُ كُلُّهَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ بَعْدَ أَبِيهِ إِلَّا أَصْحَابَ فَارِسِ بْنِ مَاهُوَيْهٍ فَإِنَّهُمْ قَالُوا بِإِمَامَةِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (الهداية الكبرى، الخصبی، ص: ۳۸۵)

۴. سازمان وکالت، جباری ج ۲ ص ۶۵۶

۵. حدیث داود بن القاسم الجعفری ابوهاشم، قال: كنت عند أبي محمد عليه السلام، فاستأذن لرجل من أهل اليمن، فدخل عليه رجل جميل طويل جسيم، فسلم عليه بالولاية، فردّ عليه بالقبول، وأمره بالجلوس، فجلس إلى جنبه. فقلت في نفسي: ليت شعري من هذا، فقال أبو محمد عليه السلام: هذا من ولد الأعرابية صاحبة الحصاة التي طبع آبائي فيها، ثم قال: هاتهما؟ فأخرج حصاة وفي جانب منها موضع أملس، فأخذها وأخرج خاتمه، فطبع فيها، فانطبع، وكأني أقرأ الخاتم الساعة: الحسن بن علي. (موسوعة ج ۱ ص ۳۱۲)

۶. حامد بن محمد العلجدي البوسنجي، عن الملقب بفورا، من أهل البوارجان من نيسابور أن أبا محمد الفضل بن شاذان رحمه الله كان وجهه إلى العراق إلى حيث به أبو محمد الحسن بن علي صلوات الله عليهما، فذكر أنه دخل على أبي محمد عليه السلام، فلما أراد أن يخرج، سقط منه كتاب في حوضه مملوف في رداء له، فتناوله أبو محمد عليه السلام ونظر فيه، وكان الكتاب من تصنيف الفضل، وترجم عليه، وذكر أنه قال: أغبط أهل خراسان بمكان الفضل بن شاذان وكونه بين أظهرهم. (زمان این دیدار به قرینه عدم ذکری از وجود فرزند متولد شده و به قرینه ممانعت از دیدارها و سپس زندان های بعدی امام باید پیش از میلاد باشد: رجال الکشي ص ۵۴۲)

۷. حدیث القاسم الهروي قال: خرج توقيع من أبي محمد إلى بعض بني أسباط قال: كتبت إليه أخبره عن اختلاف الموالي وأسأله اظهار دليل، فكتب إلي... (كشف الغم ج ۲ ص ۹۲۲)



۱. قال: حدثنا محمد بن عبد الجبار قال: قلت لسیدی الحسن بن علی علیه السلام یا ابن رسول الله جعلني الله فداك أحب أن أعلم من الإمام و حجة الله على عباده من بعدك؟ فقال عليه السلام: إن الإمام و حجة الله من بعدي ابني سمی رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و كنيته الذي هو خاتم حجج الله و آخر خلفائه، قال: ممن هو يا ابن رسول الله؟ قال: من ابنة ابن قيصر ملك الروم ألا إنه سيولد و يغيب عن الناس غيبة طويلة ثم يظهر. (موسوعة الإمام العسکري عليه السلام، الخزعلي ج ۱ ص ۳۴۲ + إثبات الهداة: ۵۶۹ / ۳، ح ۶۸۰، عن كتاب إثبات الرجعة لابن شاذان) البته ناظر به زندان شدن امام در پایان این سال احتمال می‌رود این دیدار و گفتگو در صورت گرفته باشد. اگر چه احتمال می‌رود که پیش از آن هم صورت گرفته باشد.

۲. وَ كَانَ النَّبِيُّ إِذَا حَمَلُوا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ مَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ حَمْلُهُ مِنَ الْأَمْوَالِ أَنْفَدُوا إِلَى أَبِي عَمْرٍو فَيَجْعَلُهُ فِي جِرَابِ السَّمْنِ وَ زِقَاقِهِ وَ يَحْمِلُهُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ تَقْبِيَةً وَ خَوْفًا (الغيبة، طوسی، ۳۵۴)

۳. الشيخ الصدوق رحمه الله: حدثنا محمد بن محمد بن عصام رضی الله عنه، قال: حدثنا محمد بن يعقوب الكليني، قال: حدثني علان الرازي، قال: أخبرني بعض أصحابنا: أنه لما حملت جارية أبي محمد عليه السلام: قال: ستحملين ذكرا، واسمه محمد، و هو القائم من بعدي (موسوعة ج ۲ ص ۲۸۹)

۴. عیسی بن صبیح قال: دخل الحسن العسکري عليه السلام علينا الحبس، و كنت به عارفا، ... و قال: هل رزقت ولدا؟ قلت: لا! فقال: «اللهم ارزقه ولدا يكون له عضد»، فنعم العضد الولد ... قلت: ألك ولد؟ قال: إي والله! سيكون لي ولد يملأ الأرض قسطا و عدلا فأما الآن فلا ... (موسوعة ج ۱ ص ۳۴۳)

۵. الغيبة، طوسی ۲۱۸: حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ الْعَمَرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أَبَا طَاهِرٍ بْنَ بُلْبُلٍ حَجَّ فَظَنَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمَانِيِّ وَ هُوَ يُنْفِثُ النَّفَقَاتِ الْعُظْمَى فَلَمَّا انْصَرَفَ كَتَبَ بِذَلِكَ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَ فَوَقَّعَ فِي رُفْعَتِهِ قَدْ كُنَّا أَمَرْنَا لَهُ بِمِائَةِ أَلْفٍ دِينَارٍ ثُمَّ أَمَرْنَا لَهُ بِمِثْلِهَا فَأَتَى قَبُولَهَا إِنْقَاءً عَلَيْنَا مَا لِلنَّاسِ وَ الدُّخُولُ فِي أَمْرِنَا فِيمَا لَمْ نَدْخُلْهُمْ فِيهِ. : ابن راهبدر امام در سال های بعد که مکه و مدینه با قحطی فراوان روبرو شد می‌توانسته نقش فراوانی در تقویت شیعه در مراسم حج سالیانه داشته باشد.

ادامه رویدادهای سال ۲۵۴ ق، از ماه رجب تا پایان سال

ادعای امامت توسط جعفر کذاب

اولین تلاش جعفر برای ادعای امامت خود با همکاری فرقه نصیریة تازه تأسیس و یاران فارس بن ماهویه^۱

۲۵۴

هجری قمری

اجرای سیاست کنترل و مراقبت شدید علیه امام و شیعیان

معتز عباسی، پس از مشاهده تثبیت سریع امامت امام عسکری (ع)، به کنترل شدید بیت امام می پردازد، به گونه ای که دیدار با امام در این مقطع زمانی سخت و بلکه ممنوع می گردد^۲ و شیعیان تنها در مسیر راه امام به قصر، در روزهای دوشنبه و پنج شنبه می توانستند امام را از دور ببینند.^۳

۲۵۴

هجری قمری

دستور به تقیه شدید

علی بن جعفر از حلبی نقل می کند: «روزی که قرار بود امام به دارالخلافه آورده شود، ما به انتظار دیدار وی جمع شدیم که نامه ی ایشان به دست ما رسید:

۲۵۴

هجری قمری

«أَلَا يَسْلَمَنَّ عَلَى أَحَدٍ وَلَا يَشِيرُ إِلَى بَيْدَةٍ وَلَا يُؤْمِي فَإِنَّكُمْ لَا تَوْتَمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ»؛

«کسی بر من سلام و حتی به طرف من اشاره هم نکند؛ زیرا در امان نیستید.»

۲۵۴

هجری قمری

درخواست تشدید فشار بر امام

گروهی از عباسی ها و صالح بن علی و جمعی از کارگزاران ناصبی و دشمن اهل بیت (ع) با صالح بن وصیف دیدار کرده و از او می خواهند که بر امام عسکری (ع) در زندان به شدت سخت

بگیرد. صالح می گوید: نمی دانم با او چه کنم؟ دو تن از شدید ترین مأمورانم را بر او گذاشتم، ولی با عباداتش چنان آنان را متحوّل کرده که دست از آزارش برداشته اند.^۴

۲۵۴

هجری قمری

تحول زندانبانان

یکی از زندانبانان صالح بن وصیف، علی بن اوتامش از سرداران خشن ترک است که بر امام گمارده می شود تا بر امام سخت بگیرد، ولی همان روز اول با مشاهده عبادت امام متحوّل می گردد.^۵

اطهت کور

۱. با جدائی فرقه نصیریة از او در کنار وجود ناهنجاری های اخلاقی آشکار جعفر و کثرت نصوص و ادله بر امامت امام عسکری (ع) از سوی امام هادی (ع)، توطئه جعفر ناکام می ماند.
۲. . محمد بن ابی الخطاب، قال: خرج بعض بني البقاع إلى سمر من رأى في رفقة، يلتمسون الدلالة، فلما بلغوا بين الحائطين سألو الإذن، فلم يؤذن لهم، فأقاموا إلى يوم الخميس. (موسوعة ج ۱ ص ۲۹۹)
۳. . أحمد بن ميمون الخراساني، قال: قدمت من خراسان أريد سامراء، ألقى مولاي الحسن عليه السلام، ... فصرت إلى إخواننا المجاورين له، فقلت: أريد سيدنا أبا محمد الحسن، فقالوا: هذا يوم ركوبه إلى دار المعتز. فقلت: أقف له في الطريق، فلست أخلو من آية في مشيئة الله و عونه : موسوعة ج ۱ ص ۲۸۸
۴. . موسوعة ج ۱ ص ۴۱۹: فقال لهم صالح: و ما أصنع قد وگلت به رجلين من أشد من قدرت عليه، فقد صارا من العباداة و الصلاة و الصيام إلى أمر عظيم، فقلت لهما: ما فيه؟ فقالا: ما تقول في رجل يصوم النهار، ويقوم الليل كله، لا يتكلم و لا يتشاغل، وإذا نظرنا إليه ارتعدت فرائضنا، و بداخلنا ما لا نملكه من أنفسنا.
۵. ترجمه ارشاد، ۶۶۴.

رویدادهای سال ۲۵۵ ق،

پیش از تولد حضرت مهدی (عج)

نامه محرمانه

امام در نامه ای محرمانه به شیعیان از فتنه قیام زیدیه خبر داده و به آنان دستور مراقبت می دهد.^۱

ارسال دو نامه از زندان

با پخش شایعه تصمیم معتز به قتل امام در زندان، امام دو نامه با دو پیام متفاوت را به شیعیان می رسانی؛

- ۱- نامه ای مبنی بر اینکه زمان شهادتش اکنون نخواهد بود؛^۲ این نامه بیست روز پیش از قتل معتز نوشته می شود.
- ۲- نامه به برخی از شیعیان مبنی بر وقوع فتنه ای بزرگ (قتل خلیفه).^۳

۲۵۵

هجری قمری

۲۵۵

هجری قمری

۲۵۵

هجری قمری

۲۵۵

هجری قمری

۲۵۵

رجب قمری

ادامه

آموزش دعا برای دفع شر دشمن

قمی ها پس از شکست و استمرار آزار بیشتر عباسیان^۱، به امام نامه نگاری کرده و از ایشان چاره جوئی می کنند؛ پس امام دعایی ویژه را برایشان می فرستد تا در قنوت نماز بخوانند.^۲

بشارت به آزادی از زندان

به علت قیام زیدیه در ماه رجب، امام و برادرش جعفر^۱ به همراه ابوهاشم جعفری و جمعی دیگر از شیعیان بغداد^۲ در سامرا زندانی می گردند.^۳ ولی امام به یارانش بشارت آزادی قریب الوقوع را می دهد.

توطئه نافرجام

معتز در ماه رجب این سال امام و جمعی از خواص یاران ایشان را در سامرا به زندان می افکند و در زندان برای امام جاسوس ویژه ای قرار می دهد تا برای به قتل امام، بهانه ای لازم را به دست آورد.^۴

۱. بر طبق برخی نقل ها پس از شورش قمی ها در سال ۲۵۴، سرکوب آنان در اوائل سال ۲۵۵ صورت گرفت و داستان آن چنین بود که: حسین کویکی با مقداری پیش روی در منطقه طالقان قیام کرد و با تصرف قزوین و زنجان، توانست دولت علوی مستقل و کوچکی را به مدت کوتاهی برقرار کند، اما سرانجام از سپاه خلیفه شکست خورد و به داعی کبیر (علوی دیگری که در منطقه طبرستان حکومت می کرد) پناه برد. عبدالرحمن بن مفلح مامور شد تا هم حسین کویکی را سرکوب کند و هم طغیان قم را فرونشاند. وی پس از گرفتن خراج چهار ساله و کشتار وحشیانه ای که باعث ترک دیار بیش تر مردم قم شد، از شهر خارج شده و در ری به موسی بن بغا پیوست تا به قصد سرکوبی حسین کویکی عزیمت کنند.

۲. حضرت دعایی طولانی به آنان آموخت که در قنوت نمازهای خود. خصوصاً نماز وتر بخوانند تا خداوند شر آن ستمگر را برطرف نماید: «اللَّهُمَّ وَلَا تَدْعُ لِلْجَوْرِ دَعَاةً إِلَّا قَضَمْتَهَا وَلَا جُنَّةً إِلَّا هَتَكْتَهَا، وَلَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَرَقْتَهَا... اللَّهُمَّ فَكُوِّرْ شَمْسُهُ، وَ حَطَّ نُورُهُ، وَ أَظْمَسْ دُكْرُهُ، وَ اِزْم بِالْحَقِّ رَأْسُهُ، وَ قَصَّ جُيُوشُهُ، وَ اِزْعَبْ قُلُوبَ أَهْلِهِ...»

باید دانست که لطف و احسان امام نسبت به مردم قم فراوان بود. در مناقب آل ابیطالب (ع) آمده که در نامه ای که آن حضرت برای اهل قم و آیه نوشت، از خداوند متعال برای آنان آرزوی رحمت، عمر طولانی، رشد و هدایت نمود و گذشتگان آنان رحمت فرستاد: «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى بِجُودِهِ وَ رَأْفَتِهِ قَدْ مَنَّ عَلَيَّ عِبَادِهِ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ قَبُولَ دِينِهِ وَ أَكْرَمَكُم بِهِدَايَتِهِ وَ عَزَسَ فِي قُلُوبِ أَشْلَافِكُمُ الْمَاضِينَ رَحْمَةً اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ أَضْلَاكُمُ الْبَاقِينَ تَوَلَّى كِفَايَتَهُمْ وَ عَمَّرَهُمْ طَوِيلًا فِي طَاعَتِهِ، حُبُّ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ فَمَضَى مَنْ مَضَى عَلَى وَثِيَّةِ الصَّوَابِ وَ مَنَهِاجِ الصِّدْقِ وَ سَبِيلِ الرِّشَادِ».

۳. کشف الغمّة، الإربلي ج ۲ ص ۹۲۲: علي بن محمد بن زياد أنه خرج إليه توقيع أبي محمد، فتنه تخلصك فكن حلسا من أحلاس بيتك قال: فنايتني نائبة فزعت منها، فكتبت إليه أهي هذه؟ فكتب لا، أشد من هذه، فطلبت بسبب جعفر بن محمد و نودي علي من أصابني فله مائة ألف درهم

۴. سعد بن عبد الله قال: حدثني جماعة... ممن كان حبس بسبب قتل عبد الله بن محمد العباسي: إن أبا محمد عليه السلام و أخاه جعفرًا دخلا عليهم ليلاً... و جلس جعفر قريبا منه، فقال جعفر: و اشطناه بأعلى صوته - يعني جارية له - فزجره أبو محمد عليه السلام، و قال له: اسكت! و أتهم رأوا فيه آثار السكر، و أن النوم غلبه و هو جالس معهم، فنام على تلك الحال (موسوعة ج ۱ ص ۱۱۵)

۵. أبو علي الطبرسي رحمه الله: حدثنا أحمد بن زياد الهمداني، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، قال: حدثني أبو هاشم داود بن القاسم، قال: كنت في الحبس المعروف بحبس صالح بن وصيف الأحمر؛ أنا و الحسن بن محمد العتيقي و محمد بن إبراهيم العمري، و فلان و فلان. إذ دخل علينا أبو محمد الحسن عليه السلام و أخوه جعفر... (موسوعة ج ۱ ص ۳۱۰)

۶. این زندان یا امتداد زندان اواخر سال گذشته است و اینک از زندانی به زندان دیگر و زندان جمعی منتقل شده است و یا اینکه مرتبه ای است که امام پس از آزادی به سرعت دوباره زندان می گردد.

۷. «نامه ای از امام به ما رسید که در آن آمده بود: «آنچه را که شنیدید، به وقوع نخواهد پیوست» و معتز بعد از سه روز از خلافت خلع شد و به قتل رسید»

۸. قال علي بن محمد الصيمري (همان که بعدها نائب چهارم امام زمان در دوران غیبت صغری می گردد): كتب إلي أبو محمد عليه السلام: فتنه تظلمكم فكونوا على أوبة منها، فلما كان بعد ثلاثة أيام وقع بين بني هاشم ما وقع، فكتبت إليه: هي؟ قال: لا! و لكن غير هذه، فاحترزوا. فلما كان بعد ثلاثة أيام كان من أمر المعتز ما كان (موسوعة ج ۱ ص ۳۳۰)

۹. أبو علي الطبرسي رحمه الله: حدثنا أحمد بن زياد الهمداني، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، قال: حدثني أبو هاشم داود بن القاسم

سال

۱۳۳۳

۱۳۳۴

۱۳۳۵

۱۳۳۶

۱۳۳۷

۱۳۳۸

۱۳۳۹



۴. ابواسحق محمد مهتدی چهاردهمین خلیفه عباسی در بغداد بود که از سال ۲۵۵ تا ۲۵۶ هجری قمری (سال ۸۶۹ تا ۸۷۰ میلادی) در سرزمین‌های اسلامی فرمان راند. او چهاردهمین خلیفه عباسی بود؛ که بعضی وی را به دادگری و نیرومندی می‌شناختند. در آغاز خلافت وی، اهل بغداد سربه شورش برداشتند و از بیعت با او سرباز زدند؛ اما مهتدی توانست این شورش‌ها را فرونشاند. علویان نیز شورش کردند، به ویژه در طبرستان، حسن بن زید علوی سربه شورش برداشت. احمد بن عیسی شیخ که پدرش ولایت فلسطین را داشت نیز شورید؛ اما تمام این شورش‌ها به تدبیر مهتدی سرکوب شد. وی در بین ترکان که در آن زمان نیرومندی بسیار به دست آورده بودند، شکاف افکند و جنگی در میان ایشان برانداخت.

تعلیم حدیث

پس از آزادی امام شیعیان، ابوهاشم جعفری چند روزی را در منزل ایشان میهمان می‌شود. او در محضر امام به فراگیری حدیث پرداخته و نیز

شاهد حدیث آموزی برخی از شیعیان (همانند محمد بن صالح ارمنی از شیعیان مقیم در گرجستان و ارمنستان) می‌گردد.^۱

۲۵۵

هجری قمری

۲۵۵

هجری قمری

دیدار پس محرومیت

پس از آزادی امام از زندان و با توجه به آزادی بیشتر نسبت به دوران خلافت معتز، دیدارهای متعددی بین شیعیان و امام انجام می‌شود؛ از جمله ابومحمد عبدالله بن محمد عابد نزد امام آمده و از ایشان درخواست دعای صلوات بر

پیامبر ﷺ و اهلبیتش را می‌کند و امام، صلوات پلند چهارده معصوم را برایش می‌نگارد و یا موسی بن مهدی جوهری نزد امام رفته و می‌گوید: امسال سال ۲۵۵ ق است و هنوز موعود متولد نگردیده، آیا زمان تولدش معلوم است؟ و امام از تولد قریب الوقوعش در همان ماه خبر می‌دهد.

در انتظار تولد

در ماه شعبان پس از آزادی امام و همراه با رسیدن اخباری به برخی از شیعیان مبنی بر تولد موعود در همان ماه، انتظاری امید بخش در خواص شیعه برای تولد مخفیانه موعود شکل می‌گیرد.

۲۵۵

هجری قمری

۱. ابن حمزة الطوسي رحمه الله: و عنه [أي أبي هاشم] قال: سأل محمد بن صالح الأرميني أبا محمد عليه السلام عن قول الله تعالى: يَمْخُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ أَثْمَ الْكِتَابِ؟ فقال عليه السلام: هل يمحوا إلا ما كان، وهل يثبت إلا ما لم يكن. فقلت في نفسي: هذا خلاف قول هشام: إنه لا يعلم بالشيء حتى يكون. فنظر إلي أبو محمد عليه السلام، وقال: تعالى الجبار العالم بالأشياء قبل كونها، الخالق إذ لا مخلوق، والرب إذ لا مربوب، والقادر قبل المقدور عليه... (موسوعة ج ۱ ص ۲۷۶) به این روایت هم از جهت سیر تاریخی مدارس فکری شیعه از هشام تا ابوهاشم می‌توان نگریست. و هم از جهت پرسش‌های فکری اصحابی که مناطق مسیحی نشین زندگی می‌کردند (در این زمینه نک به: تاریخ تشیع در گرجستان - از نگارنده) و هم از جهت پرسش‌های کلامی ای که در زمانه میلاد امام موعود ﷺ برای جامعه شیعه مطرح بوده است. و پاسخ آن بر بابر مندی مباحث مهدوی می‌توانسته بازتاب مستقیم داشته باشد.

۲. الحضيضي رحمه الله: عن موسى بن مهدي الجوهري، قال: دخلت على مولاي أبي محمد الحسن عليه السلام بالعسكر، فقلت له: يا مولاي! هذه سنة خمس وخمسين، وقد أخبرتنا بولادة مهدينا، فهل يوقت لها؟.... قال عليه السلام: يولد قبل طلوع الفجر يوم الجمعة، لثمان ليال خلت من شهر شعبان، سنة سبعة وخمسين ومائتين، وأمه نرجس، وأنا أقبله، وحكيمة عمتي تحضنه... (موسوعة ج ۱ ص ۷۴)

یادآوری: در روایات تاریخ ولادت امام موعود را در سال ۲۵۵ و ۲۵۶ و حتی سال ۲۵۷ هم گفته‌اند. ولی قول بیشتر از جهت آماری و صحیح تر از جهت سندی و مورد پذیرش علما و دارای شهرت، تولد در سال ۲۵۵ است. برای روز تولد هم دو قول ۸ و ۱۵ شعبان وجود دارد. ولی قول ۱۵ شعبان مشهور تر است.

۳. الحضيضي رحمه الله: عن موسى بن مهدي الجوهري، قال: دخلت على مولاي أبي محمد الحسن عليه السلام بالعسكر، فقلت له: يا مولاي! هذه سنة خمس وخمسين، وقد أخبرتنا بولادة مهدينا، فهل يوقت لها، وقت نعلمه؟ قال: ألسنا قد قلنا لكم: لا تسألونا عن علم الغيب، فنخرج ما علمنا منه إليكم فيسمعه من لا يطيق استماعه فيكفر فقلت: يا مولاي! أرجو أن أكون ممن لا يكفر. قال عليه السلام: يولد.... فقلت: لك الحمد والشكر، يا مولاي! إذ جعلتني أهلا لعلم ذلك. فلم أزل وجماعة علمت منه نرب الوقت، ونعد الأيام حتى ولد كما قال لا زاد ولا نقص.

اطهت کبر

رویداد تولد حضرت مهدی علیه السلام

میهمان میلاد

روز چهاردهم شعبان حکیمه خاتون در منزل امام عسکری علیه السلام حاضر شده و توسط امام از کامل شدن حمل نرجس و تولد موعود در همان شب آگاه می‌شود. امام از او می‌خواهد که آن شب را در منزل ایشان بماند و شاهد ولادت موعود باشد.

۲۵۵

هجری قمری

رازهای نرجس

مادر موعود به حکیمه از خلوت‌ها و همدردی‌ها و همزبانی فرزند در آستانه تولدش خبر می‌دهد.

۲۵۵

هجری قمری

میلاد نور

رویداد میلاد پس از طلوع فجر صادق در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ ق،
(۱۱ مرداد سال ۲۴۸ ش و ۲۹ ژوئیه ۸۶۹ م)^۱

۲۵۵

هجری قمری

ولیمه و عقیقه برای موعود

روز میلاد، امام در اولین اقدام، عثمان بن سعید را فراخوانده و به عنوان اولین شیعه، اجازه دیدار مولود موعود رایه او می‌دهد.

۲۵۵

هجری قمری

امام عثمان را موظف می‌کند؛ ده هزار رطل نان

و ده هزار رطل گوشت را در شهر و ترجیحاً بین بنی‌هاشم توزیع کرده و در ضمن برای مولود با رعایت شرایط تقیه، چند گوسفند هم برای عقیقه قربانی کند.^۲

۲۵۵

هجری قمری

اعلام خبر ولادت در پوشش عقیقه

بشار بن ابراهیم از شیعیان می‌گوید امام عسکری علیه السلام برایم چهار گوسفند فرستاد و فرمود آنان را از طرف فرزندان قربانی کن.^۳

۲۵۵

هجری قمری

پیک بشارت

حمزه بن ابی‌الفتح می‌گوید: روز تولد موعود پیکی از طرف امام خیرش را برای من آورد و در ضمن مرا به کتمان این خبر توصیه کرد.^۴

ادامه

۱. فهرست رویدادهای لحظه میلاد چنین است:

- ولادت امام موعود پس از طلوع فجر صادق
- ولادت موعود و سر به سجده گذاشتن و خواندن شهادتین به له ولایت امامان معصوم تا خود
- نزول فرشتگان آسمانی با صورت مثالی پندگان و تبرک جوئی به حضرت
- قرار گرفتن مولود موعود در آغوش پدر و سلام دادن نوزاد بر پدر
- امام و سنت گفتن اذان و اقامه
- مولود موعود و تلاوت آیات ۵-۶ قصص و سخن گفتن با پدر
- اولین تغذیه فرزند از مادر

- دیدار نسیم و ماریه خدمتگزاران منزل با نوزاد در صبح گاه و قرار گرفتن در زمره اولین بیعت گران با موعود در لحظه میلاد
- ناپدید شدن فرزند توسط فرشتگان

۲. عن أبي جعفر العمري، قال: لما ولد السيد عليه السلام قال أبو محمد عليه السلام: ابعثوا إلى أبي عمرو، فبعث إليه، فصار إليه، فقال له: اشتر عشرة آلاف رطل خبز، و عشرة آلاف رطل لحم، و فزقه. و أحسبه قال: على بني هاشم: و عقی عنه بكذا و كذا شاة (موسوعة ج ۲ ص ۴۰)

۳. البشار بن ابراهيم بن إدريس، صاحب ثقة أبي محمد عليه السلام قال: وجه إلي مولاي أبو محمد عليه السلام كبشين، و قال: اعقرهما عن أبي الحسن عليه السلام، و كل و أطعم... ثم وجه لي بأربع أكبشة، و كتب إلي: اعقر هذه الأربعة أكبشة عن مولاك [المهدي عليه السلام] (موسوعة ج ۲ ص ۳۸۲) البته در حدیثی دیگر نام راوی ابراهیم بن ادريس و تعداد گوسفندان دو عدد ذکر شده است (الغیبه، طوسی).

۴. همان: مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ ع بَعَثَ إِلَيَّ بَعْضَ مَنْ سَمَّاهُ لِي بِشَاةٍ مَذْبُوحَةٍ وَ قَالَ هَذِهِ مِنْ عَقِيْقَةِ ابْنِي مُحَمَّدٍ
۵. عَنْ حَمْزَةَ بْنِ أَبِي الْفَتْحِ قَالَ جَاءَنِي يَوْمًا فَقَالَ لِي الْبِشَارَةُ وَلَدَ الْبَارِحَةِ فِي الدَّارِ مَوْلُودٌ لِأَبِي مُحَمَّدٍ ع وَ أَمَرَ بِكُثْمَانِهِ فَلْتُ وَ مَا أَشْمُهُ قَالَ سَيِّئِي بِمُحَمَّدٍ وَ كُنْتُ بِجَعْفَرٍ كَمَالِ الدِّينِ ج ۲ ص ۴۳۲

تبرک

شفا یافتن کودکی در همسایگی منزل امام به برکت سرمه دان مولود موعود در همان آغازین روزهای ولادت.^۱

۲۵۵

هجری قمری

معرفی به خواص^۲

امام سه روز پس از ولادت، فرزند خود او را به جمعی از اصحابش از جمله عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان معرفی می‌کند؛^۳

۲۵۵

هجری قمری

تبریک شیعیان به امام

ابوالفضل حسین بن حسن علوی و ابوهارون^۴ به سامرا و دیدار امام آمده و میلاد فرزندش را تبریک می‌گویند.^۵

۲۵۵

هجری قمری

رویداد های پس از تولد حضرت مهدی علیه السلام

اطلاع رسانی ولادت موعود به اهل قم

ارسال نامه امام عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق مبنی بر بشارت^۶ ولادت فرزند و خبر رسانی مخفیانه او به تمامی شیعیان قم که موجب دمیده شدن روح امید در شیعیان تحت ستم در قم می‌شود.^۷

۲۵۵

هجری قمری

قیام صاحب الزنج

این قیام در ۲۶ ماه رمضان در بصره و با ادعای علوی گری اتفاق افتاد که امام، به صراحت اعلان می‌کند که صاحب الزنج از علویان نیست و ادعای علوی گری او باطل است.^۸

۲۵۵

رمضان
هجری قمری

۱. کان لنا طفل وجع، فقالت لي مولاتي: امضي إلى دار الحسن بن علي عليه السلام، فقولي لحكيمة: تعطينا شيء نستشفي به لمولودنا هذا. فلما مضيت وقلت كما قال لي مولاي، قالت حكيمة: ايتوني بالميل الذي كحل به المولود الذي ولد البارحة - تعني ابن الحسن بن علي عليه السلام - فأتيته بميل، فدفعته إلي، و حملته إلى مولاتي، فكحلت به المولود فعوفي و بقي عندنا، و كنا نستشفي به، ثم فقدناه. (الموسوعة ج ۱ ص ۲۹۴ از كمال الدين)

۲. این جلسه زمانی که تازه خلیفه متمدی روی کار آمده و مشغول دفع نارضایتی اهالی بغداد است تشکیل می‌شود. در این جمع قطعاً عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان حضور دارند؛ همچنین احتمال دارد برخی از شیعیان هم زندانی امام که به تازگی آزاد شده‌اند، در این جلسه حاضر بوده باشند.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ عَنْ أَبِي غَانِمٍ الْخَادِمِ قَالَ وُلِدَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ ع وَلَدٌ فَسَمَّاهُ مُحَمَّدًا فَعَرَضَهُ عَلَى أَصْحَابِهِ يَوْمَ الثَّالِثِ وَقَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ فَإِذَا انْتَلَتْ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظَلَمًا خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا (كمال الدين ۲ ص ۴۳۱)

۴. محمد بن الحسن الكرخي، قال: سمعت أبا هارون رجلا من أصحابنا يقول: رأيت صاحب الزمان عليه السلام ووجهه بضئ كأنه القمر ليلة البدر، ورأيت على سترته شعرا يجري كالخط، وكشف الثوب عنه فوجدته مختونا، فسألت أبا محمد عليه السلام عن ذلك؟ فقال: هكذا ولد، وهكذا ولدنا «۱»، ولكننا سنمزمز الموسى عليه لإصابة الستة (موسوعة ج ۲ ص ۲۹۶، از كمال الدين)

۵. حدثني أبو الفضل الحسين بن الحسن العلوي، قال: دخلت على أبي محمد عليه السلام بسر من رأى، فنهأته بسيدنا صاحب الزمان عليه السلام لما ولد (موسوعة ج ۱ ص ۷۴)

۶. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ إِسْحَاقَ الْقُمِّيَّ قَالَ لَمَّا وُلِدَ الْخَلْفُ الصَّالِحُ ع وَرَدَ عَنْ مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع إِلَى جَدِّي أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ كِتَابٌ فَإِذَا فِيهِ مَكْتُوبٌ بِحَظِّ يَدِهِ ع الَّذِي كَانَ تَرُدُّ بِهِ التَّوْفِيعَاتُ عَلَيْهِ وَ فِيهِ وُلِدَ لَنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَشْتُورًا وَ عَنْ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا فَإِنَّا لَمْ نُظْهِرْ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَ الْوَلِيَّ لَوْلَايَتِهِ أُخْبِنَا إِعْلَامَكَ لَيْسَرَكَ اللَّهُ لَهُ مِثْلُ مَا سَرَّكَ بِهِ وَ السَّلَامُ (كمال الدين و تمام النعمة، الشيخ الصدوق، ج ۲، ص: ۴۳۴)

۷. إثبات الوصية، المسعودي ص ۲۴۴: الحميري عن أحمد بن إسحاق قال: دخلت على أبي محمد عليه السلام (در زمان سه سالگی موعود) فقال لي: يا أحمد ما كان حالكم فيما كان الناس فيه من الشك والارتباب؟ قلت: يا سيدي لما ورد الكتاب بخبر سيدنا و مولده لم يبق مثا رجل ولا امرأة ولا غلام بلغ الفهم إلا قال بالحق. فقال: أما علمتم ان الأرض لا تخلو من حجة الله.

۸. موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، الخزعلي ج ۱ ص ۳۱۰: ابن شهر آشوب رحمه الله: محمد بن صالح الخثعمي، قال: عزم أن أسأل في كتابي إلى أبي محمد عليه السلام عن... وعن صاحب الزنج، فأنسيت. فورد علي جوابه:... وصاحب الزنج ليس مثا أهل البيت.

پس از آن که بردگان زیادی به صاحب زنج پیوستند به بصره تاخت و به تدریج بر جنوب عراق و خوزستان مسلط شد و کشتارهای بسیاری کرد؛ قیام او با شعار ترکیبی علوی بودن و احقاق حقوق محرومان و بردگان، باعث شد که امام عسکری علیه السلام و جامعه شیعه دوباره در معرض اتهام قرار گیرند.

رویداد های سال ۲۵۶ هجری قمری

اسارت مجدد

در این سال امام و شیعیانی چون ابوهاشم جعفری مجدداً به زندان می افتند.^۱

۲۵۶

هجری قمری

سفر امام عسکری علیه السلام به گرگان

جعفر بن شریف جرجانی در مسیر سفر حج، از گرگان به سامرا آمده و با امام دیدار می کند در این دیدار امام به او خبر می دهد که پس از ۱۷۰ روز، به گرگان باز خواهد گشت.

۲۵۶

هجری قمری

ورود موسی مبرقع فرزند امام جواد علیه السلام از کوفه به قم^۲

فرزند امام جواد علیه السلام و برادر کوچکتر امام هادی علیه السلام که در سال ۲۹۶ هجری قمری از دنیا رفت و در شهر قم دفن گردید.

۲۵۶

هجری قمری

امام به او امر می کند؛ شیعیان را در منزلش جمع کرده و به آنان خبر دهد که عصر آن روز امام به دیدارشان خواهد آمد.^۲

بورش مهتدی به امام و شیعیان

مهتدی به بهانه گسترش فتنه صاحب الزنج در عراق و علویان در طبرستان، به تعقیب و جستجوی شیعیان پرداخت^۳ و در نهایت امام عسکری علیه السلام را همراه عده ای از یارانش زندانی کرد

۲۵۶

هجری قمری

نفرین در حق والی

با اوج گیری سیاست های ضد شیعی مهتدی، شیعیان منطقه مرکزی عراق به امام نامه نوشته و از ستم و خونریزی والی خود شکایت کردند که به دنبال آن امام در حق او نفرین کردند و او به طاعون هلاک شد.^۴

۲۵۶

هجری قمری

و تصمیم به قتل امام گرفت که وحشت و نگرانی شیعه را فرا گرفت. اما امام طی نامه ای مخفیانه از عمر کوتاه و ناکامی مهتدی در اجرای نقشه شومش خبر داد.^۵

قتل مهتدی

مهتدی (چهاردهم رجب) از خلافت خلع^۶ و (هجدهم رجب) به دست ترکان به قتل رسید.^۸

۲۵۶

هجری قمری

۱. ابی هاشم، قال: كنت محبوساً عند أبي محمد عليه السلام في حبس المهتدي، فقال لي: يا أبا هاشم! إن هذه الطاغية أراد أن يعيث بالله عز وجل في هذه الليلة، وقد بتر الله عمره، وجعله الله للموتى بعده... (موسوعة ج ۱ ص ۳۴۰)؛ یادآوری: این زندانی شدن خیلی طولانی نبود. البته آن قدر طولانی بود که شیعیانی همانند ابوهاشم جعفری هم از بغداد دستگیر شوند و به سامرا آورده شده و به امام ملحق شوند. ولی نظریه جدیت مهتدی در اجرای تصمیمش به سرعت، احتمال می رود عمر این زندانی شدن محدود به همان نیمه اول ماه رجب این سال باشد (و حداکثر بیشتر از ۲ ماه نمی توانسته باشد).

۲. اولین محدثی که داستان ورود امام را به گرگان نقل کرده، قطب الدین راوندی از محدثین قرن ۶ است که در کتاب (الخراج و الجرائع) آیین ماجرا را آورده است. بعدها محدثین دیگر از جمله علامه مجلسی در بحار الانوار، فخرالدین اردبیلی در «کشف الغم» و معرفه الاثمه» هم به باز نشر آن پرداخته اند. (موسوعة الامام عسکری ج ۱، ص ۳۳۵)

۳. تاریخ قم نقلاً عن الرضائية للحسين بن محمد بن نصر: أول من انتقل من الكوفة إلى قم من السادات الرضوية، كان أبا جعفر موسى ابن محمد بن علي الرضا عليه السلام في سنة ست وخمسين و مائتين. (موسوعة ج ۱ ص ۱۱۸)

۴. أحمد بن محمد، قال: كتبت إلى أبي محمد عليه السلام حين أخذ المهتدي في قتل الموالی... (موسوعة ج ۱ ص ۳۳۵)

۵. همان: فوق أبو محمد عليه السلام بخطه: ذاك أقصر لعمره..

۶. الحسن بن إبراهيم، والحسن بن مسعود، قالوا: دخلنا على سيدنا أبي محمد الحسن عليه السلام في سنة ست وخمسين ومائتين، وقد ورد عليه كتاب من السواد من إخواننا يسألون مسألة لسيدنا أبي محمد عليه السلام أن يسأل الله أن يكفيهم مؤونة رجل كان يتقلد الحرب يسمى السرجي، وهو سقاء للدماء، ومسألة يصرفه عنهم، فدخلنا والكتاب معنا، ومجلسه حافل بالناس. قال السلطان عليه السلام مبتدئاً: قد قرأت الكتاب الذي معك، وبما بعث يربد إخوانكم من أهل السواد، وما التمسوا. فحمدنا الله وشكرناه، وقمنا والكتاب معنا، ففككتنا ختمه في غرفة كنا نسكنها إلا أنا قرآنه، وختمناه لنوصله، فوصلنا إلى غرفتنا فأخرجنا الكتاب الذي كان معنا، فوجدناه في خاتمه، ففرضناه وقرأناه فوجدناه بخطه عليه السلام: هذا سؤالنا والله الذي إليه الأمر كله، ولم نسأل من ليس له من الأمر شيء كفتيم شتره، وهو سيموت بالطاعون قبل وصول هذا الكتاب بثلاثة أيام، فطبق السرجي بالطاعون، ومات وحمل في أثائه إلى سامراء، (موسوعة ج ۳ ص ۴۴۰)

۷. سعت الأتراك على المهتدي وأعوانهم العامة لما عرفوا من قوله بالاعتزال والقدر، فقتلوه ونصبوا مكانه المعتمد، وبايعوا له (موسوعة ج ۱ ص ۳۲۰)

۸. أجمع الترك على قتل المهتدي، كانوا قد زاد نفوذهم. فساروا إليه فقاتل عن المهتدي المغاربة والفرانجة والأشروسنية وقتل من الأتراك في يوم أربعة آلاف ودام القتال إلى أن هزم جيش الخليفة وأسره الأتراك وسلموه لشخص حاقب منهم فما زال يعذبه حتى مات وذلك في رجب سنة ست وخمسين فكانت خلافته سنة إلا خمسة عشر يوماً وكان لما قامت الأتراك عليه ثار العوام وكتبوا رقاعاً وألقوها في المساجد يا معشر المسلمين ادعوا الله لخليفتكم العدل الرضا المضاهي لعمر بن عبد العزيز أن ينصره الله على عدوه (تاريخ الخلفاء، سيوطي)

خلافت معتمد

شانزدهم رجب^۱ و آزادی امام و شیعیان زندانی
پس از آن.^۲

۲۵۶

هجری قمری

زنگیان غارتگر

صاحب الزنج به بصره و اهواز لشکر کشی کرده
و به کشتار و غارت مردمان آنجا می پردازد.

۲۵۶

هجری قمری

قتل صالح بن وصیف؛ سردار ترک و اولین زندانبان امام

۲۵۶

هجری قمری

وزارت عبیدالله بن فتح بن خاقان

وزیر ریاکار معتمد که در شهادت امام عسکری
و جستجو از امام موعود نقش بسیار فعالی دارد.^۳

۲۵۶

هجری قمری

۱. ابوالعباس محمد معتمد یا احمد معتمد علی الله پانزدهمین خلیفه عباسی در بغداد بود که از سال ۲۵۶ تا ۲۷۹ هجری قمری (سال ۸۷۰ تا ۸۹۲ میلادی) در سرزمین های اسلامی فرمان راند. او پسر بزرگ متوکل بود که هنوز زنده بود؛ وی ۲۳ سال خلافت کرد. در زمان وی، سردار ترک، موسی بن بغا نفوذ بسیاری در حکومت یافت. پس معتمد، چندان در امور سیاسی دخالت نمی کرد، و فرماندهی سپاه و حفظ حدود و تعیین وزیران را به برادرش موفق سپرد.

۲. معتمد کمی پس از به خلافت رسیدن، وقتی که مرگ پیپای خلفای پیشین را به دلایل ظاهری ساده و کم اهمیت (اما در زمان زندانی و تهدید به قتل شدن امام عسکری علیه السلام) مشاهده کرد، حدس زد که احتمالاً قتل آنان به نفرین امام بوده (بویژه که او از شورش ناگهانی لشکریان ترک هم وحشت داشت) پس در آغاز خلافتش نزد امام آمد و از امام خواست برای طولانی شدن خلافتش تا بیست سال دعا کنند. ابن شهر آشوب رحمه الله: و روی آن ... المعتمد [دخل] علی العسکری علیه السلام، و تضرع إلیه، و سأل أن یدعوله بالبقاء عشرین سنة فی الخلافة؟ فقال علیه السلام: مدّ الله فی عمرک ... (موسوعة ج ۳ ص ۲۵۲)

۳. احمد پسر عبیدالله بن فتح که بیست سال بعد والی قم می گردد، گزارش می دهد: روزی نزد پدرم (عبیدالله بن خاقان) (یکی از صاحب منصبان خلیفه وقت) بودم، ناگاه دربانان گفتند: ابو محمد، ابن الرضا (امام حسن عسکری) دم در است. پدرم با صدای بلند گفت: اجازه اش دهید. من تعجب کردم، که مردی را نزد پدرم این گونه با القاب یاد نمایند، در صورتی که هیچ کس جز خلیفه و ولیعهد یا نماینده خلیفه، اینگونه در نزد پدرم، با احترام یاد نمی شدند. سپس دیدم: مردی گندمگون، خوش قامت، زیبا چهره، نوجوان شکوهمند، با هیبت مخصوص وارد گردید، تا پدرم او را دید، برخاست و چند قدم از او استقبال کرد، با اینکه گمان ندارم که پدرم در برابر هیچ کس از بنی هاشم و سرلشگری این گونه رفتار نماید، آن حضرت را کنار خود نشانید، و با احترام مخصوص کنارش نشست و متوجه او گردید و با او به سخن پرداخت و مکرر می گفت: قربانت گردم...

من از برخورد پدرم با امام حسن علیه السلام در تعجب فرو رفته بودم، ناگاه دربان آمد و گفت: موفق (برادر سرلشگر خلیفه) آمده است، قبلاً هرگاه او می آمد، دربان و افسران پدرم به استقبال او می رفتند و در دو صف می ایستادند و با تشریفات مخصوص او را نزد پدرم می آوردند، و در بدرقه او نیز چنین رفتار می شد، در این هنگام پدرم به امام حسن عسکری علیه السلام گفت: خدا مرا قربانت کند، اکنون اگر بخواهید می توانید تشریف ببرید. آن حضرت برخاست و پدرم با او معانقه کرد و بدرقه اش نمود، و به دربانان گفت: آن حضرت را از پشت صف ببرند که موفق، آن حضرت را نبیند! من به دربانان پدرم، گفتم: وای بر شما! این چه شخصی بود که شما در نزد پدرم او را با القاب بلند یاد کردید و آنهمه احترام به او نمودید و پدرم نیز به او فوق العاده احترام کرد؟ گفتند: او از آل علی علیه السلام است و نامش حسن بن علی علیه السلام می باشد و به ابن الرضا معروف است. من بیشتر شگفت زده شدم، آن روز، بی قرار و پریشان بودم تا شب شد، بعد از نماز عشا نزد پدرم رفتم، کسی نزدش نبود، به من گفت: آیا برای کاری نزد آمده ای؟ اجازه طلبیدم و گفتم: این مردی که صبح آن همه احترام به او نمودید، چه کسی بود؟.

پس از ساعتی سکوت، گفت: پسر جان! اگر مقام رهبری از خلفاء بنی عباس جدا گردد، هیچکس از بنی هاشم، مانند او (امام حسن عسکری) به خاطر کمالاتی که دارد شایسته و بایسته مقام رهبری نیست. احمد بن عبیدالله بن خاقان می گوید: من در مورد امام حسن عسکری علیه السلام بیشتر حساس و ناراحت شدم، از آن پس همواره با کنجکاوی خاصی درباره او از قضاوت، نویسندگان، ارتشیان، بنی هاشم و... سؤال می کردم، همه و همه او را در نهایت بزرگی و عظمت و کمال، یاد می کردند: فعظم قدره عندی، اذلم اراله ولیاً ولا عدواً الا وهویحسن القول فیه والثناء علیه: ارزش و مقام او در نظرم بزرگ شد، زیرا هیچ دوست و دشمنی نبود مگر اینکه، آن حضرت را به نیکی یاد می کردم، و او را تعریف و تمجید می نمود.

اطهت کبر

رویداد های سال ۲۵۷ هجری قمری



۱. ضوء بن علی العجلی، عن رجل من أهل فارس سمّاه قال: أتيت سرّ من رأي ولزمت باب أبي محمد عليه السلام فدعاني من غير أن أستأذن. فلما دخلت وسلمت، قال لي: يا أبا فلان! كيف حالك؟ ثم قال لي: أقعد يا فلان! ثم سألتني عن جماعة من رجال ونساء من أهلي، ثم قال لي: ما الذي أقدمك؟ قلت: رغبة في خدمتك. قال: فقال: فالزم الدار. قال: فكنيت في الدار مع الخدم، ثم صرت أشتري لهم الحوائج من السوق، وكنت أدخل عليه من غير إذن إذا كان في دار الرجال. فدخلت عليه يوما وهوفي دار الرجال، فسمعت حركة في البيت، فناداني مكانك لا تبح، فلم أجسر أن أخرج ولا أدخل، فخرجت عليّ جارية معها شيء مغطى، ثم ناداني ادخل، فدخلت ونادي الجارية، فرجعت، فقال لها:

اكتشفي عما معك، فكشفت عن غلام أبيض حسن الوجه. وكشفت عن بطنه، فإذا شعر نابت من لبتة إلى سرتة، أخضر ليس بأسود. فقال هذا صاحبكم، ثم أمرها، فحملته، فما رأيته بعد ذلك حتى مضى أبو محمد عليه السلام. فقال ضوء بن علي: فقلت للفارسي: كم كنت تقدّر له من السنين؟ قال: سنتين (موسوعة ۱ ص ۳۵۵ از کافی)

۲. عيسى بن مهديّ الجوهريّ، قال: خرجت أنا والحسن بن مسعود، والحسين بن إبراهيم، وعتاب وطالب ابنا حاتم، ومحمد بن سعيد، وأحمد بن الخصيب، وأحمد بن جنان من جنبلا إلى سامراء، في سنة سبع وخمسين ومائتين. فعدلنا من المدائن إلى كربلاء، فأرانا أثر سيدنا أبي عبد الله الحسين عليه السلام ليلة النصف من شعبان، فلقينا إخواننا المجاورين بسامراء لمولانا أبي محمد الحسن عليه السلام لهنّته بمولد مولانا المهديّ عليه السلام، فبشّرنا إخواننا: إنّ المولد كان طلوع الفجر من يوم الجمعة، لثمان ليال خلت من شعبان، وهو ذلك الشهر.

فقضينا زيارتنا ببغداد، فزنا أبا الحسن موسى بن جعفر، وأبا جعفر محمد بن عليّ عليه السلام (۲) وصعدنا إلى سامراء. فلما دخلنا على سيدنا أبي محمد الحسن عليه السلام بدأنا بالبكاء قبل التهنئة، فجهزنا بالبكاء بين يديه، ونحن ما ينيف عن سبعين رجلا من أهل السواد.

فقال: إنّ البكاء من السرور بنعم الله مثل الشكر لها، فطوبوا نفسا، وقروا عينا، فوالله! إنكم على دين الله الذي جاء به ملائكته وكتبه ورسله. وإنكم كما قال جدّي رسول الله صلى الله عليه وآله، أنّه قال: إياكم أن تزهّدوا في الشيعة، فإنّ فقيرهم الممتحن المتقي عند الله يوم القيامة، له شفاعة عند الله يدخل فيها مثل ربعة ومضر.

فإذا كان هذا لكم من فضل الله عليكم وعلينا فيكم، فأتي شيء بقي لكم. فقلنا بأجمعنا: الحمد لله، والشكر له، ولكم يا ساداتنا، فيكم بلغنا هذه المنزلة. فقال: بلغتموها بالله وبطاعتكم إياه، واجتهدكم بطاعته وعبادته، ومولاتكم لأوليائه، ومعادتكم لأعدائه. قال عيسى بن مهديّ الجوهريّ: فأردنا الكلام والمسألة، فأجابنا قبل السؤال: أما فيكم من أظهر مسألتي عن ولدي المهديّ؟ فقلنا: وأين هو؟

فقال: قد استودعته الله كما استودعت أم موسى ابنها حيث ألقته في اليمّ إلى أن رده الله إليها. فقالت طائفة منّا: إي والله، لقد كانت هذه المسألة في أنفسنا.

قال: ومنكم من سأل عن اختلاف بينكم وبين أعداء الله وأعدائنا من أهل القبلة والإسلام، وأنا أنبئكم بذلك، فافهموا. فقالت طائفة أخرى: إي والله، يا سيدنا! لقد أضمرنا.

فقال: إنّ الله عزّ وجلّ، أوحى إلى جدّي رسول الله صلى الله عليه وآله: إني قد خصصتك وعلينا وحججي منه ليوم القيامة وشيعتكم بعشر خصال: صلاة الخمسين، والتختّم باليمين، وتعفير الجبين، والأذان والإقامة مثني، وحّي على خير العمل، والجهر في بسم الله الرحمن الرحيم، والآيتين، والقنوت، وصلاة العصر والشمس بيضاء نقية، وصلاة الفجر مغسلة، واختضاب الرأس واللحية، والوشمة.

اطمئنان

فصل سوم

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری علیه السلام

تشریف به محضر امام و خبر از غیبت طولانی

ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری پیش از فرار از دست والی ناصبی به دیدار امام در سامرا رفته نزد امام با کودکی نشسته روی می شود. امام آن کودک (فرزندشان) را معرفی کرده و از غیبتش خبر می دهد.^۱

۲۵۴

هجری قمری

مرگ بخاری

محمد بن اسماعیل بخاری مولف کتاب صحیح بخاری معتبرترین کتاب اهل سنت در ماوراء النهر از دنیا رفت.^۲

۲۵۷

هجری قمری

شورش سسیلی

در سرزمین روم (بیزانس شرقی) باسیل سسیلی سر به شورش برداشت و امپراتور میخائیل بن توفیل (جد مادر امام زمان) که ۲۴ سال پادشاه روم بود را کشت و سلسله موجود روم را ساقط و سلسله ای دیگر برپا کرد.^۳

۲۵۷

هجری قمری

نفرین امام عسکری

والی قم از طرف معتمد؛ عبدالعزیز بن ابی دلف بر شیعیان قم سخت گرفته و برخی را به شهادت می رساند؛ پس جمعی از قمی ها دست به دامان امام شده و امام ضمن نفرین، خبر از دفع شر او از قم و قمی هایش دهد.^۴

۲۵۷

هجری قمری

دردسر ویا

در این سال در مناطق اطراف دجله از سامرا تا بغداد و واسط بیماری ویا میان مردم شایع شد و جمع بسیاری از مردم هلاک شدند.^۵

۲۵۷

هجری قمری

فخالفنا من أخذ حقنا و حربه في الصلاة فجعل أصل التراويح في ليالي شهر رمضان عوضا من صلاة الخميس، كل يوم و ليلة، و كتف أيديهم على صدورهم عوضا عن تغفير الجبين، و التختم باليسرى عوضا عن التختم باليمين، و الفاتحة فرادی خلاف مثنی (موسوعة الإمام العسكري عليه السلام، الخزعلي، ج ۱، ص: ۲۸۳)

۱. این دیدار در حوالی یک تا دو سالگی امام موعود است چرا که راوی از کودکی کوچک اما نشسته خبر می دهد: متن کامل روایت چنین است: ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری، قال: لما هم الوالي عمرو بن عوف بقتلي، و هو رجل شديد النصب، و كان مولعا بقتل الشيعة، فأخبرت بذلك، و غلب علي خوف عظيم، فودعت أهلي و أحبائي و توجهت إلى دار أبي محمد عليه السلام لأودعه، و كنت أردت الهرب، فلما دخلت عليه، رأيت غلاما جالسا في جنبه، و كان وجهه مضيقا كالقمر ليلة البدر، فتحيرت من نوره و ضيائه، و كاد أن ينساني ما كنت فيه من الخوف و الهرب، فقال: يا إبراهيم! لا تهرب فإن الله - تبارك و تعالى - سيكفيك شره، فإزداد تحيرى، فقلت لأبي محمد عليه السلام: يا سيدي! جعلني الله فداك! من هو؟ قد أخبرني عما كان في ضميري! فقال: هو ابني و خليفتي من بعدى، و هو الذى يغيب غيبة طويلة، و يظهر بعد امتلاء الأرض جورا و ظلما، فيملؤها عدلا و قسطا، فسألته عن اسمه، قال: هو سمى رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و كنيته، و لا يحل لأحد أن يسميه باسمه، أو يكنيه بكنيته، إلى أن يظهر الله دولته و سلطنته، فإتكم يا إبراهيم! ما رأيت و سمعت منى اليوم، إلا عن أهله، فصلبت عليهما و آبائهما، و خرجت مستظهما بفضل الله تعالى، و اثقا بما سمعته من الصاحب عليه السلام، فبشرني عني علي بن فارس، بأن المعتمد قد أرسل أبا أحمد أخاه، و أمره بقتل عمرو بن عوف، فأخذه أبو أحمد في ذلك اليوم، و قطعوا عضوا عضوا، و الحمد لله رب العالمين. (موسوعة ۲ ص ۲۹۹).

۲. او کتابش را از میان ششصد هزار حدیث جمع کرد و به علت گرایش ضد اهل بیتى که داشت سعی کرد حتى احادیث مهدویت از منابع عامی را هم در کتاب خود نیاورد و تنها احادیث پراکنده ای درباره دوازده امام و یا نزول عیسی و یا دجال را ذکر کرده است.

۳. اگر داستان رومی بودن مادر امام زمان علیه السلام پذیرفته شود، امپراتور مقتول جد ایشان که قیصر روم بوده است.

۴. المجدي، ابن الصوفي ص ۳۴۷: محمد بن أحمد بن محمد* بن الحسن بن علي بن علي بن عمر الأشرف، قال أبي: قتله عبد العزيز بن دلف، ضرب عنقه صبرا يسود قم في أيام المعتمد. در این شرایط او بر برخی شیعه سخت می گیرد پس او به امام اشکایت می کند: علي بن محمد عن بعض أصحابنا قال كتب محمد بن حنبل إلى أبي محمد ع يشكو عبد العزيز بن دلف و يزيد بن عبد الله فكتب إليه أما عبد العزيز فقد كفيته و أما يزيد فإن لك و له مقاماتين يدي الله فمات عبد العزيز و قتل يزيد محمد بن حنبل الكافي، الكليني ج ۱ ص ۵۱۳)

۵. تاریخ الطبري / ترجمه، ج ۱۵، ص: ۶۴۲۶

رویداد های سال ۲۵۸ هجری قمری



در این سفر احمد، حامل نامه ها و اموال قمی هاست و سعد با شبهات فکری زیادی نزد امام آمده تا پاسخ بگیرد. پس امام عسکری علیه السلام او را به فرزندش که در مجلس حضور دارد، ارجاع می دهد حدیثا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن إسحاق بن سعد الأشعري، قال:

دخلت على أبي محمد الحسن بن عليّ عليهما السلام، وأنا أريد أن أسأله عن الخلف من بعده، فقال لي مبتدئاً: يا أحمد بن إسحاق! إن الله تبارك وتعالى لم يخل الأرض منذ خلق آدم عليه السلام، ولا يخلها إلى أن يقوم الساعة من حجة الله على خلقه، به يدفع البلاء عن أهل الأرض، وبه ينزل الغيث، وبه يخرج بركات الأرض.

قال: فقلت له: يا ابن رسول الله! فمن الإمام والخليفة بعدك؟

فنهض عليه السلام مسرعاً، فدخل البيت ثم خرج، وعلى عاتقه غلام كأن وجهه القمر ليلة البدر، من أبناء ثلاث سنين، فقال: يا أحمد بن إسحاق! لولا كرامتك على الله عز وجل وعلى حججه ما عرضت عليك ابني هذا، إنه سمى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وكنيته الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً.

يا أحمد بن إسحاق! مثله في هذه الأمة مثل الخضر عليه السلام، ومثله مثل ذي القرنين، والله! ليغيبن غيبة لا ينجو فيها من الهلكة إلا من ثبته الله عز وجل على القول بإمامته، ووقفه [فيها] للدعاء بتعجيل فرجه.

فقال أحمد بن إسحاق: فقلت له: يا مولاي! فهل من علامة يطمئن إليها قلبي؟

فنطق الغلام عليه السلام بلسان عربي فصيح، فقال: أنا بقیة الله في أرضه، والمنتم من أعدائه، فلا تطلب أثراً بعد عين، يا أحمد بن إسحاق!

فقال أحمد بن إسحاق: فخرجت مسروراً فرحاً، فلما كان من الغد عدت إليه، فقلت له: يا ابن رسول الله! لقد عظم سروري بما مننت به عليّ، فما السنة الجارية فيه من الخضر وذي القرنين؟

فقال: طول الغيبة، يا أحمد!

قلت: يا ابن رسول الله! وإن غيبته لتطول؟

قال: إي، وربي! حتى يرجع عن هذا الأمر أكثر القائلين به، ولا يبقى إلا من أخذ الله عز وجل عهده لولايتنا، وكتب في قلبه الإيمان، وأتيه بروح منه.

يا أحمد بن إسحاق! هذا أمر من أمر الله، وسر من سر الله، وغيب من غيب الله، فخذ ما آتيتك واكتمه، وكن من الشاكرين تكن معنا غداً في عليين (موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، ج ۲ ص ۲۹۹ از کمال الدین)

.. فَقُلْتُ لَهُ عَ مِثْلَ قَوْلِي لِأَبِيهِ فَقَالَ لِي هَذَا أَبُو عَمْرٍو الثَّقَةُ الْأَمِينُ ثِقَةُ الْمَاضِي وَثِقَتِي فِي الْمَخْيَا وَالْمَمَاتِ فَمَا قَالَ لَكُمْ فَعَتِي يَقُولُهُ وَمَا أَذَى إِلَيْكُمْ فَعَتِي يُؤَذِيهِ. (الغيبة للطوسي، ص: ۳۵۵)

. سازمان وکالت، جباری، ج ۲ ص ۶۶۷

علي بن محمد بن الحسن قال: خرج السلطان يريد البصرة، فخرج أبو محمد عليه السلام يشيعه فنظرنا إليه ماضياً معه وكنا جماعة من شيعة، فجلسنا من الحائطين ننتظر رجوعه، فلما رجع عليه السلام وقف علينا ثم مد يده إلى قلنسوته فاخذها عن رأسه وامسكها بيده وأمر بيده الأخرى على رأسه وضحك في وجه رجل منافق، فقال الرجل مبادراً: أشهد أنك حجة الله وخيرته، فسألناه ما شأنك؟ فقال: كنت شاكاً فيه وقلت في نفسي أن رجوع واخذ في الطريق قلنسوته عن رأسه قلت بامامته. (موسوعة ج ۲ ص ۱۲۵) با مراجعه به تواریخی مانند طبری، سالی که موفق برای جنگ بصره از سامرا برای جنگ با صاحب الزنج خارج شده و خلیفه و بزرگان سامرا و مردم شهر برای بدرقه او و لشکریانش می آیند در این سال است.

اطهت کور

فصل سوم /

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری علیه السلام

۲۵۸

هجری قمری

گزارشی از زندانی بودن یکی از شیعیان در زندان در این سال^۱ و استمداد او از امام و راهنمایی امام به او رسیده است.^۱

۲۵۸

هجری قمری

خشکسالی شدید و تحت الشعاع قرار گرفتن سفر حج

در پی خشکسالی شدید عراق و حجاز، بسیاری از چاه‌های آب در مسیر بیابانی سفر حج خشک می‌شود. بنابراین بسیاری از کاروان‌ها راهی حج نشدند.

اما امام طی نامه ای به شیعیان دستور می‌دهد که به حج بروند و اعلام می‌کند که خطری متوجه آنان نمی‌شود.^۲

شدت گرفتن دوباره فشارها بر شیعیان

ظلم‌ها و فشارها بر شیعیان در کانون‌های اصلی جغرافیای شیعه یعنی: قم و کوفه و دوباره آغاز شده و بصورت تدریجی شدت می‌یابد.^۳

۲۵۸

هجری قمری

سرکوب شورش مردم قم

مردم قم بار دیگر در زمان معتمد شورش کردند که توسط موسی بن بغا سرکوب گردید.^۴

۲۵۸

هجری قمری

اطاعت و سرکوب

فصل سوم /

گاه‌شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری علیه السلام

۱. راوی این گزارش عبدالله بن جعفر حمیری قمی صاحب کتال قرب الاسناد والغیبه است. به قرینه سفر احمد بن اسحاق و سعد بن عبدالله اشعری، می‌توان حدث زد سفر او هم به سامرا همراه آنان صورت گرفته است. و به قرائن تاریخی محدودیت رفت و آمد قمی‌ها تا پیش از این، اگر سفر حمیری در این سال نباشد، تنها در سال ۲۵۹ ق احتمالش می‌رود.

۲. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذْ وَرَدَتْ إِلَيْهِ رُقْعَةٌ مِنَ الْخَبَسِ مِنْ بَعْضِ مَوَالِيهِ يَذْكُرُ فِيهَا ثَقُلَ الْحَدِيدُ وَشَوَّءَ الْحَالُ وَتَحَامَلُ السُّلْطَانُ وَكُتِبَ إِلَيْهِ يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَمْتَحِنُ عِبَادَهُ لِيُخْتَبِرَ صَبْرَهُمْ فَيُثَبِّتَهُمْ عَلَى ذَلِكَ ثَوَابَ الصَّالِحِينَ فَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَاكْتُبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رُقْعَةً وَأَنْفِذْهَا إِلَى مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَأَزْفَعْهَا عِنْدَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَذْفَعْهَا حَيْثُ لَا يَرَاكَ أَحَدٌ وَاكْتُبْ فِي الرُّقْعَةِ إِلَى اللَّهِ الْمَلِكِ الدِّينَارِ الْمُتَحَنِّنِ الْمُتَّانِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَذِي الْمَنِّ الْعَظَامِ وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ وَعَالِمِ الْخَفِيَّاتِ (بحار ۹۹ ص ۲۳۸)

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْمُطَهَّرِ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ سَنَةَ الْقَادِسِيَّةِ يَعْلَمُهُ انْصِرَافُ النَّاسِ، وَأَنَّهُ يَخَافُ الْعَطَشَ.

فكتب عليه: امضوا فلا خوف عليكم إن شاء الله، فمضوا سالمين (موسوعة ۱ ص ۳۲۰ از کافی)

۴. به عنوان نمونه روز پنجشنبه هفتم ماه رمضان در باب‌العامه سامرا شخصی به نام ابوقعس را پس از اقامه شهادت علیه او به جرم ناسزاگویی به سلف، ۱۰۲۰ تازیانه زدند تا اینکه جان داد. تاریخ الطبری / ترجمه، ج ۱۵، ص ۶۴۳.

شورش مردم قم زمانی رخ داد که معتمد، خلیفه عباسی مشغول جنگ با یعقوب لیث صفاری در سال ۲۵۸ ق بود؛ پس «معتمد»، موسی بن بغا را که والی بلاد جبل بود، مأمور کرد تا قزوین و زنجان را از دست سادات علوی بیرون آورد و شعله انقلاب قم را فرو نشاند.

او «عبدالرحمن بن مفلح ترک» را همراه سپاهی بزرگ به قم روانه داشت. مردم قم او را به شهر راه ندادند، ولی او با نیرنگ، شبانه خود را به درون شهر رساند و رهبران نهضت را قتل عام و گروهی را نیز زندانی کرد. مردم متواری شدند؛ او شهر را ویران کرد و خراج چهارساله قمیون را وصول کرد و به جانب ری رفت و به موسی پیوست.

رویداد های سال ۲۵۹ هجری قمری

فرونی یافتن پرسش و پاسخ ها و دیدارها

پرسش و پاسخ های شیعیان و همچنین احادیث امام عسکری علیه السلام در موضوع امامت و وصایت خود و مهدویت رو به فرونی می نهد.^۱ همچنین پیش از فرستاده شدن امام مهدی علیه السلام به سفر حج، آمار دیدارها هم روندی فرونی می نهد.^۲

۲۵۹

جری قمری

معرفی نواب امام مهدی به اهل یمن

امام عسکری در جلسه ای که جمعی از شیعیان یمن نیز در آن حضور دارند، عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان را به عنوان وکلای پیاپی خود و امام مهدی معرفی نمود و به یمنی ها دستور داد اموال خود را به عثمان بدهند.^۳

۲۵۹

هجری قمری

دیدار چهل نفره

جمعی چهل نفره از بزرگان شیعه در دیداری با امام عسکری از امام بعدی و جانشین امام عسکری علیه السلام می پرسند. امام فرزندش را به جلسه فرا می خواند و او را به عنوان جانشین

خود معرفی می نماید. همچنین از غیبتش خبر داده و عثمان بن سعید را به عنوان وکیلش معرفی می نماید.^۴

۲۵۹

هجری قمری

ادامه

اطاعت و کبر

فصل سوم

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری علیه السلام

۱. کامل بن ابراهیم مدنی از طرف گروهی از مفوضه و مقصره به دیدار امام می آید تا در مورد نقش ایمان در بهشتی شدن بپرسد، پس در منزل امام با کودکی چهار ساله روبرو می گردد.

یعقوب بن منقوش از شیعیان می گوید: روزی در منزل امام کودکی پنج ساله دیدم و امام درباره مقام او برابم سخن فرمود. -أبی نعیم محمد بن أحمد الأنصاری قال: وجه قوم من المفوضة والمقصرة کامل بن ابراهیم المدنی إلى أبي محمد عليه السلام قال: فقلت في نفسي: أسأله لا يدخل الجنة إلا من عرف مثل معرفتي وقال بمقالتني؟ قال: فلما دخلت على أبي محمد عليه السلام إلى أن قال: فسلمت وجلست إلى باب عليه ستر مرخي، فجاءت الريح فكشفت طرفه فإذا أنا بفتى كأنه فلقه قمر من أبناء أربع سنين أو مثلها، فقال لي: يا كامل بن ابراهیم فاقشعررت من ذلك وألهمت أن قلت: لبیک یا سیدی، فقال: جئت إلى ولي الله وحجته وبابه تسأله هل يدخل الجنة إلا من عرف معرفتك وقال بمقالتك؟ قلت: أي والله یا سیدی، قال: إذن والله یقل داخلها، والله إنه ليدخلها قوم يقال لهم الحقيقة، قلت: یا سیدی من هم؟ قال: قوم من حبههم لعلي يحلفون بحقه ولا يدرون ما حقه وفضله، ثم سكت عليه السلام عني ساعة ثم قال:

وجئت تسأله عن مقالة المفوضة كذبوا بل قلوبنا أوعية لمشيئة الله فإذا شاء شئنا، والله يقول: وما تشاؤون إلا أن يشاء الله* ثم رجع الستر إلى حالته فلم أستطع كشفه (اثبات الهداه ج ۵ ص ۳۱۱)

. یعقوب بن منقوش قال دخلت على أبي محمد الحسن بن علي ع وهو جالس على دكان في الدار وعن يمينه بيت وعليه ستر مسبل فقلت له يا سیدی من صاحب هذا الأمر فقال أرفع الستر فرفعت فخرج إلينا غلام خماسي له عشر أو ثمان أو نحو ذلك واضح الجبين أبيض الوجه ذري المقلتين شثن الكفین معطوف الكتبتين في حده الأيمن خال وفي رأسه ذوابة فجلس على فخذي أبي محمد ع ثم قال لي هذا هو صاحبكم ثم وثب فقال له يا بني ادخل إلى الوقت المعلوم فدخل البيت وأنا أنظر إليه ثم قال لي يا یعقوب انظر إلى من في البيت فدخلت فما رأيت أحدا

۳. . حدثني محمد بن إسماعيل وعليه بن عبد الله الحسيني قال دخلنا على أبي محمد الحسن ع بسر من رأى وبين يديه جماعة من أوليائه وشمسهم حتى دخل عليه بذر خادمه فقال يا مولاي بالباب قوم شعث غبر فقال لهم هؤلاء نفر من شيعتنا باليمن في حديث طويل يسوقانه إلى أن ينتهي إلى أن قال الحسن ع لبدر فامض فأتينا بعثمان بن سعيد العمري فما لبثنا إلا يسيرا حتى دخل عثمان فقال له سيدنا أبو محمد ع امض يا عثمان فإنك الوكيل والثقة المأمون على مال الله وأبيض من هؤلاء الثفر اليمنيين ما حملوه من المال ثم ساق الحديث إلى أن قال ثم قلنا بأجمعنا يا سيدنا والله إن عثمان لمن خيار شيعتك ولقد زدنا علما بمؤذيعه من خدمتك وإنه وكيكك وثقتك على مال الله تعالى قال نعم وأشهدوا على أن عثمان بن سعيد العمري وكييلي وأن ابنه محمدا وكييل ابني مهديكم. (الغيبة للطوسي، ص: ۳۵۶)

۴. الغيبة للطوسي ص ۳۵۷: قال جعفر بن محمد بن مالك القزاري البزاز عن جماعة من الشيعة منهم علي بن بلال وأحمد بن هلال ومحمد بن معاوية بن حكيم والحسن بن أيوب بن نوح في خبر طويل مشهور قالوا جميعا اجتمعنا إلى أبي محمد الحسن بن علي ع نسأله عن الحجة من بعده وفي مجلسه ع أزعج رجلا فقام إليه عثمان بن سعيد بن عمرو العمري فقال له يا ابن رسول الله أريد أن أسألك عن أمر أنت أعلم به مني فقال له اجلس يا عثمان فقام معصبا ليخرج فقال لا يخرجن أحد فكم يخرج منا أحد إلى أن كان بعد ساعة فصاح ع بعثمان فقام على قدميه فقال أخبركم بما جئتم قالوا نعم يا ابن رسول الله قال جئتم تشألوني عن الحجة من بعدي قالوا نعم فإذا غلام كأنه قطع قمر أشبه الناس بأبي محمد ع فقال هذا إمامكم من بعدي وخليفتي عليكم أطيعوه ولا تنفروا من بعدي فتهلكوا في أديانكم ألا وإنكم لا ترونه من بعد يومكم هذا حتى يتم له عمر فأقبلوا من عثمان ما يقولون وانتهاوا إلى أمره وأقبلوا قوله فهو خليفة إمامكم والأمر إليه.

شدت یافتن مباحث کلامی در میان شیعیان نیشابور

به دلیل حضور تاریخی فضل بن شاذان نیشابوری عالم، محدث و متکلم بزرگ شیعی مباحث کلامی در میان شیعه نیشابور بالا می‌گیرد. فضل که شاگرد یونس بن عبدالرحمان و او شاگرد هشام بن حکم است،

افکار و گرایش کلام عقلی هشام را به نیشابور می‌آورد، ولی برخی از شیعیان در دوگانه جمع بین عقل و نقل سر از عقاید غالبانه در آورده و همین باعث ایجاد تنش و تحیر کلامی در شیعه نیشابور می‌شود.

۲۵۹

هجری قمری

۲۵۹

هجری قمری

تدبیر امام عسکری علیه السلام برای بحران فکری نیشابور

در پی آشفتگی فکری شیعه در نیشابور، برخی از شیعیان ضمن فرستادن گزارش اوضاع، شبهات و پرسش‌های رایج را به امام عرضه می‌کنند. امام ابتدا پاسخ سوالات و شبهات را می‌دهد.^۱ سپس وکیلی به

نام ایوب بن ناب را به نیشابور می‌فرستد، اما او توفیقی پیدانمی‌کند. امام به سرعت ابراهیم بن عبده را جانشین او می‌کند.^۲

ادامه

۱. و ممّا وقّع عبد الله بن حمدويه البيهقي و كتبه عن رقعته: أنّ أهل نيسابور قد اختلفوا في دينهم، وخالف بعضهم بعضا و يكثر بعضهم بعضا، و بها قوم يقولون:

إنّ النبي - ﷺ - عرف جميع لغات أهل الأرض، و لغات الطيور، و جميع ما خلق الله، و كذلك لا بدّ أن يكون في كلّ زمان من يعرف ذلك، و يعلم ما يضمّر الإنسان، و يعلم ما يعمل أهل كلّ بلاد في بلادهم و منازلهم، و إذا لقي طفلين يعلم أيّهما مؤمن، و أيّهما يكون منافقا. و أنّه يعرف أسماء جميع من يتولاه في الدنيا، و أسماء آبائهم، و إذا رأى أحدهم عرفه باسمه من قبل أن يكلمه. و يزعمون - جعلت فداك - أنّ الوحي لا ينقطع، و أنّ النبي ﷺ لم يكن عنده كمال العلم، و لا كان عند أحد من بعد، و إذا حدث الشيء في أيّ زمان كان؛ و لم يكن علم ذلك عند صاحب الزمان، أوحى الله إليه و إليهم. فقال ﷺ: كذبوا - لعنهم الله - و افتروا إثما عظيما.

و بها شيخ يقال له: الفضل بن شاذان يخالفهم في هذه الأشياء، و ينكر عليهم أكثرها، و قوله: شهادة أن لا إله إلا الله، و أنّ محمدا رسول الله، و أنّ الله عزّو جلّ في السماء السابعة فوق العرش كما وصف نفسه عزّو جلّ، و أنّه جسم فوصفه بخلاف المخلوقين في جميع المعاني، ليس كمثله شيء، و هو السميع البصير. و أنّ من قوله: إنّ النبي ﷺ قد أتى بكمال الدين، و قد بلغ عن الله عزّو جلّ ما أمره به، و جاهد في سبيله، و عبده حتى أتاه اليقين. و أنّه ﷺ أقام رجلا يقوم مقامه من بعده، فعلمه من العلم الذي أوحى الله إليه، يعرف ذلك الرجل الذي عنده من العلم الحلال و الحرام، و تأويل الكتاب، و فصل الخطاب. و كذلك في كلّ زمان لا بدّ من أن يكون واحد يعرف هذا. و هو ميراث من رسول الله ﷺ يتوارثونه، و ليس يعلم أحد منهم شيئا من أمر الدين إلاّ بالعلم الذي ورثوه عن النبي ﷺ، و هو ينكر الوحي بعد رسول الله ﷺ.

فقال ﷺ: قد صدق في بعض، و كذب في بعض.

و في آخر الورقة: قد فهمنا رحمك الله كلّما ذكرت، و يأبى الله عزّو جلّ أن يرشد أحدكم، و أن يرضى عنكم و أنتم مخالفون معطلون، الذين لا يعرفون إماما و لا يتولّون وليا كلّما تلاقاكم الله عزّو جلّ برحمته، و أذن لنا في دعائكم إلى الحق. و كتبنا إليكم بذلك، و أرسلنا إليكم رسولا لم تصدّقه، فاتّقوا الله! عباد الله، و لا تلجوا في الضلالة من بعد المعرفة. و اعلموا! أنّ الحجّة قد لزمت أعناقكم، فاقبلوا نعمته عليكم، ندّم لكم بذلك سعادة الدارين عن الله عزّو جلّ، إن شاء الله. و هذا الفضل بن شاذان، مالنا و له؟! يفسد علينا موالينا، و يزيت لهم الأباطيل، و كلّما كتبنا إليهم كتابا اعترض علينا في ذلك. و أنا أتقدّم إليه أن يكفّ عنا، و إلّا والله! سألت الله أن يرميه بمرض لا يندمل جرمه منه في الدنيا و لا في الآخرة. أبلغ موالينا هداهم الله سلامي، و أقرّهم بهذه الرقعة، إن شاء الله.

۲. ایوب بن ناب وکیل امام چون به نیشابور وارد می‌شود سعی می‌کند با همه شیعیان ارتباط برقرار کند. حتی آنان که معروف به غلو و نگرش‌های افراطی هستند (در نگاه ایوب غلو آنان معتدل بوده و در نیشابور با اکثریت سنی، آنان شایستگی جذب شدن به حق را دارند). این روش او به مذاق عده‌ای بویژه فضل بن شاذان نیشابوری خوش نمی‌آید و او از وکیل امام فاصله می‌گیرد. پس عده‌ای از شیعیان هم به تبع فضل از همکاری با ایوب سرباز می‌زنند. اخبار این رویدادها هم به امام در سامرا می‌رسد.

- امام در ادامه مدیریت تحولات منطقه نیشابور، به سرعت به تعویض وکیل خود پرداخته و ابراهیم بن عبده را به عنوان دومین وکیل به منطقه می‌فرستد و در ضمن نامه‌ای به برخی از بزرگان شیعه بروکالت او تنکید کرده و همگان را به همکاری با او دعوت می‌نماید

بوعمر و الکشي عليه السلام: و من كتاب له عليه السلام «۲» إلى عبد الله بن حمدويه البيهقي: و بعد فقد نصبت لكم إبراهيم بن عبده، ليدفع النواحي، و أهل ناحيتك حقوقي الواجبة عليكم إليه، و جعلته ثقتي و أميني عند موالي هناك، فليتقوا الله جلّ جلاله، و ليرقبوا و ليؤدّوا الحقوق، فليس لهم عذر في ترك ذلك، و لا تأخير، و لا أشقاكم الله بعضيان أوليائه، و رحمهم الله و إيتاك معهم برحمتي لهم، إنّ الله واسع كريم. (موسوعة ۳ ص ۳۹۵)

اطاعت و شکر

ادامه یافتن مسائل نیشابور

۲۵۹

هجری قمری

دراواخر این سال اسحاق بن اسماعیل از بزرگان شیعه نیشابور به دیدار امام آمده و گزارشی از وضعیت شیعه در نیشابور و خراسان به امام می‌دهد و خبر می‌دهد که برخی از شیعیان، نماینده و وکیل انتخابی ایشان؛

ابراهیم بن عبده را به رسمیت نشناخته و حاضر به همکاری با او نیستند. امام نیز نامه‌ای بلند بالا در تأیید این عبده نوشته و به مخالفین هشدار داده و موقعیت این عبده را تثبیت می‌کند.^{۸۵}

ادامه

موسوعه ۳ ص ۳۷۰ از کشی: (یادآوری: این نامه طولانیست ولی دارای فوائد کلامی و تاریخی و مدیریتی متعددی است بدین جهت کامل ارائه می‌گردد. أبو عمرو الکثیری رحمه الله: حکي بعض الثقات بنيسابور: أنه خرج لإسحاق بن إسماعيل من أبي محمد عليه السلام توقيع: يا إسحاق بن إسماعيل! سترنا الله وإياك بستره، وتولاك في جميع أمورك بصنعه، قد فهمت كتابك، يرحمك الله.

ونحن بحمد الله ونعمته أهل بيت نرق على موالينا، ونسرتتابع إسماعيل الله عز وجل عليهم.

فأتم الله عليكم بالحق، ومن كان مثلك ممن قد رحمه الله، ونصره نصرك ونزع عن الباطل، ولم يعم في طغيانه نعمه.

فإن تمام النعمة دخولك الجنة، وليس من نعمة وإن جل أمرها، وعظم خطرها إلا والحمد لله تقدست أسماؤه عليها مؤدي شكرها.

وأنا أقول: الحمد لله مثل ما حمد الله به حامد إلى أبد الأبد بما من به عليك من نعمة، ونجاة من الهلكة، وسهل سبيلك على العقبة.

وأيم الله! إنها لعقبة كنود شديد أمرها، صعب مسلكها، عظيم بلاؤها، طويل عذابها، قديم في الزبر الأولى ذكرها.

ولقد كانت منكم أمور في أيام الماضي عليه السلام إلى أن مضى لسبيله صلى الله على روحه، وفي أيامي هذه كنتم فيها غير محمودي الرأي، ولا مسددي التوفيق.

واعلم يقينا يا إسحاق! أن من خرج من هذه الحياة الدنيا أعمى فهو في الآخرة أعمى وأضل سبيلا، إنها يا ابن إسماعيل ليس تعمى الأبصار لكن تعمى القلوب التي في الصدور.

وذلك قول الله عز وجل في محكم كتابه للظالم: رَبِّ لِمَ حَسَبْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا

قال الله عز وجل: كذلك أثبتك آياتنا فتسيتها وكذلك اليوم تُنسى وأية آية يا إسحاق، أعظم من حجة الله عز وجل على خلقه، وأمينه في بلاده وشاهده على عباده من بعد من سلف من آبائه الأولين من النبيين، وآبائه الآخرين من الوصيين، عليهم أجمعين رحمة الله وبركاته.

فأين يتاه بكم؟ وأين تذهبون كالأنعام على وجوهكم عن الحق تصدفون، وبالباطل تؤمنون، وبنعمة الله تكفرون، أو تكذبون ممن يؤمن ببعض الكتاب ويكفر ببعض؟! بعض الكتاب

فما جزاء من يفعل ذلك منكم، ومن غيركم إلا خزي في الحياة الدنيا الفانية، وطول عذاب في الآخرة الباقية، وذلك والله! الخزي العظيم.

إن الله فضله ومثله لما فرض عليكم الفرائض لم يفرض عليكم لحاجة منه إليكم بل برحمة منه لا إله إلا هو عليكم، ليميز الخبيث من الطيب، وليبتلي ما في صدوركم، وليمحص ما في قلوبكم، ولتسابقون إلى رحمته، وتتفاضل منازلكم في جنته.

ففرض عليكم الحج، والعمرة، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، والصوم، والولاية، وكفاهم لكم بابا، ولتفتحوا أبواب الفرائض، ومفتاحا إلى سبيله. ولولا محمد عليه السلام والأوصياء من بعده لكنتم حيارى كالبهائم، لا تعرفون فرضا من الفرائض.

وهل تدخل قرية إلا من بابها، فلما من عليكم بإقامة الأولياء بعد نبي عليه السلام قال الله عز وجل لنبيه: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا «۱» وفرض عليكم لأوليائه حقوقا أمركم بأدائها إليهم، ليحل لكم ما وراء ظهوركم من أزواجكم، وأموالكم، وما كللكم، ومشاربكم، ومعرفتكم بذلك النماء، والبركة، والثروة، وليعلم من يطيعه منكم بالغيب.

قال الله عز وجل: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى «۱».

واعلموا! أن من يبخل، فإنما يبخل على نفسه، وأن الله هو الغني، وأنتم الفقراء إليه، لا إله إلا هو، ولقد طالبت المخاطبة فيما بيننا وبينكم فيما هولكم وعليكم، ولولا ما يجب من تمام النعمة من الله عز وجل عليكم، لما أريتكم لي خطأ ولا سمعتم متي حرفا من بعد الماضي عليه السلام.

أنتم في غفلة عما إليه معادكم، ومن بعد النابي رسولي، وما ناله منكم حين أكرمه الله بمصيره إليكم.

ومن بعد إقامتي لكم إبراهيم بن عبده وفقه الله لمرضاته، وأعانه على طاعته، وكتابي الذي حملته محمد بن موسى النيسابوري، والله المستعان على كل حال.

وإني أراكم تفرطون في جنب الله، فتكونون من الخاسرين، فبعدا وسحقا لمن رغب عن طاعة الله، ولم يقبل مواعظ أوليائه.

وقد أمركم الله جل وعلا بطاعته، لا إله إلا هو وطاعة رسوله عليه السلام، وبطاعة أولي الأمر عليهم السلام، فرحم الله ضعفكم، وقلة صبركم عما أملمكم.

فما أغر الإنسان ربته الكريم، واستجاب الله دعائي فيكم، وأصالح أموركم على يدي، فقد قال الله جل جلاله: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ «۲».

وقال جل جلاله: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا «۳».

وقال الله جل جلاله: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ «۱».

فما أحب أن يدعوا الله جل جلاله بي، ولا بمن هو في أيامي إلا حسب رقتي عليكم، وما انطوى لكم عليه من حب بلوغ الأمل في الدارين جميعا والكينونة معنا في الدنيا والآخرة.

فقد يا إسحاق، يرحمك الله! ويرحم من هو وراءك بينت لكم بيانا، وفسترت لكم تفسيريا، وفعلت بكم فعل من لم يفهم هذا الأمر قط، ولم يدخل فيه طرفه عين، ولو فهمت الصم الصلاب بعض ما في هذا الكتاب لتصدعت قلعا خوفا من خشية الله، ورجوعا إلى طاعة الله عز وجل.

اطمئنتون

فصل سوم

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری عليه السلام

رفع خشکسالی به برکت دعای امام

با اوج گیری خشکسالی و قحطی، شیعیان میانی و جنوبی عراق دست به دامان امام شدند. امام دعایی برایشان نوشت و به برکت آن برایشان بارانی فراوان بارید.^۱

۲۵۹
هجری قمری

حج مخفیانه امام زمان (ع) به همراه مادر بزرگ

امام عسکری (ع) از مادرش خواست که همراه امام موعود (ع) به مکه رفته و ضمن انجام اعمال حج موقتاً فرزندش را از سامرا دور نگه دارد. همچنین امام ضمن خبر دادن از شهادت قریب الوقوعش، موارث امامت را به فرزند موعودش می دهد و آنان پس از وداعی اشکبار، مخفیانه راهی سفر حج می گردند.

۲۵۹
هجری قمری

زندانی شدن مجدد امام عسکری

در اواخر این سال امام به دستور معتمد زندانی می گردد.^۲ زندانبانش هم فردی خشن به نام علی جرین (یا نحیر) است. اوکه دارای حیوانات درنده است، گهگاه امام را میان آن حیوانات درنده رها می کند، ولی آنان پیش روی امام آرام می گیرند^۳ و این اعجاز امام سبب تعجب او و عباسیان می گردد.^۴

۲۵۹
هجری قمری

ادامه

فاعملوا من بعد ما شئتم فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ «۲» ثُمَّ تَرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ «۳» والعاقبة للمتقين، والحمد لله كثيرا رب العالمين. و أنت رسولی یا إسحاق! إلی إبراهیم بن عبده، وقته الله أن يعمل بما ورد علیه فی کتابی مع محمد بن موسی النیسابوری إن شاء الله، و رسولی إلی نفسك، و إلی کل من خلفک ببلدک، أن يعملوا بما ورد علیکم فی کتابی مع محمد بن موسی إن شاء الله. و یقرأ إبراهیم بن عبده کتابی هذا و من خلفه ببلده حتی لا یسألونی، و بطاعة الله یعصمون، و الشیطان بالله عن أنفسهم یجتنبون و لا یطیعون.

و علی إبراهیم بن عبده سلام الله و رحمته و علیک یا إسحاق، و علی جمیع موالی السلام كثيرا، سددکم الله جمیعا بتوفیقہ، و کل من قرأ کتابنا هذا من موالی من أهل بلدک و من هو بنا حیثکم، و نزع عما هو علیه من الانحراف عن الحق، فلیؤد حقوقنا إلی إبراهیم بن عبده. و لیحمل ذلك إبراهیم بن عبده إلی الرازی رضی الله عنه، أو إلی من یسمی له الرازی فإن ذلك عن امری و رأیی، إن شاء الله. و یا إسحاق! اقرأ کتابنا علی البلالی رضی الله عنه، فإنه الثقة المأمون العارف بما یجب علیه، و أقره علی المحمودی عافاه الله، فما أحمدا له لطاعته.

فإذا وردت بغداد فاقراءه علی الدهقان وکیلنا و ثقتنا، و الذي یقبض من موالینا، و کل من أمکنک من موالینا فاقراءهم هذا الكتاب، و ینسخه من أراد منهم نسخة، إن شاء الله تعالی.

و لا یکنم امرهنا عمن یشاهده من موالینا إلا من شیطان مخالف لکم فلا تنثرن الدربین أظلاف الخنازیر، و لا کرامة لهم. و قد وقعنا فی کتابک بالوصول و الدعاء لک و لمن شئت، و قد أجبنا شیعتنا عن مسألته و الحمد لله فما بعد الحق إلا الضلال. فلا تخرجن من البلدة حتی تلقی العمري رضی الله عنه برضای عنه، و تسلّم علیه و تعرفه و یعرفک، فإنه الطاهر الأمين العفیف القریب منا و إلینا، فکل ما یحمل إلینا من شیء من النواحي فإلیه یسیر آخر أمره لیوصل ذلك إلینا.

و الحمد لله كثيرا، سترنا الله و إناکم یا إسحاق بستره، و تولاک فی جمیع أمورک بصنعه. و السلام علیک، و علی جمیع موالی، و رحمة الله و بركاته، و صلی الله علی سیدنا محمد النبی و آله و سلّم كثيرا.

۱. أبو جعفر الطبري (ع): دخل علی الحسن بن علي عليه السلام قوم من سواد العراق يشكون قلة الأمطار؟ فكتب لهم كتابا، فأمطروا، ثم جاءوا يشكون كثرة، فأمسك المطر (كمال الدين و تمام النعمة، الشيخ الصدوق، ج ۲، ص: ۴۳۷)

۲. شاهد زندانی بودن امام در ماه ذی قعدة این سال، ناکامی حجابیان شیعه ای است که در مسیر سفر حج به سامرا می آیند ولی از دیدار امام محروم می گردند چون امام در زندان است: رجال الکشي ص ۵۳۷: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ الْوَرَّاقَ السَّيَمَرُفَنَدِيَّ، يَقُولُ، خَرَجْتُ إِلَى الْحَجِّ، ... فَأَتَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عِيْسَى الْعُبَيْدِيَّ، وَ رَأَيْتُهُ شَيْخًا فَاضِلًا فِي أَنْفِهِ عَوِجٌ وَ هُوَ الْقَنَا، وَ مَعَهُ عِدَّةٌ رَأَيْتُهُمْ مُغْتَوِّينَ مَخْرُؤَيْنِ، فَقُلْتُ لَهُمْ: مَا لَكُمْ قَالُوا إِنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ (ع) قَدْ حَبَسَ، قَالَ بُورْقُ: فَخَجَجْتُ وَ رَجَعْتُ ثُمَّ أَتَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عِيْسَى، وَ وَجَدْتُهُ قَدْ انْجَلَى عَنْهُ مَا كُنْتُ رَأَيْتُ بِهِ، فَقُلْتُ مَا الْخَبْرُ قَالَ قَدْ خَلِيَ عَنْهُ، قَالَ بُورْقُ: فَخَرَجْتُ إِلَى سَرْمَنْ رَأَى وَ مَعِيَ كِتَابُ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ (ع)

۳. شیخ مفید می نویسد: امام عسکری (ع) را به نحیر، یکی از غلامان مخصوص خلیفه و مسئول نگهداری از حیوانات درنده و شکاری دربار، سپردند؛ نحیر بسیار براو سخت می گرفت و آزارش می داد. همسرش گفت: وای بر تو، از خدا بترس؛ مگر نمی دانی چه شخصیتی به خانه ات گام نهاده؟ آنگاه گوشه ای از فضایل حضرت را بازگو کرد و گفت: من در مورد او و رفتاری که با وی می کنی، بر تو بیمناکم. نحیر گفت: به خدا سوگند، او را در میان درندگان خواهم افکند و چنین نیز کرد. پس از مدتی، وقتی به جایگاه درندگان مراجعه کرد تا دریابد چه بر سر امام آمده، دید حضرت میان درندگان به نماز ایستاده است.

۴. البته در آغاز، امام در زندان نحیر تنهاست. ولی خیلی زود جمعی از شیعیان بویژه ابوهاشم جعفری دستگیر شده و در زندان به امام ملحق می گردد. دامن دستگیری اطرافیان امام تا بدان حد است که حتی جعفر هم دستگیر و زندانی می شود. همچنین در دوران زندانی بودن امام، معتمد پیوسته اخبار او را رسیدگی می کند، ولی زندانیان از امام جز عبادت و عبادت گزارش نمی دهند. و کان المعتمد یسأل علینا عن أخباره فی کل وقت، فیخبره أنه یصوم النهار و یصلی اللیل، فسأله یوما من الأيام عن خبره؟ فأخبره بمثل ذلك

اطهت کوی

کرامتی که باعث آزادی امام از زندان شد

بارسیدن دامنه خشکسالی شدید و قحطی به سامرا معتمد فرمان داد: مردم نماز استسقا بپاکنند ولی سودی نداشت. اما دعای جاثلیق بزرگ مسیحیان اثر کرد و باران بارید! این اتفاق باعث شبهه در میان مسلمانان شد

۲۵۹

هجری قمری

خبر از توطئه نافرجام قتل امام

امام به هنگام خروج از زندان تأکید می‌نماید که این زندان هم، طرحی برای قتل ایشان بوده ولی خداوند یاری رسان ایشان بوده است.^۲

۲۵۹

هجری قمری

لذا معتمد برای حل مسئله دست به دامان امام شد و امام با باز کردن مشیت جاثلیق مسئله را حل نمود. همین امر موجب شد که معتمد مجبور شود، امام را آزاد نماید.^۱

خشکسالی و قحطی

شدت‌گیری خشکسالی و قحطی و به تبع آن گرانی از مکه و مدینه تا بغداد و سامرا.^۳

۲۵۹

هجری قمری

موسوعة الإمام العسکری عليه السلام، ج ۳ ص ۳۴۱: ابن الصبّاغ: قال أبو هاشم: ثمّ لم تطل مدّة أبي محمّد الحسن عليه السلام في الحبس إلى أن قحط الناس بسزمن رأى قحطاً شديداً، فأمر الخليفة المعتمد على الله ابن المتوكل بخروج الناس إلى الاستسقاء. فخرجوا ثلاثة أيّام يستسقون، ويدعون فلم يسقوا.

شرح مفصل ماجرا:

در اواخر سال، دامنه خشکسالی و قحطی به سامرا رسید و این در زمانی بود که امام در زندان به سر می‌برد. «معتمد»، خلیفه وقت، فرمان داد مردم به نماز استسقا بروند. مردم سه روز پی در پی برای نماز به مصلاً رفتند و دست به دعا برداشتند، ولی باران نیامد. روز چهارم «جاثلیق»، بزرگ اسقفان مسیحی، همراه مسیحیان و راهبان به صحرا رفت. یکی از راهبان هر وقت دست خود را به سوی آسمان بلند می‌کرد بارانی درشت فرو می‌بارید. روز بعد نیز جاثلیق همان کار را کرد و آنقدر باران آمد که دیگر مردم تقاضای باران نداشتند و همین امر موجب شگفتی مردم و نیز تردید و تمایل به مسیحیت در میان بسیاری از مسلمانان شد. این وضع بر خلیفه ناگوار آمد و ناگزیر امام را که زندانی بود، به دربار خواست و گفت: امت جدت را دریاب که گمراه شدند!

امام فرمود: از جاثلیق و راهبان بخواه که فردا سه شنبه به صحرا بروند؛

خلیفه گفت: مردم دیگر باران نمی‌خواهند، چون به قدر کافی باران آمده است، بنابراین به صحرا رفتن چه فایده‌ای دارد؟

امام فرمود: برای آنکه ان شاء الله تعالی شك و شبهه را برطرف سازم.

خلیفه فرمان داد پیشوای مسیحیان همراه راهبان سه شنبه به صحرا رفتند. امام عسکری علیه السلام نیز در میان جمعیت عظیمی از مردم به صحرا آمد. آنگاه مسیحیان و راهبان برای طلب باران دست به سوی آسمان برداشتند. آسمان ابری شد و باران آمد. امام فرمان داد دست راهب معینی را بگیرند و آنچه در میان انگشتان اوست بیرون آورند. در میان انگشتان او استخوان سیاه فامی از استخوان‌های آدمی یافتند. امام استخوان را گرفت، در پارچه‌ای پیچید و به راهب فرمود: اینك طلب باران كن! راهب این بار نیز دست به آسمان برداشت، اما به عکس ابر کنار رفت و خوششید نمایان شد! مردم شگفت زده شدند. خلیفه از امام پرسید:

این استخوان چیست ؟

امام فرمود: این استخوان پیامبری از پیامبران الهی است که از قبور برخی پیامبران برداشته‌اند و استخوان هیچ پیامبری ظاهر نمی‌گردد جز آنکه باران نازل می‌شود. خلیفه امام را تحسین کرد. استخوان را آزمودند، دیدند همان طور است که امام می‌فرماید. این حادثه باعث شد که امام از زندان آزاد شود و احترام او در افکار عمومی افزایش یابد. خلیفه در مواجهه با کرامت امام و در توجه افکار عمومی به سوی ایشان، دستور آزادی امام را از زندان به تنهایی می‌دهد، ولی امام بر آزادی همراهانش بی‌توجهی نکرد و برادرش جعفر تأکید دارد، ولی زندانبان نمی‌پذیرد پس امام آزادی را نمی‌پذیرد. و در نهایت با اجازه خلیفه امام با تمامی همراهانش آزاد می‌گردد.

۲. . موسوعة ج ۳ ص ۳۴۱

. درباره اینکه شروع این دوره از زندانی شدن از ماه ذی قعدة بود، شاهی ارائه شد که امام در آستانه سفر حج در زندان بوده است. درباره زمان پایانش دو گزارش وجود دارد. یکی گزارش شیعه ای که در بازگشت از سفر حج به دیدار امام نائل شده و دیگری گزارشی که درباره رسیدن خبر زندانی بودن امام به مادرش در مدینه در ماه صفر است (فلما كان في صفر سنة ستين أخذها المقيم والمقعد، وجعلت تجزع في الأحانين إلى خارج المدينة، وتحبس الأخبار حتى ورد عليها الخبر حين حبسه المعتمد في يدي عليّ جرين و حبس جعفر أخاه معه) بدین جهت در جمع روایات باید گفت که پایان زندان امام در اواخر ماه ذی حجه یا اوائل ماه محرم است. چرا که گستردگی برنامه های امام پس از آزادی با در زندان بودن ایشان در همه ماه محرم و حتی ماه صفر منافات دارد. خصوصاً که در گزارشی دیگر ابوهاشم جعفری که هم زندانی پیوسته امام بوده، این بار گزارش می‌دهد که این زندان طولانی نبود: (قال أبو هاشم: ثمّ لم تطل مدة أبي محمد الحسن في الحبس ...)

. حبسه المعتمد في يدي عليّ جرين، و حبس جعفر أخاه معه ... فقال له: امض الساعة إليه، واقراءه مني السلام، و قل له: انصرف إلى منزلك مصاحباً، قال عليّ جرين: فجنّت إلى باب الحبس ... فأدّيت إليه الرسالة. فركب، فلما استوى على الحمار وقف، فقلت له: ما وقوفك يا سيدي؟! فقال لي: حتّى تجيء جعفر، فقلت: إنّما أمرني بإطلاقك دونه، فقال لي: ترجع إليه فتقول له: خرجنا من دارة واحدة جميعاً، فإذا رجعت وليس هومعي كان في ذلك ما لا خفاء به عليك (موسوعة ۲ ص ۹۸)

. موسوعة الإمام العسکری عليه السلام، ج ۲ ص ۱۴۰: السيّد ابن طاوس رحمه الله: ... عن المحموديّ، قال: رأيت خطّ أبي محمّد عليه السلام لما خرج من حبس المعتمد. يُريدونَ لِيُظْفَرُوا نُورُ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ ...

طبری: فيها وقع غلاء شديد ببلاد الإسلام كلها حتى أجلى أكثر أهل البلدان منها إلى غيرها، ولم يبق بمكة أحد من المجاورين حتى ارتحلوا إلى المدينة وغيرها من البلاد، و خرج نائب مكة منها. و بلغ كثر الشعير ببغداد مائة و عشرين ديناراً، و استمر ذلك شهراً، (تاريخ الاسلام ذهبی ۱۹ ص ۳۱): و فيها كان الغلاء المفرط في الحجاز والعراق، و بلغ كثر الحنطة ببغداد مائة و خمسين ديناراً

رویدادهای سال ۲۶۰ هجری قمری، تامه ربيع الاول

نامه توبیخی امام به فضل بن شاذان

امام با مشاهده تندروی های فضل بن شاذان، در نیشابور با وجود شخصیت علمی برجسته اش، نامه ای توبیخی برایش ارسال می کند. نامه اوائل این سال درست در زمانی به نیشابور می رسد که

فضل به علت ترس از غلبه خوارج بر منطقه سکونت و آزارهای والی طاهریان، از نیشابور فراری شده و در غربت و وحشت رحلت می کند.^۱

بی قراری مادر امام عسکری (ع)

مادر امام عسکری (ع) در مدینه هنگامی که خبر زندانی شدن امام به او می رسد، بی قراری شود.^۲ به خصوص که امام پیشاپیش، خبر شهادتش را در این سال را به او داده است.

سقوط وکیل

عروه بن نحاس دهقان وکیل با سابقه امام در بغداد وقتی به مقام کلید داری خزانه اموال شیعیان برای امام می رسد، با مشاهده فراوانی اموال، آنچه را می تواند برای خود برداشته و

مابقی را به آتش می کشد.

خبر این رویداد به امام عسکری (ع) می رسد. با نفرین امام (ع)، وکیل خائن روز بعد هلاک می شود.

۲۶۰

هجری قمری

۲۶۰

هجری قمری

۲۶۰

هجری قمری

۲۶۰

هجری قمری

۲۶۰

هجری قمری

تایید کتاب فضل بن شاذان

یکی از شیعیان ماوراءالنهر پس از سفر حج طی دیداری با امام، کتاب «یوم و لیل» فضل بن شاذان را به امام نشان می دهد؛ امام آن کتاب را تایید کرده و سپس از رحلت فضل خبر داده و بر او رحمت می فرستد.^۳

سفر مشهور ابوالادیان و بازگشت او پس از شهادت امام

حوالی ۲۳ و ۲۲ ذی الحجه ابوالادیان از خادمین منزل امام و به دستور ایشان با هدف رساندن نامه های امام به شیعیان مدائن به آنجا سفر می کند. سفر وی طبق پیش بینی امام، پانزده روز طول کشیده و او روز هشتم ربيع الاول

در اوج رویدادهای کفن و دفن امام به سامرا بازگشت. حضور ناگهانی او و تطبیق امامت حضرت مهدی با توجه به نشانه های سه گانه ای که امام عسکری به او داده بود، یکی از نشانه های حقانیت امام مهدی (ع) گردید.^۴

۱. أبو عمرو الکشی رحمه الله: قال أحمد بن یعقوب أبوعلی البیهقی رحمه الله: أما ما سألت من ذکر التوقيع الذی خرج فی الفضل بن شاذان إن مولانا علیه السلام لعنه بسبب قوله بالجسم، فإنی أخبرک أن ذلک باطل. وإما کان مولانا علیه السلام أنفذ إلی نیشابور وکیلا من العراق کان یسمی آیوب بن الناب، یقبض حقوقه، فنزل بنیشابور عند قوم من الشیعة، ممن یدهب مذهب الارتفاع والغلو و التفویض کرهت أن أسئهم.

فکتب هذا الوکیل یشکو الفضل بن شاذان بأنه یزعم أنني لست من الأصل، ویمنع الناس من إخراج حقوقه. وکتب هؤلاء النفر ایضا إلی الأصل الشکایة للفضل، ولم یکن ذکروا الجسم، ولا غیره. وذلک التوقيع خرج من ید المعروف بالدهقان ببغداد فی کتاب عبد الله بن حمدویه البیهقی، وقد قرأته بخط مولانا علیه السلام. و التوقيع هذا: الفضل بن شاذان ما له و لموالي یؤذیهن و یکذبهم، و إنی لأحلف بحق آبائی لئن لم ینته الفضل بن شاذان عن هذا الأمر یمته بمرماة لا یندمل جرحه منها فی الدنیا، ولا فی الآخرة.

و کان هذا التوقيع بعد موت الفضل بن شاذان بشهرین فی سنة ستین و مائتین. قال أبوعلی: و الفضل بن شاذان کان یرساق بیهق، فورد خبر الخوارج، فهرب منهم، فأصابه التعب من خشونة السفر، فاعتل و مات منه، و صلیت علیه

۲. سمعت محمد بن إبراهیم الزقاق السمرقندی، یقول، خرجت إلی الخج، فأرذت أن أمر علی رجل کان من أصحابنا معروف بالصدق و الصلاح و الورع و الخیر، یقال له بورق البوسنجانی، فزیة من قری هراة، و أوزرة و أحدث عهدی، به قال، فأتیته، فجزی ذکر الفضل بن شاذان رحمه الله، فقال بورق: کان الفضل به بطن شدید العلة، و یختلف فی اللیلة مائة مرة إلی مائة و خمسين مرة، فقال له بورق خرجت حاجا فأتیت محمد بن عیسی العبیدی، و رأیته شیخا فاضلا فی الله عوج و هو القنا، و معه عدة رأیتهم مغتویین مخزنین، فقلت لهم ما لکم قالوا إنا أبا محمد (ع) قد حبس، قال بورق: فخرجت و رجعت ثم أتیت محمد بن عیسی، و وجدته قد أنجلی عنه ما کنت رأیت به، فقلت ما الخبر قال قد خللی عنه، قال بورق: فخرجت إلی سمر من رأی و معی کتاب یوم و لیل، قد خلصت علی أبي محمد (ع) و رأیته ذلک الکتاب، فقلت له: جعلت فداک إنا رأیت أن تنظر فیها فلما نظر فیها و تصفحها و رقة و رقة: و قال: هذا ضیخ ینبغی أن یعمل به، فقلت له: الفضل بن شاذان شدید العلة، و یقولون إنها من دغوتک بموجدتک علیه، لما ذکروا عنه: أنه قال إنا وصی إبراهیم خیر من وصی محمد صلی الله علیه و آله، و لم یقل، جعلت فداک کذبوا علیه، فقال: نعم رحم الله الفضل، قال بورق: فرجعت فوجدت الفضل قد توفی فی الأيام التي، قال أبو محمد (ع) رحمه الله الفضل. (رجال الکشی، ص: ۵۳۸)

۳. فلما کان فی صفر سنة ستین أخذها المقیم و المقعد، و جعلت تجزع فی الأحنین إلی خارج المدینة، و تحبس الأخبار حتی ورد علیها الخبر حین حبسه المعتمد فی یدی علی جرین (۱)، و حبس جعفر أخاه معه.

۴. « فکتب معی کتبا و قال: امض بها إلی المدائن» که ظاهرش سفر به شهر و منطقه مدائن است که پایتخت باستانی ایران و در شرق بغداد بود و یکی از پایگاه های شیعی بود.

۵. موسوعة ج ۳ ص ۴۸

سال

۱۳۳۵

۱۳۳۴

۱۳۳۳

۱۳۳۲

۱۳۳۱

۱۳۳۰

۱۳۲۹

۱۳۲۸

اطهت کور

فصل سوم /

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری (ع)

رویدادهای سال ۲۶۰ هجری قمری :

از اول ربیع الاول و تا شهادت امام عسکری (ع)



اطاعت و سرور

فصل سوم

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری (ع)

۱. موسوعه ۱ ص ۴۹: قالت حکیمه: فلم أزل أرى ذلك الصبي في كل أربعين يوماً إلى أن رأيته قبل مضي أبي محمد (ع) بآيام قلائل

....

۲. و ذلك أنه لما اعتل، بعث إلى أبي، أن ابن الرضا قد اعتل، فركب من ساعته مبادراً إلى دار الخلافة، ثم رجع مستعجلاً، ومعه خمسة نفر من خدام أمير المؤمنين كلهم، من ثقاته وخاصته، فمنهم نحرير. وأمرهم بلزوم دار الحسن بن علي (ع)، وتعرف خبره وحاله، وبعث إلى نفر من المتطهين فأمرهم بالاختلاف إليه، وتعهده صباحاً ومساءً فلما كان بعد ذلك بيومين جاءه من أخبره أنه قد ضعف، فركب حتى بگرا ليه. ثم أمر المتطهين بلزومه، وبعث إلى قاضي القضاة، فأحضره مجلسه، وأمره أن يختار من أصحابه عشرة مقن يوثق به في دينه وأمانته وورعه، فأحضرهم فبعث بهم إلى دار الحسن (ع)، وأمرهم بلزوم داره ليلاً ونهاراً، فلم يزالوا هناك حتى توفي (ع).

۳. سازمان وکالت ۲ ص ۶۶۷: (این بلالی بعدها در دوران غیبت صغری جزو مدعیان انحرافی نیابت می گردد).

۴. باب أن الإمام لا يغسله إلا إمام من الأئمة ع: الكافي، الكليني، ج ۱، ص ۳۸۵، و: باب أن الإمام لا يغسله ولا يدفنه إلا إمام وبعض أحوال وفاتهم (ع): بحار الأنوار، المجلسي، ج ۲۷، ص ۲۸۸.

۲۶۰
هجری قمری

نامه امام به کاروان اهل قم مبنی بر وقوع شهادتشان

کاروانی بزرگ شامل اموال، هدایا و نامه‌ها از سوی مردم قم و جبال راهی سامرا گردید، ولی در همان ابتدای سفر ناگهان پیکی حامل نامه امام به کاروانین رسید.

امام در نامه از شهادتش به دست طاغوت زمانه در همان شب خبر داد و فرمود: کاروان را متوقف کرده تا دستور جانشین من به شما برسد.^۱

وصیتی در راستای سیاست تقیه

امام عسکری (ع) وصیت می‌کند: تمامی اموالش تا زمانیکه مادرش زنده است، به ایشان برسد.^۲

۲۶۰
هجری قمری

پرستاری عثمان بن سعید از امام

عثمان در بیماری آخر عمر امام یازدهم از آن حضرت پرستاری و مراقبت کرد.

۲۶۰
هجری قمری

۱. موسوعة الإمام العسکری (ع)، ج ۲ ص ۴۴۲: أأحضینی رحمه الله: عن أحمد بن داود القمّی، ومحمد بن عبد الله الطلحی، قالوا: حملنا ما جمعنا من خمس ونذور ویزمن غیر ورق و حلّی وجوهر و ثياب من بلاد قمّ وما یلیها، وخرجنا نرید سیدنا أبا محمد الحسن (ع)، فلما وصلنا إلى دسکرة الملك تلقانا رجلا راكب علی جمل، ونحن فی قافلة عظيمة فقصّد إلینا وقال: یا أحمد بن داود ویا محمد بن عبد الله الطلحی! معی رسالة إلیکم. فقلنا: من أين یرحمک الله.

فقال: من سیدکم أبی محمد الحسن (ع) یقول لکم: أنا راحل إلی الله مولای فی هذه اللیلة، فأقیموا مکانکم حتّی یأتیکم أمرابی محمد فخشعت قلوبنا، وبکت عیوننا، وقرحت أجفاننا لذلك، ولم نظهره وتركنا المسیر، واستأجرنا بد سكرة الملك منزلا، وأخذنا ما حملنا إلیه.

وأصبحنا والخبر شائع بالدسکرة بوفاة مولانا أبی محمد الحسن (ع) فقلنا: لا إله إلا الله، ترى الرسول الذي أتانا بالرسالة أشاع الخبر فی الناس. فلما تعالی النهار رأینا قوما من الشیعة علی أشدّ قلق لما نحن فیهم، فأخفینا أمر الرسالة، ولم نظهره فلما جنّ علینا اللیل جلسنا بلا ضوء حزنا علی سیدنا الحسن (ع) نبکی ونشکی إلی فقدّه.

فإذا نحن بیده، قد دخلت علینا من الباب، فضاءت کما بضیء المصباح، وهي تقول: یا أحمد! هذا التوقيع اعمل به، وبما فیہ. فقمنا علی أقدامنا وأخذنا التوقيع، فإذا فیہ: بسم الله الرحمن الرحیم: من الحسن المسکین (الله رب العالمین) إلی شیعتہ المساکین: أما بعد، فالحمد لله علی ما نزل منه ونشکره إلیکم جمیل الصبر علیہ، وهو حسینا فی أنفسنا وفیکم، ونعم الوکیل.

ردّوا ما معکم، لیس هذا أوان وصوله إلینا، فإنّ هذا الطاغی قد دنت غشیته إلینا، ولوشئنا ما ضرکم، وأمرنا یرد علیکم، ومعکم صرة فیها سبعة عشر دینارا فی خرقة حمراء إلی آیوب بن سلیمان «۲» الآن، فردّوها، فإنّه حملها ممتهنا لنا بها وبمن فعله، وهو ممن وقف عند جدّی موسی بن جعفر (ع)، فردّوا صرّته علیہ، ولا تخبروه، فرجعنا إلی قمّ...

۲. فرق الشیعة ۱۱۶: وصیت به مادر به معنی نفی ولادت و وجود فرزند نیست بلکه همانند وصیت امام صادق به ۵ نفر به علت خوف است

رویدادهای سال ۲۶۰ هجری قمری : هشتم ربیع الاول

۲۶۰
هجری قمری

نامه نگاری امام در شب شهادت

امام عسکری علیه السلام در شب شهادت، نامه‌های فراوانی نوشته بود و مقصد آن را مدینه (و احتمالاً برای مادرش) اعلان کرده بود.^۱

۲۶۰
هجری قمری

حضور ناگهانی بربالین پدر

در آستانه شهادت، فرزند پنج ساله‌ی امام بربالین پدر حاضرمی شود و غریبانه و مظلومانه با پدر وداع می‌کند. و اینچنین پدر بربالین فرزند خردسال به شهادت می‌رسد.

۲۶۰
هجری قمری

شهادت

امام پس از اقامه نماز صبح به شهادت می‌رسد، در حالی که شب را، تنها عقید خادم و صیقل کنیزی که حدس زده می‌شود مادر امام مهدی علیه السلام باشد البته بانام دیگر، بربالین ایشان بوده‌اند.^۲

۲۶۰
هجری قمری

انتقال مقام امامت

هنگام شهادت پدر، مقام عظیم امامت و نیز موارث عظیم معنوی و علمی و ملکوتی امامت به امام موعود انتقال می‌یابد.^۳

۲۶۰
هجری قمری

سوگواری مادر امام عسکری علیه السلام در مدینه

مادر امام به علت داشتن آگاهی پیشین از روز شهادت فرزندش و نیز به قرینه غیبت ناگهانی امام موعود (برای حضور در مراسم کفن و دفن پدر) پی به شهادت فرزندش برده و به سوگواری می‌پردازد.^۴

۲۶۰
هجری قمری

غسل و کفن و تدفین امام

به دلیل شرایط امنیتی حاکم بر منزل امام، عثمان بن سعید متولی غسل و کفن و بعداً تدفین امام می‌گردد.^۵

۲۶۰
هجری قمری

اقامه نماز برپیکر پدر توسط فرزند

با آماده شدن پیکر مطهر برای نماز در داخل منزل و در جمع شیعیان و علی‌رغم تلاش جعفر برای اقامه نماز، توسط امام مهدی علیه السلام انجام می‌شود. اهمیت این نماز به این است که نشان امامت برای کسی خواهد بود که بر بدن امام نماز خوانده است.^۶

ادامه

اطاعت و سبکدوش

فصل سوم /

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری علیه السلام

۱. موسوعة الإمام العسکري علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۸: الشيخ الصدوق رحمه الله: ووجدت مثبتاً في بعض الكتاب المصتفة في التواريخ، ولم أسمعها إلا عن محمد بن الحسين بن عباد أنه قال: مات أبو محمد الحسن بن عليّ عليهما السلام يوم الجمعة مع صلاة الغداة، وكان في تلك الليلة قد كتب بيده كتاباً كثيرة إلى المدينة.
۲. ولم يحضر [ه] في ذلك الوقت إلا صقيل الجارية وعقيد الخادم ومن علم الله عزّ وجلّ غيرهما. قال عقيد: فدعا بماء قد أغلي بالمصطكي، فجثنا به إليه. فقال: أبداً بالصلاة هيّئوني، فجثنا به وبسطنا في حجره المنديل، فأخذ من صقيل الماء فغسل به وجهه وذراعيه مئة مئة، ومسح على رأسه وقدميه مسحاً، وصلى صلاة الصبح على فراشه. وأخذ القدح ليشرّب فأقبل القدح يضرب ثناياه، ويده ترتعد، فأخذت صقيل القدح من يده. ومضى من ساعته صلوات الله عليه.
۳. در این زمینه رک: بحار الانوار ۲۷ ص ۲۹۱ باب ۳ و باب ان الامام متى يعلم انه امام و باب ۴ الوقت الذي يعرف الامام الاخير ما عند الاول.
۴. البته قول به غیبت ناگهانی امام موعود منوط بر این است که قائل به دوام حضور امام زمان بعد از ایام حج تا این زمان (هشتم ربیع الاول) نزد مادر بزرگ باشیم.
۵. الشيخ الطوسي رحمه الله: ... عن أبي نصر هبة الله [بن محمد] بن أحمد الكاتب ابن بنت أبي جعفر العمريّ ...، أنه لما مات الحسن بن عليّ علیه السلام حضر غسله عثمان بن سعيد رضي الله عنه وأرضاه، وتولّى جميع أمره في تكفينه، و تحنيطه، و تقبيره مأموراً بذلك ... (این دلیل روایاتی است که دلالت دارد که: الامام لا يغسله و لا يكفنه الا الامام)
۶. در این هنگام ابوالادیان خادم، در بازگشت از سفر و در ازدحام جمعیت خود را به داخل منزل می‌رساند و شاهد تلاش جعفر برای نماز گزاری و نگرانی و تحیر شیعیان در فضای امنیتی حاکم بر اطراف منزل آنان است؛ پس ابوالادیان ضمن خبر دادن از خبر غیبی خود به خواص شیعه، منتظر نشانه‌های سه‌گانه می‌ماند که عبارت بودند از: «نمازگزاری بر پیکر امام، خبر دادن از محتویات خورجین اموال بازآورده شده و طلب کردن پاسخ نامه‌های فرستاده شده و پاسخ دادن به آن نامه‌ها». در ماجرای نماز است که درست وقتی جعفر پیش افتاده تا با یاری اطرافیان خود و در بهت و حیرت شیعیان، نماز را اقامه کند، ناگهان کودکی پنج ساله ظاهر شده و با هیبتی که دارد جعفر را عمو خطاب کرده و کنار می‌زند و به نماز می‌ایستد، به گونه‌ای که همگان با او همراه می‌شوند و جعفر با درماندگی فقط ←

رویدادهای سال ۲۶۰ هجری قمری : نهم ربیع الاول تا پایان ماه

۲۶۰
هجری قمری

بازگشت مادر و احیاء منزل فرزند

مادر امام عسکری علیه السلام کمی پس از شهادت امام، به سامرا بازگشت. او با طرح دعاوی رسمی و حقوقی نسبت به مسئله ارث، قاضی را ناچار به تقسیم ماترک امام بین جعفر و مادر نمود، که در این تقسیم منزل امام و خدمتگزاران به مادر رسید. ایشان نیز منزل امام را احیا کرده و با خادمان ساکن آنجا شد.^۱ تا سالیانی که ایشان زنده بود، منزل امام محل مراجعه شیعیان جهت جستجوی اخبار امام عسکری علیه السلام و فرزند موعود ایشان گردید.

۲۶۰
هجری قمری

اقامت حکیمه خاتون در سامرا تا هنگام رحلت

ایشان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام با باقی ماندن در سامرا، تا مدت‌ها محل مراجعه برخی از شیعیان متحیر بود تا به آنها از مولود موعود بگوید. وی در زمانه آغاز غیبت، گاهی به برخی از ملاقات کنندگان از دیدارش با امام غائب خبر می‌دهد.^۲

۲۶۰
هجری قمری

هجرت نائب

عثمان بن سعید و خاندانش با عنوان نائب اول پس از سال‌ها زندگی در سامرا، برای همیشه به بغداد مهاجرت می‌کنند. وی در محله شیعه نشین کرخ که دارای بزرگترین اقلیت شیعه در عراق و مرکز بزرگان شیعه بود، مستقر می‌شود.

۲۶۰
هجری قمری

ورود کاروان شیعیان قم و منطقه جبال به سامرا

کاروانیان در همان آغازین روزهای پس از رحلت، وارد سامرا شده و با جعفر مدعی امامت روبه رومی شوند ولی نشانه‌های امامت را در او نمی‌یابند. چون عزم بازگشت می‌کنند به گونه‌ای مخفیانه به منزل امام بازگشته و به دیدار امام موعود نائل می‌شوند. پس از مشاهده نشانه‌های امامت با او بیعت کرده و با اطمینان و ایمانی راسخ به قم و مناطق غربی ایران باز می‌گردند.^۳

۲۶۰
هجری قمری

غارث توسط برادر ناخلف

اطرافیان و غلامان جعفر به منزل امام هجوم برده و به ادعای تنها وارث امام بودن منزل امام و اموال ایشان را مصادره می‌کنند.^۴ آنها حتی خدمه منزل امام را نیز به اسارت می‌گیرند.^۵

ادامه

اطاعت کبری

فصل سوم /

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری علیه السلام

۱. موسوعه ۲ ص ۱۳۷
۲. قالت حکیمه: فمضی أبو محمد علیه السلام بعد ذلك بأيام قلائل، و افترق الناس كما تری، و والله! إني لأراه صباحا و مساءً، و إنّه لینیثني عما تسألون عنه، فأخبركم،
۳. محمد بن القاسم العلوی، قال: دخلنا جماعة من العلویة علی حکیمه بنت محمد بن علی بن موسی علیه السلام. فقالت: جئتم تسألونني عن میلاد ولی الله؟ قلنا: بلی، والله! قالت: کان عندي البارحة، و أخبرني بذلك، (موسوعه ۱ ص ۶۴)
۴. ترجمه کمال الدین ج ۲ ص ۲۲۶
۵. سمعت أبا الحسن الحسن بن و جئنا يقول: حدّثنا أبي عن جدّه أنّه کان في دار الحسن ابن علی علیه السلام فکبستنا الخیل، و فیهم جعفر بن علی الکذاب، و اشتغلوا بالنهب و الغارة...
۶. موسوعه الإمام العسکری علیه السلام، ج ۱ ص ۱۰۸: الشیخ المفید رحمه الله: و تولى جعفر بن علی أخو أبي محمد علیه السلام أخذ تركته، و سعی في حبس جواری أبي محمد علیه السلام، و اعتقال حلائله... پس در این صورت همه خدمه امام موقتاً تحت تصرف جعفر درآمدند مگر یک نفر که به نزد صاحب پیشین خود بازگشت: حدّثني أبو علی الخیزراني، عن جاریة له کان أهداها لأبي محمد علیه السلام. فلمّا أغار جعفر الکذاب علی الدار جاءته فائزة من جعفر فتزوج بها. قال أبو علی: فحدّثني أنّها حضرت ولادة السید علیه السلام... (موسوعه ج ۱ ص ۱۰۶)
- طبق گزارشی امام موعود در آن زمان در گوشه‌ای از منزل بوده و برخی خدمه پدر با او در تماس مستقیم بودند، ولی پس از هجوم گسترده و غارت خدمه جعفر، از پیش روی خادمان پدر پنهان می‌گردد. او پس از رسیدن مادر امام عسکری علیه السلام با تندی و جسارت مدعی تمام اموال بود تا اینکه به علت ناکامی‌های مکرر، دستگاه حکومت پشت او را خالی کرد و بیشتر اموال را به مادر امام عسکری علیه السلام بازگرداند، البتّه در همین زمان گزارشی از دیدار دیگر از امام غائب با عمومیش و شماتت جعفر نسبت به این رویدادها وجود دارد.
- همانند گزارشی که از دیدار قمری‌ها در روز شهادت هست که خادمی از اندرونی آمد و خبر اموال و نامه‌ها را به قمری‌ها داد و آنان اموال و نامه‌ها را به او تسلیم کردند.
- موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، ج ۱ ص ۱۰۷: (شیخ صدوق): سمعت أبا الحسن الحسن بن و جئنا يقول: حدّثنا أبي عن جدّه أنّه کان في دار الحسن ابن علی علیه السلام فکبستنا الخیل، و فیهم جعفر بن علی الکذاب، و اشتغلوا بالنهب و الغارة، و کانت همتي في مولاي القائم علیه السلام. قال: فإذا [أنا] به علیه السلام قد أقبل و خرج علیهم من الباب و أنا أنظر اليه، و هو علیه السلام ابن ست سنين، فلم يره أحد حتّى غاب.
- موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، ج ۱ ص ۱۰۵: الشیخ الصدوق رحمه الله: حدّثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوی العمري رضی الله عنه، قال: حدّثنا جعفر بن محمد بن مسعود، عن أبيه، قال: حدّثنا جعفر بن معروف، عن أبي عبد الله البلیخي، عن محمد بن صالح بن علی بن محمد بن قنبر الکبیر مولى الرضا علیه السلام، قال: خرج صاحب الزمان علیه السلام علی جعفر الکذاب من موضع لم یعلم به عند ما نازع في الميراث بعد مضی أبي محمد علیه السلام فقال له: یا جعفر! مالک تعرض في حقوقي؟! فتحیر جعفر و بهت، ثم غاب عنه، فطلبه جعفر بعد ذلك في الناس، فلم يره. فلمّا ماتت الجدة أم الحسن أمرت أن تدفن في الدار، فنزعهم و قال: هي داري، لا تدفن فيها، فخرج علیه السلام فقال: یا جعفر! أدارك هي؟ ثم غاب عنه، فلم يره بعد ذلك.

آخرین تلاش‌ها برای ادعای کذب

تلاش جعفر برای معرفی خود به عنوان امام آخرین شیعه با رویکردانی شیعه از جعفر روبرو می‌شود. او از صحنه نماز بر پیکر برادر تا چند روز پس از آن که هنوز جماعتی از شیعیان مسافر در سامرا بودند، تلاش فراوانی می‌کرد تا آنان او را به عنوان آخرین امام بپذیرند.^۱

۲۶۵
هجری قمری۲۶۵
هجری قمری۲۶۵
هجری قمری۲۶۵
هجری قمری۲۶۵
هجری قمری۲۶۵
هجری قمری

التماس به خلیفه

جعفر پس از ناکامی از جلب توجه جامعه شیعه سامرا و عراق، از خلیفه می‌خواهد که او را به عنوان امام شیعیان معرفی کند، ولی خلیفه او را به سخره گرفته و می‌گوید: اگر این امر به دست ما بود که این همه برای مراقبت از امام عسکری علیه السلام به زحمت نمی‌افتادیم.^۲

نامه نگاری برای جلب حمایت مناطق دور دست

جعفر پس از ناکامی اش در سامرا و عراق، سعی کرد با نامه نگاری به قم و بزرگ شیعه در قم، احمد بن اسحاق قمی از آنان بخواهد که همانگونه که پیوسته اموال شرعی خود را به

برادرش می‌دادند، اینک آن اموال را به او تقدیم کنند. ولی قمی‌ها به راهنمایی احمد نامه‌ای حاوی پرسش‌هایی چند از او را برایش فرستادند تا اگر جواب داد با او همکاری کنند، اما او در مانده شد پس ...^۳

تنهایی جعفر

اغلب کسانی که گرد جعفر جمع شدند، از پیکره اصلی جامعه شیعه نبوده و بازماندگان فرقه‌های انحرافی پیشین بودند^۴ که آنان هم خیلی زود از او فاصله گرفتند. مانند محمد بن نصیر نمیری رئیس و بنیانگذار فرقه نصیری.^۵

دعای تفرق شیعیان پس از شهادت امام عسکری

برخی از مورخین مدعی تفرق شیعه بعد از شهادت امام به فرقه‌های گوناگون، شده اند از جمله:

❖ سعد بن عبدالله قمی: ۱۵ فرقه

❖ نوبختی و مفید: ۱۴ فرقه

❖ مسعودی: ۲۰ فرقه

❖ شهرستانی: ۱۱ فرقه^۶

اینها ادعاهایی است که در متون فرقه‌شناسی یافت می‌شود، ولی اغلب این ادعاها با واقعیات تاریخی هماهنگ نیست.^۷ بخصوص که پس از شهادت هرامام از این ادعاها زیاد شده است.

۱. طبق گزارشی از شیخ مفید: در مقطع زمانی کوتاهی پس از شهادت امام عسکری، در کنار دستگاه حکومت که بر شیعه سخت می‌گرفت، جعفر هم دستگاهی موازی برای آزار و اذیت شیعه در سامرا ایجاد کرده بود تا آنان را با خود همراه ساخته و یا از آنان تاییدیه بر امامت خود بگیرد: و شتت علی أصحابه بانتظارهم ولده، و قطعهم بوجوده، و القول یامامته و أغری بالقوم حتی أخافهم و شردهم، و جری علی مخلفی أبي محمد علیه السلام بسبب ذلك کل عظیمه من اعتقال، و حبس، و تهدید، و تصغیر، و استخفاف، و ذل و لم یظفر السلطان منهم بطائل. (موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، الخزعلي، ج ۱، ص: ۱۰۹)

۲. وَلَمَّا دُفِنَ جَاءَ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ أَخُوهُ إِلَى أَبِي فَقَالَ اجْعَلْ لِي مَرْتَبَةً أَجْبِي وَأَنَا أُوصِلُ إِلَيْكَ فِي كُلِّ سَنَةٍ عَشْرِينَ أَلْفَ دِينَارٍ فَزَبَرَهُ أَبِي وَ أَسْمَعَهُ مَا كَرِهَ وَ قَالَ لَهُ يَا أَحْمَدُ السُّلْطَانُ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ جَرَدَ سَيْفَهُ فِي الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّ أَبَاكَ وَ أَخَاكَ أَمَّةً لِيَزِدَّهُمْ عَنْ ذَلِكَ قَلَمٌ يَنْهَيَا لَهُ ذَلِكَ فَإِنْ كُنْتَ عِنْدَ شِيعَةِ أَبِيكَ وَ أَخِيكَ إِمَامًا فَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَى السُّلْطَانِ لِيَزِيدَكَ مَرَاتِبَهُمْ وَ لَا غَيْرَ السُّلْطَانِ وَإِنْ لَمْ تُكُنْ عِنْدَهُمْ يَهْدِهِ الْمُنْزِلَةُ لَمْ تَنْلُهَا بِنَا فَاسْتَقَلَّهُ أَبِي

۳. قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ قُصَّالٍ وَ كَانَ مَمَّنْ يَقُولُ بِإِمَامَةِ جَعْفَرٍ بَعْدَ أَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ مُخْطِئًا أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى جَعْفَرٍ يَسْأَلُهُ عَنْ حَقِيقَةِ أَمْرِهِ وَ كَتَبَ أَنَّ أَخِي أَبَا مُحَمَّدٍ علیه السلام كَانَ إِمَامًا مَفْرُوضِ الطَّاعَةِ وَ أَنِّي وَصِيُّهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ إِمَامٌ لَا غَيْرَ (الهداية الكبرى، الخصيبي، ص: ۳۸۳)

۴. الخلاصة للحلي ص: ۲۷۴: محمد بن نصير النميري: و كان من أصحاب أبي محمد العسکري علیه السلام فلما مات ادعى مقام أبي جعفر محمد بن عثمان أنه صاحب الزمان و ادعى النيابة ففضحه الله تعالى، قال سعد بن عبد الله كان محمد بن نصير النميري يدعي أنه رسول نبي و أن علي بن محمد أرسله و كان يقول بالتناسخ و يغلو في أبي الحسن علیه السلام و يقول فيه بالربوبية.

۵. إِنَّ جَعْفَرًا كَتَبَ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْقُمِّيِّ يَطْلُبُ مِنْهُ مَا كَانَ يَحْمِلُهُ مِنْ قَمٍ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ وَ اجْتَمَعَ أَهْلُ قَمٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ وَ كَتَبُوا لَهُ كِتَابًا جَوَابًا لِكِتَابِهِ وَ ضَمَّنُوهُ مَسَائِلَ يَسْأَلُونَهُ عَنْهَا وَ قَالُوا تَجِيبُنَا عَنْ هَذِهِ الْمَسَائِلِ كَمَا سَأَلُوا عَنْهَا سَلَفُنَا إِلَى آبَائِكَ علیهم السلام ... حَتَّى نَحْمِلَ إِلَيْكَ حُقُوقَ الَّتِي كُنَّا نَحْمِلُهَا إِلَيْهِمْ فَيَخْرِجَ الرَّجُلَ حَتَّى قَدِمَ الْعُسْكِرَ فَأُوصِلَ إِلَيْهِ كِتَابٌ وَ أَقَامَ عَلَيْهِ مَدَّةً يَسْأَلُ عَنْ جَوَابِ الْمَسَائِلِ فَلَمْ يُجِبْ عَنْهَا وَ لَا عَنِ الْكِتَابِ بِشَيْءٍ مِنْهُ أَبَدَا. (الهداية الكبرى، الخصيبي، ص: ۳۸۳)

۶. فرق الشيعة ۷۹ الفصول المختارة مفيد ۲۵۸-۲۶۰ مروج الذهب مسعودی ۲-۵۹۹ الملل والنحل شهرستانی ۱۳۰-۱۳۱

۷. اگرچه در منابع فرقه‌شناسی فریقین ادعای وجود فرقه‌سازی پس از شهادت امام عسکری علیه السلام شده است. ولی ضمن اقرار همان منابع به کوتاه بودن عمر این جریان‌ها، اصولاً اغلب این ادعاها با واقعیات تاریخی هماهنگی ندارد. چرا که کانون تحولات در آن زمان در شهر سامرا است. در این شهر هم از یک طرف ائتلاف جعفر با عباسیان راه را برای هر مدعی مزاحم دیگر بسته است. و از سوی دیگر حضور جمع قابل توجهی از نمایندگان شیعه از عراق و ایران هم زمینه را برای اتمام حجت و ثبات ایمانی برای خواص و سپس عوام شیعه فراهم ساخته است. پس زمینه‌ای برای تکثر و تنوع مدعیان باقی نمی‌ماند مگر اینکه در دوران گذار اولیه برخی از فرقه‌های پیشین همانند نصریه یا واقفیه در صدد بازسازی خود برآیند. بازسازی‌ای که به علت قوت مبانی فکری اندیشه شیعه و حضور قدرتمند بزرگان فکری شیعه، زمینه بروز و عرض اندام چندانی نمی‌یابد. ضمن این که اغلب این ادعاها اصولاً از جهت فرض احتمالی هم نارسا است. چرا که مدعی امامت؛ یا امام غائب است یا ادعای امامت جعفر یا ادعای نصیری یا واقفیه سنتی یا واقفیه جدید بر امام عسکری علیه السلام است، مازاد بر این فرض‌ها یا تصور ندارد یا فرض‌های صرفاً علمی دور از واقعیات تاریخی است همانگونه که ترکیب این گاه‌شمار با مقدماتی که در مباحث وضعیت‌شناسی تاریخی ارائه شدف این واقعیت را ثابت می‌کند که جامعه شیعه پس از آغاز غیبت صغری بعضاً دارای حیرت اولیه شدند ولی با کمک بلوغ ۲۵۰ ساله سریع از آن حیرت گذر کرده و بر امامت امام غائب و نیابت نواب اربعه به اجماع رسیدند.

اطاعت و

رویدادهای سال ۲۶۰ هجری قمری : از اول ربیع الثانی تا پایان سال

۲۶۰
هجری قمری

رفت و آمد شیعیان به سامرا

در دوسه ماه آغازین از دوران غیبت صغری، سامرا همچنان محل رفت و آمد برخی از شیعیان بی خبر از شهادت امام عسکری (ع) و یا متحیر در مسئله امامت پس از شهادت ایشان است. در این مدت جعفر تلاش می کرد، آنان را فریب

دهد، اما موفق نمی شد. لذا آنان به جستجوی امام راستین بر می آمدند و در این زمان بود که نشانی از امام غائب به آنان می رسید و آنان را از حیرت می رهانید.^۱

۲۶۰
هجری قمری

هجرت احمد بن اسحاق برای یاری نائب

پس از هجرت عثمان بن سعید به بغداد و تثبیت امر امامت امام موعود (ع) برای شیعیان قم، احمد بن اسحاق قمی برای یاری عثمان به بغداد نقل مکان کرده تا در مقام یکی از سه دستیار ویژه او عمل نماید.^۲

۲۶۰
هجری قمری

در جستجوی موعود

پس از شهادت امام عسکری (ع) تا مدت ها دستگاه خلافت در جستجوی فرزند احتمالی امام بود، اگر چه هجرت بزرگ شیعه «عثمان بن سعید» از سامرا و بازماندن اهلبیت امام در آنجا، این توهم را

برای خلافت ایجاد کرده بود که به احتمال زیاد هیچ جانشینی برای امام عسکری (ع) از تبارش وجود ندارد.

۲۶۰
هجری قمری

شهادت شاعر

ابو جعفر احمد (محمد) بن دقیقی کوفی، از شاعران هجوگوی شیعی که خلفای عباسی را به باد انتقاد می گرفت، به شهادت می رسد.

۲۶۰
هجری قمری

بازداشت و اسارت صقیل

صقیل از کنیزان منزل امام (احتمالاً مادر امام مهدی) برای بررسی حمل احتمالی بازداشت و در منزل قاضی ابن ابی الشوارب و عبیدالله بن یحیی بن خاقان به مدت دو سال زندانی می شود.^۳

ادامه

اطهت کور

فصل سوم

گاه شمار مهدویت در دوران امامت امام عسکری (ع)

۱. الحسن بن عیسی العریضی أبی محمد، قال: لَمَّا مضى أبو محمد (ع) ورد رجل من أهل مصر بمال إلى مكة للناحية، فاختلف عليه، فقال بعض الناس: إنَّ أبا محمد (ع) مضى من غير خلف، والخلف جعفر. وقال بعضهم: مضى أبو محمد عن خلف فبعث رجلاً يكتي بأبي طالب. فورد العسکرو معه كتاب، فصار إلى جعفر وسأله عن برهان، فقال: لا يتهياً في هذا الوقت، فصار إلى الباب و أنفذ الكتاب إلى أصحابنا، فخرج إليه: أجرك الله في صاحبك فقد مات، وأوصى بالمال الذي كان معه إلى ثقة ليعمل فيه بما يحب وأجيب عن كتابه. (الكافي: ۱/ ۵۲۳، ح ۱۹)

۲. نک سازمان وکالت، ج ۲، شرح حال احمد بن اسحاق قمی

۳. فقبضوا على صقیل الجارية، فطالبوها بالصبي، فأنكرته، و ادعت حبلها بها لتغطي حال الصبي، فسلمت إلى ابن أبي الشوارب القاضي، و بغتهم موت عبید الله بن یحیی بن خاقان فجأة، و خروج صاحب الزنج بالبصرة. فشغلوا بذلك عن الجارية فخرجت عن أیدیهم، و الحمد لله رب العالمین.

۲۶۵
هجری قمری

شکست علویان طبرستان

در این سال یعقوب بن لیث صفاری در ادامه توسعه حکومت خود در ایران، با حسن بن زید علوی نبرد کرد و وی را شکست داد و وارد طبرستان شد.^۱

۲۶۵
هجری قمری

سرانجام جعفر

جعفر کم‌سای پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و ناکامی در جذب شیعیان از چشم حکومت افتاده و حتی از ورود او به دربار خلافت جلوگیری می‌شود^۲ و سرانجام به علت ریخت و پاش دارایی خود، به فقر دچار شده تا بدان حد که مادر امام

عسکری علیه السلام به او رسیدگی و کمک می‌کرد.^۳ وی در سال ۲۷۱ و در سن ۴۵ سالگی در شهر سامرا از دنیا می‌رود. در نامه امام زمان به اسحاق بن یعقوب، سرنوشت جعفر به برادران یوسف تشبیه شده، یعنی اینکه موفق به توبه شده است.^۴

۱. گویند: یعقوب به سلطان نامه‌ای نوشت و در آن رفتن خویش را سوی حسن یاد کرد و اینکه از گریان سوی طمیس رفت و آنجا را گشود، سپس سوی ساریه رفت که حسن بن زید پلها را ویران کرده بود و «گذرها» را برداشته بود و راهها را کور کرده بود، حسن بن زید برادر ساریه اردو زده بود و در پناه دره‌های بزرگ بود، خرشاد پسر جیلاد، فرمانروای دیلم، با وی همدلی می‌کرد، پس مقتدرانه پیامد با طبریان و دیلمیان و خراسانیان و قمیان و جلیلیان و شامیان و جزیره ابانی که با وی فراهم آمده بودند و من او را هزیمت کردم و گروهی را بکشتم که در روزگار من همانند آن نبوده و هفتاد کس از طالبیان را اسیر کردم و این به ماه رجب بود. (تاریخ الطبری/ ترجمه، ج ۱۵، ص: ۶۴۴۳)

۲. موسوعه ۲ ص ۱۳۷: به نقل از احمد بن عبیدالله بن یحیی بن خاقان والی قم: فإني كنت عند شيعة أبيك وأخيك إماما فلا حاجة بك إلى السلطان، يربك مراتبهم ولا غير السلطان، وإن لم تكن عندهم بهذه المنزلة لم تلتها بنا، واستقله [أبي] عند ذلك و استضعفه، وأمر أن يحجب عنه فلم يأذن له بالدخول عليه (الارشاد ۲ ص ۳۲۵)

۳. وَأَنَّهُ بَقِيَ يَأْكُلُ مَا كَانَ لَهُ وَ يَبِيعُ حَتَّى مَا بَقِيَ لَهُ فُوتَ يَوْمَ وَ كَانَ لَهُ فِي الدَّارِ أَرْبَعَةٌ وَ عَشْرُونَ وَلَدًا بَنُونَ وَ بَنَاتٌ وَلَهُمْ أُمَّهَاتٌ وَ أَوْلَادٌ وَ حَسَمٌ وَ خَدَمٌ وَ غِلْمَانٌ قَبْلَ أَنْ يَفْقَرَ إِلَى أَنْ أَمَرَتْ الْجَدَّةُ وَ هِيَ جَدَّةُ أَبِي مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنْ يُجْرِيَ عَلَيْهِ مِنْ مَالِهَا الذَّقِيقَ وَ اللَّحْمَ وَ الشَّعِيرَ وَ اللَّبَنَ لِدَوَاتِهِ وَ كِسْوَةَ لِأَوْلَادِهِ وَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ حَشَمِهِ وَ غِلْمَانِهِ وَ نَفَقَاتِهِمْ ... (الهداية الكبرى، الخصيبي، ص: ۳۸۲)

شیخ طوسی در کتاب الغيبة خود در بخش توقیعات آورده است که اسحاق بن یعقوب توسط محمد بن عثمان عمری (رحمه الله) نامه‌ای خدمت ولی عصر علیه السلام می‌فرستد که در آن چند سؤال مطرح کرده بود و از جمله سؤالات راجع به جعفر و عاقبت وی می‌باشد، حضرت ضمن توقیعی که به خط مبارک خود می‌نویسند راجع به جعفر آورده‌اند که:

۴. پس بدان همانا بین خدا و بین احدی هیچ قرابتی نیست و هر کس «از اهل بیت ما» مرا انکار کند از ما نیست و راه او راه فرزند نوح علیه السلام می‌باشد. و اما راه عمومی جعفر و فرزندان او، همانند راه برادران یوسف «علی نبینا و آله و علیه السلام» می‌باشد. این روایت در منابع بسیاری از جمله: غیبت شیخ طوسی ص ۱۷۶، بشارة الاسلام ص ۳۰۰، الزام الناصب ص ۱۲۹، الامام المهدی ص ۲۵۳، الاعلام الوری باعلام الهدی امین الاسلام طبرسی ص ۴۲۳، الاحتجاج علامه طبرسی، کشف الغممه اربلی ج ۳ ص ۳۲۱، الخرائج و الحرائج راوندی، بحار الأنوار مجلسی ج ۵۱ ص ۳۵۶ و جلد ۵۳ ص ۱۰۸ و ۱۸۴، المعجذی فی انساب الطالبین علی بن محمد علوی نسابه (از بزرگان قرن پنجم هجری)، بنایع المودة قندوزی حنفی و نیز علامه سید محمد صادق بحر العلوم در تعلیقه‌ای که برای کتاب سُر السلسلة العلویه ابی نصر بخاری (ح ۳۴۱ هـ) زده، آمده است

اطاعت و سب

جمع بندی و نتیجه گیری ها:

از جدول های گاه شماری به طور کلی و جدول گاه شماری فوق به طور اختصاصی، دو گونه نتیجه گیری و جمع بندی می توان داشت:

جمع بندی توصیفی-آماري: که صرفاً به جمع آوری داده های همسان می پردازد.

جمع بندی تحلیلی: که در کنار جمع آوری داده ها به تحلیل و ارزیابی آنان هم می پردازد. اینک براساس مطالعه جدول های فوق، نمونه ای از هر دو گونه جمع بندی چنین است:

الف: جمع بندی توصیفی-آماري:

این گونه از جمع بندی، شامل استخراج شخصیت ها و یا رویدادهای مشابه و ارائه آنها صرفاً به صورت داده های اطلاعاتی است. این گونه داده ها باعث می شود تا اطلاعاتی پراکنده و ظاهراً بی ارتباط در جدول گاه شماری هندسه و ارتباط خود را پیدا کرده و در کنار داده های همسان، بیانگر قوت ها و ضعف ها و فرصت ها و تهدیدها باشد.

بخشی از داده های آماری-توصیفی زندگانی امام عسکری که به موضوع مهدویت هم می تواند مرتبط باشد چنین است:

الف- ۱. کسانی که موعود را دیده اند: بر اساس گاه شمار ۵ ساله:

کسانی که موعود را دیده‌اند: بر اساس گاه‌شمار پنج ساله:



روز سوم میلاد
جمع چهل نفره اصحاب

جمع هفتاد نفره یمنی‌ها

جاریه ابوعلی خیزرانی

ابوالادیان

عمرو الاهوازی (کلینی)

محمّد بن صالح بن علی بن محمّد بن قنبر الکبیر

مولی الرضا

محمد بن عطار

حکیمه بنت محمد بن قاسم

جعفر بن محمد بن مسرور

حسین بن محمد

کامل بن ابراهیم مدنی

عمرو اهوازی

ظریف خادم

نسیم و ماریه

ابوغانم خادم

ابوعلی بن مطهر

محمد بن اسماعیل بن امام کاظم

ابی جعفر عثمان بن سعید

ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری

ابراهیم بن ادريس جدّ حسن بن وچناء

احمد بن اسحاق قمی

سعد بن عبدالله قمی

یعقوب بن منقوش

ابوالفضل حسین بن حسن

علوی (طوسی)

ابوهارون

اطمین

با مشاهده این آمار از مشاهده امام موعود در دوران امامت پدر، مسئله شهادت و ولادت و نشان ولادت اثبات گردیده و بسیاری از شبهات مخالفین برطرف می گردد.
گاه شمار تقریبی دیدارها در طول این ۵ سال چنین است:

گاه شمار تقریبی دیدارها در طول سال های ۲۵۵ تا ۲۶۰ هجری قمری

۲۵۵ هجری قمری

- ❖ حکیمه خاتون
- ❖ ظریف خادم
- ❖ نسیم و ماریه خادم
- ❖ عثمان بن سعید و فرزندش محمد
- ❖ ابوالفضل حسین بن حسن علوی (طوسی)
- ❖ ابوهارون

۲۵۶ هجری قمری

- ❖ احتمالاً ابوهاشم جعفری پس از آزادی از زندان
- ❖ مردی فارسی خادم امام

۲۵۷ هجری قمری

- ❖ جلسه هفتاد نفری از شیعیان در ماه شعبان در محضر امام

۲۵۸ هجری قمری

- ❖ دیدار احمد بن اسحاق قمی و سعد بن عبدالله اشعری

۲۵۹ هجری قمری

- ❖ کامل بن ابراهیم مدنی
- ❖ یعقوب بن منقوش
- ❖ محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله حسنی
- ❖ جمعی از شیعیان یمنی
- ❖ جلسه چهل نفری شیعیان از جمله بلالی و هلالی حسن بن ایوب و محمد بن معاویه

۲۶۰ هجری قمری

- ❖ ابوالادیان خادم



الف- ۲. زندان‌های امام عسکری:

امام عسکری علیه السلام در شهر نظامی اسکان داده شده بود. در عین حال در دوران ۶ ساله امامت اش حداقل سه مرتبه (و به قولی تا ۴ مرتبه) در زندان بوده است گزارش زندان‌های حضرت چنین است:



یادآور می گردد که: تعداد زندان‌های امام حداقل سه مرتبه و حداکثر ۴ مرتبه در ظرف زمانی ۶ سال است.

دلیل این اختلاف عدد هم به زندان اول باز می گردد چراکه در این که امام در پایان سال ۲۵۴ ق در زندان بوده گزارش‌هایی وجود دارد. در زندانی بودن امام هم در ماه جمادی و رجب سال ۲۵۵ شکی نیست. در این صورت این دوزندانی شدن می تواند ممتد بوده باشد تا امام ۸ ماه در زندان بوده باشد. تا در نتیجه امام در بیشتر دوران حمل امام مهدی در زندان باشد. و احتمال می رود که موقتاً آزاد شده و دوباره در نیمه سال ۲۵۵ به زندان افتاده باشد تا در این صورت تعداد زندان‌های امام ۴ مرتبه بگردد.

از نکات دیگر مرتبط با زندان‌های امام موارد زیر است:

- ◆ زندان‌های سه گانه به دنبال بهانه‌های مختلف (از جمله شورش‌های زیدیه) صورت گرفت ولی هدف اصلی و پنهانی ممانعت از ولادت موعود بوده است.
- ◆ جدیت خلفای عباسی در جلوگیری از تولد موعود از طریق راهبرد زندانی سازی امام و جدا سازی از بانوان منزل، در نهایت به قتل خونبار دو خلیفه به بهانه‌های سطحی و ساده منجر شده است.

◆ زندانبانان امام در هر دوره خشن ترین افراد بوده تا بدان حد که تنها یک مورد اثرپذیری از

امام برزندانانان گزارش شده است.
 ◆ امام از ۶ سال دوران امامت حداقل سه و حداکثر نزدیک به یک سال را در زندان بوده است.

◆ در همه موارد زندانی شدن امام، جمعی از شیعیان و خصوصاً ابوهاشم جعفری هم زندانی پیوسته امام است. و البته ابوهاشم یک مورد زندان بیشتر داشته است. ضمن آن که از زندانی شدن دیگر شیعیان هم به صورت مستقل گزارش‌هایی ارائه شد.

الف- ۳. قم و قمی‌ها در زمان امام عسکری:

قم در این زمانه در شرایط پیچیده‌ای قرار دارد. این شهر از یک سوشاهد فشارهای فزاینده عباسیان است تا بدان حد که در زمانه کوتاه ۶ ساله دو مرتبه در سال ۲۵۴ و سال ۲۵۷ سربسته قیام برمی‌دارد.

و از سوی دیگر این شهر مرکز علمای شیعه است. ولی به دلیل همان فشارها، در نیمه اول امامت امام عسکری ارتباط‌ها صرفاً به صورت نامه نگاری دوسویه است.

ولی از زمانی که سرانجام احمد بن اسحاق می‌تواند محاصره را شکانده و به سامرا بیاید، شاهد حرکت کاروان‌های قمی‌ها به سوی سامرا هستیم. به گونه‌ای که در مقطع زمانی شهادت امام عسکری و آغاز امامت امام زمان از سه کاروان گزارش وجود دارد:

● کاروانی که از میانه راه باز گردانده می‌شود.
 ● کاروانی که روز شهادت به سامرا می‌رسد و در انبوه حضار منزل امام، نماینده امام با آنان دیدار می‌کند

● کاروانی که چند روز پس از شهادت به شهر می‌رسد و توفیق دیدار با امام غائب را می‌باید.

از نکات جالب دیگر دیدار شخصیت‌های علمی سه گانه قم با امام در این مقطع زمانی است که عبارتند از: احمد بن اسحاق قمی، سعد بن عبدالله اشعری، عبدالله بن جعفر حمیری این در حالی است که امام با علی بن حسین بابویه قمی، پدر شیخ صدوق هم نامه نگاری دارد.

الف- ۴: نفرین‌های امام:

امام به اقتضای دوران پیچیده دوران انتقال از مرحله حضور به مرحله غیبت، نسبت به دو گانه شدت تهدیدهای بیرونی‌ها و یا ریزش‌های ناشی از ضعف‌های داخلی به شدت مراقب است و رویدادها را تحت کنترل دارد تا مبادا شتاب فتنه‌ها موجب ضربه‌های سخت به جامعه شیعه در این دوران حساس نشود. بدین جهت هرگاه فتنه یا بحرانی نابهنگام رخ می‌دهد، امام با سلاح نفرین، با تیرغیب به دفع شرمی پردازد. گزارشی از این نفرین‌ها چنین است:

- کشته شدن دو خلیفه به نفرین امام
- کشته شدن وکیل فاسد و منحرف، عروه بن مخاس دهقان
- نفرین همسایه‌ای از نواصب که به آزار امام می‌پردازد.^۱

۱. موسوعة الإمام العسکری (ع)، ج ۲ ص ۱۱۱: الراوندی رحمه الله... أبو الحسن الموسوی، حدّثنا أبي: أنه كان يغشي أبا محمد العسکری عليه السلام بسزمن رأی كثيراً... وكان بجانبه رجل من العامة، فإذا ركب دعا له وجاء بأشياء يشنع بها عليه، فكان عليه السلام يكره ذلك. فلما كان في ذلك اليوم، زاد الرجل في الكلام، وألح فسار حتى انتهى إلى مفرق الطريقين... فدعا عليه السلام بعض خدمه، وقال له: امض فكفن هذا... فكفنه كما أمره، وسار عليه السلام و سرنا معه...



الف-۵. جغرافیای نامه نگاری های امام:

امام عسکری امامی است که در سراسر زندگانی و امامتش از سامرا خارج نشده است (جز طی الارض به گرگان) و پیوسته هم تحت نظر بوده است. بدین جهت از مهمترین وسیله های ارتباطی ایشان با شیعیان نامه نگاری است. میزان نامه های ایشان در مقایسه با زمان ۶ ساله (و توجه به زندان بودن چند ماهه و یا در حصر شدید بودن گاه گاه) زیاد است. جغرافیای نامه های امام چنین است:

نامه ها، توقیعات، مکاتبات				
نام	مکان	زمان	موضوع	ویژگی
ابراهیم بن عبده نیشابوری	نیشابور		نامه درباره مسائل وکالت	
ابوبکر فهفکی			مشاوره تجارت	جواب
ابی علی مهط		۲۵۹	مشورت در سفر حج در سال خشکسالی	جواب
ابوعون ابرش		۲۵۴	اعتراض به گریبان چاک زدن امام در شهادت پدر	جواب
ابوهیثم بن سیابه		۲۵۵	رفع نگرانی از شیعه نسبت به تهدید به قتل خود توسط معتز	جواب
ابوهاشم داود بن قاسم جعفری	زندان سامرا		نامه از زندان درباره آزادی نامه به امام در زمانی که در زندان معتز در معرض شهادت بود	۲ جوابیه
احمد بن اسحاق قمی	قم		درباره راهزنان درباره مسائل مستحدثه فقهی درباره میلاد موعود	جواب جواب توقیع
احمد بن محمد			خوف از شهادت امام در زمان مهتدی	جواب
احمد بن محمد بن عیسی			گزارشی از احادیث غلات به امام و نظر خواهی	جواب

احمد بن محمد بن مطهر			حکم اجیری که شک در انجام تعهداتش باشد	جواب
احمد بن اسحاق ابهری			پرسش فقهی: نماز در جوراب پشم خرگوش	جواب
احمد بن هلال			فروعات غسل جنابت	جواب
احمد بن محمد اقرع			پرسش امام شناسی	جواب
ایوب بن ناب	۲۵۹ - ۲۶۰		رفع مشکلات سازمان وکالت در نیشابور و توییح فضل بن شاذان	جواب
اسحاق بن اسماعیل	۲۵۹ - ۲۶۰		مدیریت مشکلات سازمان وکالت حقوق ولایت	جواب + در حالی که اسحاق خدش در سامرا است
اسحاق بن جعفر زبیری	۲۵۵		توصیه به خانه نشینی جهت سالم ماندن در فتنه قتل معتز به مدت ۲۰ روز	۲ نامه جهت تاکید بر حفظ سلامت
ابراهیم بن مهزیار	اهواز		وصیت حج + نماز در گیل ارمنی	۲
ابراهیم بن ادریس (حضینی: بشار بن ابراهیم بن ادریس)	۲۵۵		نامه امام همره دو قوچ جهت عقیقه مولود (بشار: ۴ قوچ)	
ابی طاهر محمد بن علی بن بلالی	بغداد		شکایت از همانی در سفر حج و پاسخ امام	
علی بن بلال	بغداد		احکام میت احکام پرداخت زکات در شهر دیگر حکم زکات به غیر شیعه حکم قضای نماز	۳ جوابیه
ابن بابویه قمی	قم		مواعظ	



				ابوالخیر صالح بن ابی حماد
	فلسفه روزه بحث علم حق تعالی			جعفر بن محمد علوی قلانسی
	دعا برای رفع گرفتاری			مردی جعفری از آل جعفر
جواب	خبر دادن از ارتحال فرزند و تسلی دادن	بصره		حجاج بن بن سفیان عبدی
	پرسش از وصیت در ثلث مال			حسن بن راشد
۳ نامه جوابیه	سیره موعود در زمان ظهور معنی مولا در حدیث غدیر مشاوره در تمتع پس از سال ها ترک ان			حسن بن ظریف
نامه های پیوسته توقیعی	نامه های امام درباره پرداخت مستمری جنید قاتل فارس	قم		حسین بن محمد اشعری
جواب	مشاوره تجاری			حمزه بن محمد سروی
توقیع	ادعیه رمضان	۲۵۵		رجاء بن یحیی بن سامان
جواب	حکم خمس برخی از کسب ها		بغداد	ریان بن صلت
جواب	پرسش تفسیری از معنی ولیجه			سفیان بن محمد ضبعی
جواب جواب	وصیت وارث اختلاف متکلمین شیعه در تجسیم	۲۵۵	ری	سهل بن زیاد
جواب	شکایت از کارگزار خلیفه در مصر و حل مشکل او با راهنمایی امام	۲۵۶		سیف بن لیث



	صالح بن ابی حماد ابی الخیر			غسل‌های مستحبی در ماه رمضان	
۴ جوابیه	عبدالله بن جعفر حمیری	قم		حکم ارث ازدواج با دختر مرضعه احکام ختان نوزاد ارث از زن	
جوابیه توقیع	عبدالله حمدویه بیهقی	بیهق خراسان		شکایت از وضعیت آشفته فکری شیعه نیشابور و چارجویی از امام و توصیه امام به رجوع به وکیلش معرفی وکیلش ابن عبده به شیعه	
جوابیه توقیع توقیع	علی بن محمد صیمری بصری (او در این زمان از شیعیان جوان و عالم است و در آینده نائب چهارم غیبت صغری می‌گردد)	بصره		نامه همراه نذر اهدای نیمی از سود سالیانه به امام و پاسخ امام + نامه‌های دو گانه امام به او و شیعیان نسبت به فتنه قتل معتز + نامه هشدار بخش امام برای مخفی شدنش در فتنه قتل جعفر بن محمد و مخفی شدن او و نجات از زندان و ترور + نامه اش موقع خروج از زندان معتمد	
جوابیه	علی بن زید			درخواست از امام برای شفای فرزند و تسلیت امام	
جوابیه	علی بن سلیمان			استفتا در زمینه تجارت وکالتی	
	علی بن مهزیار	اهواز		استفتا برای نماز در گِل ارمی	
۲ جوابیه	عمران بن ابی مسلم ابی علی			درخواست فرج و گشایش مالی درخواست دعای فرزند	
توقیع	قاسم بن علا	آذربایجان		درباره میلاد سیدالشهدا و دعای روز میلاد	
جوابیه	محمد بن احمد بن مطهر			پرسش از عبدادات رحضانیه پیامبر	

محمد بن حجر	(ساکن ایران)	درخواست نجات از والیان منطقه و هلاک آنان به نفرین امام	جوابیه
محمد بن حسین		حقوق اجتماعی دینی که تلف شود	۲ جوابیه
محمد بن حسن صفار ^۱	قم	پرسش و استفتا در ابواب گوناگون فقهی مانند وصیت و ارث و جنائز و تجارت و ...	بیش از ۳۰ جوابیه
محمد بن حسن بن میمون		شکایت از فقر و جواب به صبر درخواست شفای چشم و تجویز پزشکی امام	۲ جوابیه
محمد بن حمزه دوری	الدوره	دعای گشایش از فقر و جواب به ارثی غنا بخش	جوابیه
محمد بن دریاب رقاش		پرسش قرآنی و دعای طلب فرزند	جوابیه
محمد بن زید		مشاوره در خرید کنیز	
محمد بن صالح خثعمی		سوال از صاحب الزنج که اهلیت است و ردیه امام نسبت به صاحب الزنج	
محمد بن عبدالجبار		فقهی: حکم قلنسوه حریر	
محمد بن عبدوس		فقهی در وصیت	

۱. ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ، معروف به صفار قمی (درگذشت ۲۹۰ ه. ق.) از شیعیان و اصحاب حسن عسکری امام یازدهم شیعه بوده است و با او مکاتباتی داشته است. علمای بزرگ شیعه همانند شیخ طوسی، نجاشی و علامه حلی او را تصدیق نموده اند و او را عظیم القدر شمرده اند. آنان صفار قمی را در روایت «قلیل السقط» دانسته اند. بصائر الدرجات از آثار او است که از کتابهای معتبر و مورد اعتماد شیعه می باشد. این کتاب مورد استفاده علمای شیعه مانند شیخ کلینی و مجلسی در بحار الانوار و حرّ عاملی در وسائل الشیعه بوده است. آنان ضمن تایید این کتاب، آن را در زمره مراجع و مدارک خود آورده اند.

محمد بن حسن صفار قمی معروف به اعرج (به معنای لنگ)، از موالیان ایرانی تبار عیسی بن موسی بن طلحه اشعری بود [۱] و از همین رو نسبت «اشعری» داشت. تاریخ ولادت وی معلوم نیست. سال وفاتش ۲۹۰ قمری مقارن با دوران غیبت صغری است [۲].

گفته شیخ طوسی، وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود. اصلی ترین شاهد بر این مدعا مجموعه پرسش هایی است که وی از طریق نامه از آن حضرت پرسیده بود. [۳] این نامه نگاری ها می تواند نشانه ای بر مقام و کالت و نمایندگی او از سوی امام نزد شیعیان باشد. در منابع حدیث گاه از او با لقب مموله نیز یاد شده است. این لقب در برخی از منابع به شکل مموله آمده است. صفت مموله در برخی از منابع به مجموعه سوالاتی که وی از امام حسن عسکری علیه السلام پرسیده بود، اطلاق شده است. [۴]

محمد بن علی بن ابراهیم همدانی	همدان ایران	دعای طلب فرزند	
محمد بن عیسی		حکم نماز شب در اول شب حکم اثبات رمضان در وسط روز	
محمد بن محمد قلانسی		دعای طلب فرزند	
محمد بن موسی ابن فرات	بغداد	دین و اختلاف خانوادگی با غیر شیعه	
محمد بن احمد بن حماد مروزی محمودی	خراسان	دعای طلب فرزند	
ناصر البادودی		تعزیت در شهادت پدر و طلب حجت بر امامت	
هارون بن مسلم		درخواست حجت بر امامت در آغاز امامت درخواست نامگذاری نواده اش	۲ جوابیه
همام		دعای طلب و سلامت فرزند	
یعقوب بن اسحاق		پرسش کلامی از دلیل عبودیت	
شیعه ای از منطقه جبال	غرب ایران	درباره معاشرت با واقفیه و دستور اکید امام به فاصله گیری	
مردی از مدائن	مدائن	معنی صعب بودن احادیث اهل بیت	
بعض بنی اسباط		ادله امامت و راهنمایی در زمینه سفر تجاری	
یکی از زندانیان شیعه		درخواست نجات از زندان و آموزش دعا به او	
یکی از شیعیان		پیشگوئی قتل یکی از نواصب ۱۰ روز پیش از آن	
یکی از نواصب		ارائه کرامت مکتوب و تشیع او	





وقتی به این نامه نگاری ها از زاویه گاه شماری نگریسته شود، معلوم می شود بخشی از نامه های امام در دو مقطع زمانی ولادت و آستانه شهادت حضرت صادر شده است که ارتباط مستقیمی به مهدویت دارد.

نامه های زمانه ولادت از روش اطلاع رسانی مستقیم و یا غیرمستقیم استفاده کرده و کارکرد تبشیری دارد.

ولی نامه های صادر در آستانه شهادت، رویکرد تأکیدی و اتمام حجت و بعضاً هشدار و نسبت به مسئله وصایت امام موعود دارد و در هر دو دسته برخی از نامه ها به وکلای امام صادر شده و رویکرد جمعی دارد و برخی خطاب به اشخاص حقیقی است.

ب. نکات تحلیلی:

دانسته شد که دوران امامت امام عسکری علیه السلام پایانی بر دوران انسان ۲۵۰ ساله است و آغازی بر انسان هزار و چند صد ساله انتظار، بدین جهت، دوران امام کاظم علیه السلام از یک سو عصاره شاخصه‌های ارزشمند شیعه بر بستر بلوغ تاریخی است؛ بلوغی که اگرچه با حیرت و نگرانی‌های آغازین همراه است، اما در نهایت آنان را آماده ورود به دوران غیبت می‌نماید با این نگاه برای پرهیز از دور نیفتادن اطلس از ساختار خود به صورت موجز به برخی نکات تحلیلی اشاره می‌شود:

۱. جایگاه سلامت و ثبات سازمان وکالت:

در این گاه‌شمار آنچه که در مرحله اول باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله سازمان وکالت است. از این جهت که از یک سو امام در آستانه رخداد قریب الوقوع دوران غیبت که به خودی خود حیرت‌زاست، مراقب است مبدا آسیب‌ها و یاریزش‌های این سازمان، باعث ضربه‌ای مضاعف و جبران‌ناپذیر از درون به جامعه شیعه شود و برای همین دقت‌های ویژه امام، در نهایت باعث پویایی این سازمان حداقل در سه مرکز عمده شیعه در آن زمان یعنی سامرا و بغداد و قم می‌گردد و با کمک هوشیاری و دقت و بصیرت این سازمان است که ورود به دوران غیبت با کمترین بحران‌ها صورت می‌گیرد؛

در این دوران شاهد فداکاری‌های فراوان عثمان بن سعید عمری به عنوان سروکیل و تنها رابط بین امام و جامعه شیعه در شهر سامرا هستیم. گزارش گاه‌شماری فعالیت‌های عثمان بن سعید در این سال‌ها چنین است:

نگاهی گذرا به زندگی عثمان بن سعید

در دوران امام عسکری علیه السلام



۲. مسئله انتلاف بی سابقه خلافت عباسی و جریان انحرافی

در طول تاریخ تشیع، جریان حق همواره با دوگانه‌ای باطل مرکب از تهدید مستقیم جریان خلافت از یک سو و جریان‌های انحرافی داخلی از سوی دیگر روبرو بوده است؛ دو جریان کاملاً متضاد اما با نتیجه و اثر مشترک که ضربه زدن به جریان حق است، ولی در آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تراکم توطئه‌ها تا بدانجا می‌رسد که دستگاه خلافت با نفوذ در جریان انحرافی منتسب به شیعه، سعی می‌کند هجوم و بحرانی فراگیر و محاصره‌ای کامل برای مکتب و جامعه حق ایجاد کند؛ بدین جهت یکی از مأموریت‌های جعفر در این مقطع زمانی می‌تواند رصد و شناسایی سازمان نیابت و وکالت و حداقل ضربه زدن به آن باشد، ولی درایت و تدبیر نایب اول در انتقال سریع مرکز نیابت از سامرا به بغداد باعث می‌شود که کانون فعالیت‌های شیعیان راستین به بغداد و دور از مرکز نظامی و امنیتی عباسیان منتقل شود و در برابر سامرا به مرکزی برای رفت و آمد گاه و بیگاه افراد متحیر تبدیل بگردد، تا این تصور برای حاکمیت و جاسوس‌های آنان فراهم شود که گویا جامعه شیعه ضمن نداشتن امامی جانشین، دچار حیرتی نهادینه شده و به زودی از درون متلاشی خواهد شد؛ این در حالی است که به موازات ضعف عباسیان در برابر شورش‌های فراگیر و افول ستاره جعفر، به تدریج شاهد نظم و انسجام و رشد تشیع بواسطه راهبری هدایت شده نایب اول هستیم.

۳. تلاش امام غائب برای اثبات حقانیت خود

شهادت امام عسکری علیه السلام نقطه شروع دوران غیبت صغری بود و لازمه رخداد غیبت، پنهان شدن امام از جامعه بود ولی دوگانه حیرت‌آغازین و شدت فتنه افروزی مخالفان، باعث می‌شود که امام غائب در آغازین روزهای امامت خود، بیشترین حضور و ظهور را از خود نشان دهد و البته حضوری که همراه با ارائه نشانه‌های امامت و ولایت است که نتیجه‌اش تثبیت ایمان مؤمنانه و ابطال کید دشمنان است. گزارش گاه‌شماری ظهور و ظهور جلوه‌های امامت امام در این مقطع چنین است:

زمان	روز شهادت	روز شهادت	چند روز اولیه آغاز امامت
رویداد	نمازگزاری	مواجهه با ابوالادیان	پذیرش کاروان دوم قم و منطقه جبال
مخاطب و هدف	اثبات وجود تاریخی‌اش به دوست و دشمن	اثبات نشانه‌های امامت	اثبات امامت خود برای نمایندگان شیعه ایرانی

۴. دستاوردهای اطلاعاتی جامعه شیعه در تحمل امانت مهدویت

از جهت ادوارشناسی خط امامت و مسئله انسان ۲۵۰ ساله، دوران امام حسن عسکری علیه السلام کوتاه‌ترین دوران امامت امامان شیعه است. این کوتاهی بیانگر شدت هجوم عباسیان علیه امام و جامعه شیعه است؛ هجومی که اگرچه از الگوی قدرت هوشمند (نرم و سخت) تبعیت می‌کند، ولی بنیان آن بر قدرت سخت است و از ترکیب حصر امام در سامرا و سرکوب شیعه در مناطق دیگر عمل می‌کند؛ البته برای اینکه این قدرت سخت، کارآمد عمل کند، متکی بر نظام اطلاعاتی گسترده خلافت است؛ در این شرایط امام عسکری علیه السلام ناچار به درپیش گرفتن تقیه‌ای بسیار شدید است؛ سیاستی که از سوی امام به جامعه شیعه هم توصیه می‌شود و سرمایه اجتماعی شیعه در این تقیه‌ورزی حفاظتی همراه با امام، تمرین زندگی اطلاعاتی در بستر زمانی ۲۵۰ ساله است.

در بستر دوگانه جنگ شدید نرم و سخت عباسیان و بلوغ اطلاعاتی-تقیه‌ای جامعه شیعه است که امام به مدیریت مسئله مهدویت در مقطع شش سال امامت خود می‌پردازد. ناظر به این واقعیات شاهد سه‌گونه از راهبردهای اطلاعاتی در سیره سیاسی-اجتماعی امام عسکری علیه السلام هستیم که محورها و مصادیق آن چنین است:

◆ مسئله کتمان و رازداری در تمامی فرایند حمل و ولادت موعود حتی از حکیمه خاتون مربی و استاد حضرت نرجس، تا آخرین لحظه



ه. نقش آفرینی تاریخی بانوان اهل بیت علیهم السلام

مهدویت در این مقطع تاریخی به سه مرحله پیشا تولد، از تولد تا شهادت امام عسکری علیه السلام، و دوران آغازین امامت تقسیم می‌گردد. تمامی این مراحل در شهر سامرا می‌گذرد؛ شهری که امام عسکری علیه السلام در آن در محاصره و بلکه گهگاه در زندان است؛ بدین جهت بانوان اهل بیت علیهم السلام در این شهر هم به شدت محدود هستند؛ ولی همان اندک بانوان به علت بلوغ تاریخی در فرایند ۲۵۰ ساله و با همراه داشتن توشه تمامی بانوان اهل بیت علیهم السلام در گذشته، در نهایت نقش آفرینی و پویایی هستند.

از نکات جالب این نقش آفرینی، تقسیم کار متناسب با استعدادها و فرصت‌ها بین این بانوان هستیم. گزارش این فعالیت‌ها چنین است:

آفرینی در نقش معلم و آموزگار قرآن و معارف دینی
برای نرجس خاتون
✦ یاوری خاندان امام در فرایند تولد و رشد فرزند
✦ نقش روایتگری رویداد میلاد و آفات و غیبت امام همانند حضرت زینب کبری (س) پس از شهادت سیدالشهدا علیه السلام

حکیمه خاتون

سوسن

مادر امام عسکری علیه السلام

✦ عهده داری سرپرستی مخفیانه امام موعود در سال پایانی امامت امام عسکری علیه السلام در مدینه
✦ تحمل سفری سریع از مدینه به سامرا پس از آگاهی از شهادت فرزندش امام عسکری علیه السلام، و خنثی‌سازی طرح مصادره اموال امام عسکری علیه السلام به دست جعفر و خنثی‌سازی نقشه‌های جعفر مبنی بر ادعای تنها وارث امام عسکری علیه السلام بودن

صیقل

کتب امام عسکری علیه السلام که احتمالاً همان نرجس خاتون باشد

✦ حضور در خلوت و غربت امام در ماه‌ها و روزها و لحظه‌های پایانی
✦ در مقابل هجوم گسترده عباسیان به بیت امام و ایجاد آزار برای اهل منزل، ادعای احتمال حمل را نموده و تا دو سال، همانند امام شهید، حضری خانگی و دشوار را در خانه قاضی ابن ابی السوارب و وزیر عبیدالله بن فتح بن خاقان متحمل می‌گردد.

كمال الدين و تمام النعمة، الشيخ الصدوق ج ۲ ص ۵۰۱: باب ذكر التوقيعات الواردة عن القائم ع: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى حَكِيمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرِّضَا أُخْتِ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ ع فِي سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ ثَمَانِينَ بِالْمَدِينَةِ فَكَلَّمْتُهَا مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ وَ سَأَلْتُهَا عَنْ دِينِهَا فَسَمِعْتُ لِي مَنْ تَأْتَمُّ بِهِ ثُمَّ قَالَتْ فَلَا بَنَ الْحَسَنِ ع فَسَمِعْتُهُ فَقُلْتُ لَهَا جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مُعَايَنَةً أَوْ خَيْرًا فَقَالَتْ خَيْرًا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ ع كَتَبَ بِهِ إِلَى أُمِّهِ فَقُلْتُ لَهَا فَأَتَيْنَ الْمَوْلُودُ فَقَالَتْ مَشْتُورٌ فَقُلْتُ فَإِلَى مَنْ نَفَرَ الشَّيْبَةَ فَقَالَتْ إِلَى الْجَدَّةِ أُمِّ أَبِي مُحَمَّدٍ ع فَقُلْتُ لَهَا أَفْتَدِي بِمَنْ وَصِيَّتُهُ إِلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَتْ أَفْتَدَاءُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع أَوْصَى إِلَى أُخْتِهِ زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فِي الظَّاهِرِ وَ كَانَ مَا يَخْرُجُ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ مِنْ عِلْمٍ يُنْسَبُ إِلَى زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ تَشْتَرُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ قَالَتْ إِنَّكُمْ قَوْمٌ أَصْحَابُ أَخْبَارٍ مَا رَوَيْتُمْ أَنَّ النَّاسَ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ ع يُقْسَمُ مِيرَاثُهُ وَ هُوَ فِي الْحَيَاةِ

كمال الدين و تمام النعمة، الشيخ الصدوق، ج ۲، ص ۴۷۴: باب ذكر من شاهد القائم ع و رآه و كلمه

سخن پایانی:

آنچه که ارائه شد، تجربه‌ای نوین از عرضه معارف تاریخی-کلامی از زندگی معصومین علیهم‌السلام است که به عنوان نمونه در فصل اول از مهدویت‌شناسی ارائه گردید. البته به علت محدودیت‌های موجود پیش روی سفارش، نتیجه‌گیری‌های توصیفی و تحلیلی دیگر از این روش، به عهده مخاطبان گوناگون این اثر واگذار می‌گردد و فصل ارزشمند شخصیت‌شناسی یاران امام عسکری علیه‌السلام و بازشناسی کمیت و کیفیت نقش‌آفرینی آنان در مسئله مهدویت به مجال دیگری واگذار می‌گردد.

این اطلس تجربه‌ای ناقص بود از روشی که دیگر مکاتب و مذاهب در باطل خود در آن پیشگام بوده‌اند و ما با گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب و ایجاد بسترهای مناسب نشر تشیع، از آن غافل بوده‌ایم. این در حالی است که ارائه اطلس‌گونه معارف تاریخی-کلامی ضمن فرصت‌سازی برای همه فهمیدن معارف شیعی، قدرت نرم جبهه حق را در تبیین معارف ناب فزونی می‌بخشد. در پایان امید می‌رود که مرحله بعدی این اثر که اطلس دوران غیبت صغری است هم به زودی در اختیار علاقمندان قرار گیرد.



کتابنامہ

کتابنامه

۱. القرآن الکریم؛
۲. نهج البلاغه؛
۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، بیروت، دارالمعرفه؛
۴. البخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۶ ق، صحیح بخاری، عالم الکتب، بیروت، الطبعة الخامسة؛
۵. بیومی مهران، محمد، ۱۹۹۵ م. = ۱۳۷۴. الامامه و اهل البيت علیهم السلام بیروت: دارالنهضة العربية؛
۶. پایگاه وزارت اطلاعات، دائره المعارف اطلاعاتی؛
۷. جاسم محمد حسین / مترجم سید محمد تقی آیت اللهی، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، امیر کبیر، تهران؛
۸. جباری، محمد رضا، ۱۳۸۲، سازمان وکالت موسسه امام خمینی قم؛
۹. جعفریان، رسول، ۱۳۷۸، تاریخ تحول دولت و خلافت: از برآمدن اسلام تا برافتادن سفیانیان، بوستان کتاب، قم؛
۱۰. جعفریان، رسول، مهدیان دروغین؛
۱۱. جعفریان، رسول، ۱۳۸۱ ش، حیات فکری و سیاسی ائمه، انصاریان، قم؛
۱۲. خزعلی، ۱۴۲۴ ق، موسوعة الإمام الهادي عليه السلام، مؤسسة ولي العصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم؛
۱۳. خزعلی، ۱۴۲۶ ق، موسوعة الإمام العسكري عليه السلام، مؤسسة ولي العصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم؛
۱۴. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، البلاغ، ۱۴۱۹ ق؛
۱۵. دوری، عبد العزیز، العصر العباسی الاول، بغداد، ۱۹۴۵ م؛
۱۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷. لغتنامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛
۱۷. راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ ه، الخرائج والجرائح، تحقیق و نشر: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام - قم المقدسه - الطبعة الأولى؛
۱۸. رضایی، محمد، انسان شناسی و مهدویت، بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
۱۹. سعادت، اسفندیار، ۱۳۶۹، مدیریت بحران، مجله دانش مدیریت، شماره ۱۱، زمستان؛
۲۰. سلیمیان، خدامراد، ۱۳۹۰، درسنامه مهدویت، ناشر: بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه)؛
۲۱. سلیمیان، خدامراد، ۱۳۹۲، فصلنامه مشرق موعود سال هفتم بهار شماره ۲۵؛
۲۲. شوائتزر، جمیزا، مدیریت حفاظت اطلاعات کامپیوتر؛ موازین اداری، الکترونیکی و قانونی برای حفاظت اطلاعات تجاری، ترجمه رسول میرزا حسن پور، ۱۳۷۲، چاپ اول، تهران، دانشکده اطلاعات و حفاظت اطلاعات؛
۲۳. الشوشتري، احقاق الحق؛
۲۴. شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ ق، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت اعلمی؛
۲۵. شیخ صدوق، کمال الدین، ۱۴۰۵، جامعه مدرسين، قم؛
۲۶. شیخ طوسی، ۱۴۱۱ ق، الغیبه، قم، دارالمعارف الاسلامیه؛
۲۷. شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ناشر: کنگره شیخ مفید،

- قم؛
۲۸. شیخ صدوق، ۱۳۹۵ ق، کمال الدین و تمام النعمة، اسلامیه، تهران؛
 ۲۹. شیخ کلینی / مترجم آیت الله کمره‌ای، ۱۳۷۵ ش، ترجمه اصول کافی، اسوه، قم؛
 ۳۰. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه، ترجمه محمد امامی شیرازی، نشر جهان آرا؛
 ۳۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی العشر، مؤسسه سیده المعصومه (س) قم؛
 ۳۲. صفری فروشانی، نعمت الله، ماهنامه تاریخ اسلام، شماره ۴؛
 ۳۳. طبیبی، ناهید، پژوهشی نو درباره مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوستان کتاب قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۲؛
 ۳۴. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۸ ق، دلائل الإمامة؛
 ۳۵. طبری، محمد بن جریر؛ ۱۳۸۷ ق، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث؛
 ۳۶. طبقات روایان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت، عبدالکریم عبداللهی؛
 ۳۷. عده‌ای از پژوهشگران با اشراف حجة الاسلام علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی (علیه السلام) هیئت علمی مؤسسه معارف اسلامی قم؛
 ۳۸. عطاردی، عزیزالله، مسند امام عسکری علیه السلام؛
 ۳۹. فرهنگ مهدویت در القاب خلفای عباسی، تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۲/۲۵، مجله، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱، فاروق عمر/ غلام حسن محرمی؛
 ۴۰. کشی، محمد بن عمر، ۱۳۸۴، رجال کشی، دانشگاه مشهد، مشهد؛
 ۴۱. مایکل بنت و ادوارد والتز، ۱۳۹۳، فریب و ضد فریب در امنیت ملی، منصور ناصری و حسین نجاتی، تهران، دانشکده اطلاعات؛
 ۴۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۳ ش، بحار الانوار. اسلامیه تهران؛
 ۴۳. مسلم بن الحجاج، ۱۳۹۸ هـ، صحیح مسلم، دار الفکر، بیروت، الطبعة الثانية؛
 ۴۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ ق، الغیبه، نشر صدوق، تهران؛
 ۴۵. یاقوت حموی، ۱۹۹۵ م، معجم البلدان معجم البلدان، بیروت، دار صادر؛
 ۴۶. نرم افزار موعود، تولید حوزه علمیه اصفهان؛
 ۴۷. نرم افزار درایه النور، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی (نور)؛
 ۴۸. نرم افزار سیره معصومان، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی (نور)؛
 ۴۹. نرم افزار سفینه النجاه، مرکز کامپیوتری حوزه علمیه اصفهان؛
 ۵۰. سایت اینترنتی ویکی پدیا؛
 ۵۱. سایت اینترنتی ویکی شیعه؛
 ۵۲. سایت اینترنتی ویکی فقه؛
 ۵۳. سایت اینترنتی دانشنامه اسلامی؛

